**بگذارید از مادرم**

**عایشه صدّیقه** ل **بگویم**

**نویسنده:**

**ایوب گنجی**

|  |  |
| --- | --- |
| **عنوان کتاب:** | بگذارید از مادرم عایشه صدّیقه بگویم |
| **تألیف:**  | ایوب گنجی |
| **موضوع:** | پاسخ به شبهات و نقد کتاب‌ها |
| **نوبت انتشار:**  | اول (دیجیتال)  |
| **تاریخ انتشار:**  | فروردین (حمل) 1395شمسی، رجب 1437 هجری |
| **منبع:**  | کتابخانه عقیده www.aqeedeh.com |
| **این کتاب از سایت کتابخانۀ عقیده دانلود شده است.****www.aqeedeh.com** |  |
| **ایمیل:** | **book@aqeedeh.com** |
| **سایت‌های مجموعۀ موحدین** |
| www.mowahedin.comwww.videofarsi.comwww.zekr.tvwww.mowahed.com |  | www.aqeedeh.comwww.islamtxt.com[www.shabnam.cc](http://www.shabnam.cc)www.sadaislam.com |
|  |  |
|  |
| contact@mowahedin.com |

تقديم‌

ـ به‌ معلّم‌ بزرگ‌ بشریّت‌، پیامبر عطوفت‌ و مهربانی‌ و نبی‌َّ رحمت‌، حضرت‌ محمد مصطفی‌ .

ـ به‌ همسران‌ پاک پیامبر، مادران‌ مؤمنان‌، آن‌ شیر زنانی‌ كه‌ با اختیار زندگی‌ ساده‌ و بی‌آلایش‌، به‌ جامعه‌ی‌ زنان‌ درس‌ سادگی‌ و ایثار را آموختند.

ـ به‌ عایشه‌ی‌ صدّیقه‌ ل، آن‌ زن‌ مظلوم‌ تاریخ‌ اسلام‌، كه‌ مسلمانان‌ از علم‌ و حلمش‌، از صبر و استقامتش‌ و از عشق‌ و ایثارش‌ درس‌ می‌گیرند.

ـ به‌ مادر مهربانم‌ كه‌ سختی‌های‌ بارداری‌ و گریه‌های‌ نیمه‌شبانه‌ی‌ كودكیم‌ را تحمل‌ نمود و چه‌ بسا شب‌هایی‌ را كه‌ بر گهواره‌ام‌ بیدار مانده‌ و خواب‌ شیرین‌ و راحتش‌ را به‌ خاطر آرام‌ كردن‌ من‌ فدا كرده‌است‌...

ـ به‌ همسر گرانقدرم‌ كه‌ با چشم‌پوشی‌ از تمام‌ حقوق‌ اولیه‌ی‌ یک زن‌ و تفریح‌ و... مرا در كارهای‌ تحقیاتیم‌ یاری‌ می‌كند.

ـ به‌ مادرانی‌ كه‌ می‌خواهند نسل‌ آینده‌ را بسازند.

ـ به‌ تمامی‌ مربیانی‌ كه‌ در فكر اصلاح‌ جامعه‌ هستند و در زندگی‌،عایشه ل ‌ و فاطمه‌ را الگوی‌ خویش‌ قرار داده‌اند.

ـ به‌ خواهران‌ دینی‌ام‌ در مسجد جامع‌ قُبای‌ سنندج‌ كه‌ با دعاهایشان‌ مرا در نوشتن‌ مجموعه‌ حقایق‌ تاریخی‌، پشتیبانی‌ می‌كنند.

بسم الله الرحمن الرحیم

فهرست مطالب

[بخش‌ اول‌ عايشه ‌ي‌ صدّيقه ل از ولادت‌ تا ازدواج‌ 11](#_Toc238512709)

[ازدواج‌ رسول‌ الله با عايشه ل 12](#_Toc238512710)

[سرور و شادي‌ همراه‌ با ترس‌ و اضطراب‌ 13](#_Toc238512711)

[پروردگار مي‌خواهد دل‌ ابوبكر را شاد كند 14](#_Toc238512712)

[ازدواج‌ با عايشه ل‌، خواست‌ پروردگار 17](#_Toc238512713)

[ازدواج‌ در ماه‌ شوال‌ و شكستن‌ تحريمات‌ غيرالله 18](#_Toc238512714)

[از بوستان‌ صداقت‌ به‌ گلستان‌ نبوّت‌ 18](#_Toc238512715)

[بخش‌ دوم‌ عايشه‌ي‌ صدّيقه **ل** از ازدواج‌ تا ابتلا 20](#_Toc238512716)

[ارتباط‌ با الله، درمان‌ تمام‌ دردها 20](#_Toc238512717)

[محبت‌ رسول‌الله در قلب‌ عايشه ل 21](#_Toc238512718)

[محبّت‌ عايشه ل‌ در قلب‌ پيامبر 22](#_Toc238512719)

[عايشه ل‌، نمونه‌ي‌ بارز يك‌ همسر واقعي‌ 23](#_Toc238512720)

[همسر موفق‌ و ايده‌آل‌ از ديدگاه‌ عايشه‌ي‌ صديقه‌ ل 24](#_Toc238512721)

[عايشه ل‌ در ميدان‌ جهاد 25](#_Toc238512722)

[منافقين‌ در كمين‌ نشسته‌اند 25](#_Toc238512723)

[عايشه ل‌ و افك 26](#_Toc238512724)

[خداوند مي‌خواهد نام‌ عايشه ل‌ را زنده‌ نگه‌ دارد 27](#_Toc238512725)

[افك‌؛ دروغي‌ بي‌بنياد و دردي‌ جانكاه 27](#_Toc238512726)

[عايشه ل‌ و صبر و استقامت‌ 33](#_Toc238512727)

[هر كس‌ بر الله توكل‌ كند، او برايش‌ كافي‌ است‌ 33](#_Toc238512728)

[بخش‌ سوم‌ عايشه ‌ي‌ صدّيقه‌ **ل** از برائت‌ تا رحلت‌ 36](#_Toc238512729)

[قلب‌ مؤمنان‌ شاد شد، پشت‌ خميده‌ صفوان‌ راست‌ گرديد و شادي‌ به‌ خانه‌ نبوّت‌ و صديقيّت‌ بازگشت‌ 37](#_Toc238512730)

[اجراي‌ حد قذف‌ بر اهل‌ افك‌ 37](#_Toc238512731)

[افك‌ و بازتاب‌ آن‌ در جامعه‌ي‌ اسلامي‌ 38](#_Toc238512732)

[چرا قرآن‌؟ 39](#_Toc238512733)

[جبرييل‌ با خود چه‌ آورد؟ 40](#_Toc238512734)

[چرا زود قضاوت‌ می‌كنيد؟ 43](#_Toc238512735)

[چرا برای‌ ادعايتان‌ شاهد نمی‌آوريد؟ 44](#_Toc238512736)

[لطف‌ و رحمت‌ پروردگار هميشه‌ با مؤمنان‌ است‌ 45](#_Toc238512737)

[تهمت‌ به‌ ديگران‌ را كوچک‌ نشماريد! 45](#_Toc238512738)

[مؤمنان‌ بايد پندهای‌ قرآنی‌ را گوش‌ دهند 46](#_Toc238512739)

[عذاب‌ دردناک‌ برای نشر كنندگان‌ توهين‌ به‌ عايشه ل‌ 47](#_Toc238512740)

[توهين‌ كنندگان‌ به‌ عايشه ل، پيروان‌ و رهروان‌ شيطان‌ هستند 48](#_Toc238512741)

[تهمت‌ زنندگان‌ در روز قيامت‌ رسوا می‌شوند 51](#_Toc238512742)

[عايشه ل‌ شايسته‌ی‌ رسول‌الله 52](#_Toc238512743)

[در بيان‌ افك‌ عايشه ل 53](#_Toc238512744)

[برائت‌ عايشه ل‌ نه‌ فردي‌ ديگر 55](#_Toc238512745)

[عقيده‌ به‌ گناهكار بودن‌ عايشه ل‌، اهانت‌ به‌ ساحت‌ پاك‌ رسول‌الله 58](#_Toc238512746)

[توهين‌ به‌ مادر، گناهي‌ نابخشودني‌ 59](#_Toc238512747)

[عايشه ل‌! ايام‌ تلخ‌ هجران‌ به‌ سر آمد 60](#_Toc238512748)

[بخش‌ چهارم‌ عايشه ‌ي‌ صدّيقه‌ **ل** فضايل‌ و امتيازات‌ 62](#_Toc238512749)

[عايشه ل‌ فقط‌ الله و رسول‌ را مي‌خواهد 62](#_Toc238512750)

[تقوی‌ و زهد عايشه ل 64](#_Toc238512751)

[دعا و عبادت‌ عايشه ل 65](#_Toc238512752)

[عايشه ل‌، عالمي‌ بزرگ‌ و مجتهدي‌ توانا 66](#_Toc238512753)

[عايشه ل ‌ اديبي‌ چيره‌دست‌ 67](#_Toc238512754)

[عايشه ل‌ اولين‌ حافظه‌ حديث‌ 68](#_Toc238512755)

[عايشه ل‌ و افتخارات‌ منحصر به‌ فردش 69](#_Toc238512756)

[\* آيا افتخاری‌ بالاتر از اين‌ وجود دارد؟ 69](#_Toc238512757)

[\* نزول‌ وحی‌ در شأن‌ او 69](#_Toc238512758)

[\* مادر مؤمنان‌ عالَم‌ 69](#_Toc238512759)

[\* تنها دوشيزه‌ از ميان‌ همسران‌ پيامبر 70](#_Toc238512760)

[\* پاسخ‌ به‌ يک‌ شبهه 71](#_Toc238512761)

[\* زنی‌ كه‌ پدر و مادرش‌ از مهاجرين‌ بودند 72](#_Toc238512762)

[\* دچار نشدن‌ به‌ شرک‌ و بت‌پرستی‌ 73](#_Toc238512763)

[\* آوردن‌ صورت‌ عايشه ل‌ توسط‌ جبرييل:‌ 73](#_Toc238512764)

[\* ديدن‌ جبرييل‌ امين‌ و حضور در خانه‌ وحی 73](#_Toc238512765)

[\* كاتب‌ و جمع‌كننده‌ قرآن‌ 74](#_Toc238512766)

[\* دختر ابوبكر صدّيق 75](#_Toc238512767)

[\* مجتهد و مفتی‌ عهد صحابه‌ 75](#_Toc238512768)

[\* غروب‌ خورشيد نبوت‌ در حجره‌ی‌ عايشه ل 75](#_Toc238512769)

[\* اتاق‌ عايشه ل، مدفن‌ رسول‌الله 77](#_Toc238512770)

[... سخن‌ آخر 78](#_Toc238512771)

[منابع‌ و مآخذ 82](#_Toc238512772)

بسم الله الرحمن الرحیم

الحمد لله رب‌ العالـمين‌ والصّلاة والسّلام‌ُ عَلی‌ أشرَف‌ الأنبياء وَالـمُرسَلين‌، مُحَمَّدٍ وَعَلی‌ آله‌ وَأصْحَابه‌ وَأزوَاجه‌ اُمَّهات‌ الـمؤمنين‌.

اگر بخواهیم‌ جامعه‌ای‌ پویا، سالم‌ و مترقی‌ را داشته‌ باشیم‌ باید به‌ روش‌های‌ تربیتی‌ درست‌ و سالم‌ توجه‌ نماییم‌. و این‌ روش‌های‌ درست‌ و سالم‌، نیازمند مادران‌ سالم‌ می‌باشد، كسانی‌ كه‌ كار اصلی‌ تربیت‌ و پرورش‌ كودک را ـ نسل‌ آینده‌ را ـ به‌ عهده‌ دارند. پس‌ اگر ما بتوانیم‌ مادرانی‌ خوب‌ و با تفكّر صحیح‌ داشته‌ باشیم‌ تا حدود زیادی‌ در تشكیل‌ جامعه‌ای‌ سالم‌ و سربلند گام‌ برداشته‌ایم‌. اما اگر مادران‌ از تفكّر و برنامه‌ی‌ صحیحی‌ برای‌ نسل‌ آینده‌ برخوردار نباشند، قطعاً با مشكلات‌ بسیار زیادی‌ روبرو خواهیم‌ شد كه‌ در وهله‌ی‌ اول‌ دامنگیر خود مادرانی‌ خواهد شد كه‌ آن‌ فرزندان‌ را به‌ جامعه‌ تحویل‌ داده‌اند. پس‌ لازم‌ است‌ برای‌ دست‌ یافتن‌ به‌ جامعه‌ای‌ پویا و نسلی‌ تلاشگر، به‌ فكر مادرانی‌ ایثارگر، متدین‌ و متعهد باشیم‌.

امروزه‌ اغلب‌ سخنانی‌ دال‌ّ بر ضعیف‌ بودن‌ و ناتوان‌ بودن‌ زنان‌ در امور تربیتی‌ و غیره‌، رواج‌ دارد كه‌ تا حدودی‌ باعث‌ از دست‌ دادن‌ آن‌ روحیه‌ی‌ اصلی‌ و قوی‌ از سوی‌ برخی‌ از زنان‌ شده‌ است‌، اما آیا واقعاً این‌گونه‌ است‌؟! آیا در اوراق‌ تاریخ‌ بشریت‌، زنانی‌ را نمی‌توان‌ یافت‌ كه‌ رهبری‌ جامعه‌ را در دست‌ داشته‌اند؟!

باید اذعان‌ نماییم‌ كه‌ در ادوار مختلف‌ تاریخ‌، بوده‌اند شیرزنانی‌ كه‌ هزاران‌ مرد را راهنمایی‌ و تربیت‌ كرده‌اند. بوده‌اند شیرزنانی‌ كه‌ به‌ خاطر صلابت‌، قاطعیت‌، عشق‌ و محبت‌ فراوان‌شان‌ نسبت‌ به‌ پروردگار یگانه‌، نامشان‌ در كتاب‌های‌ آسمانی‌ ثبت‌ شده‌ است‌؛ «مریم‌»، «آسیه‌»، «خدیجه‌»، «عایشه‌»، «فاطمه‌» و... –رضی الله عنهن- را بنگرید، زنان‌ نامدار و افتخارآفرین‌ برای‌ بشریت‌.

چه‌ كسی‌ می‌تواند شجاعت‌، عشق‌، ایثار و محبّت‌ «آسیه‌» را انكار نماید، هنگامی‌ كه‌ فرعون‌ او را با میخ‌ بر دیوار می‌كوبید، چقدر تصویر عجیبی‌ است‌ و از مرحله‌ی‌ بالای‌ ایمان‌ حكایت‌ می‌كند، (رَب‌ ابْن‌ لی‌ بَیتَاً عنْدَك في‌ الْجَنِّة) زنی‌ كه‌ همسایگی‌ خداوند و با پروردگار آرمیدن‌ را بر راحتی‌ و عیش‌ و نوش‌ دنیا ترجیح‌ می‌دهد. چگونه‌ تاریخ‌ می‌تواند چنین‌ تصویری‌ را از صفحات‌ خویش‌ پاک كند و بشریت‌ چگونه‌ می‌تواند چنین‌ صحنه‌هایی‌ را ـ كه‌ شاید از عهده‌ی‌ بسیاری‌ از مردان‌ هم‌ برنیاید ـ از یاد ببرد!.

«پیداست‌ كه‌ زن‌ به‌ هنگام‌ بعثت‌ پیامبر اكرم‌ نیز سهم‌ به‌ سزایی‌ را در پیروزی‌ اسلام‌، تبلیغ‌ دعوت‌ اسلامی‌ و تسلط‌ اسلام‌ در زمین‌، به‌ خود اختصاص‌ داده‌ است‌ و آیا تاریخ‌ موقف‌ «خدیجه‌ ل» دختر خویلد را در بامدادان‌ دعوت‌ اسلامی‌ فراموش‌ می‌كند؟ موقف‌ شگفت‌انگیز «سمیه ل‌» مادر عمّار، نخستین‌ شهید راه‌ اسلام‌ كه‌ تا مرگ‌، بر اسلام‌ پایدار و ثابت ‌قدم‌ ماند و به‌ خاطر آن‌ شهید شد؟... یا موضعگیری‌ آن‌ دختر جوان‌ به‌ نام‌ »اسماء» معروف‌ به‌ »ذات‌ النطاقین‌» را به‌ روزگار هجرت‌؟ موضعگیری‌ »ام‌ عماره‌» و «نسیبه‌» را در نبرد «اُحد»؟... یا موقف‌ «ام‌سلیم‌» را در روز حنین‌؟ و مواقف‌ مادران‌ مؤمنین‌ (همسران‌ گرامی‌ پیامبر) را در حیات‌ حضرت‌ ختمی‌ مرتبت‌ و حتی‌ بعد از وفات‌ ایشان‌؟

بی‌تردید كه‌ زن‌ مسلمان‌ در صدر اسلام‌، مادری‌ بود كه‌ فرزندانش‌ را شهادت ‌طلب‌ بار می‌آورد، همسری‌ بود كه‌ شوهرش‌ را به‌ جان‌ فدایی‌ و از خودگذشتگی‌ وا می‌داشت‌، زن‌ مؤمنی‌ بود كه‌ فعّالانه‌، شخصاً، در راه‌ خدا سهیم‌ می‌شد، بانویی‌ بود كه‌ قرآن‌ را حفظ‌ می‌نمود و احادیث‌ گهربار آن‌ حضرت‌ را روایت‌ می‌كرد و در علوم‌ دینی‌ فقیه‌ و دانشمند می‌گردید، با بینش‌، مردم‌ را به‌ سوی‌ خدا می‌خواند و امر به‌ معروف‌ و نهی‌ از منكر می‌نمود...»([[1]](#footnote-1)).

امروز می‌خواهم‌ از بانویی‌ سخن‌ بگویم‌ كه‌ پروردگار جهانیان‌ او را مَحَكی‌ برای‌ جدا كردن‌ »منافق‌» و «مسلمان‌»، «مغرض‌» و «مخلص‌»، «موحَّد» و «مُشرک» قرار داده‌، و آیاتی‌ از كلام‌ نوارانی‌اش‌ را به‌ واقعه‌ی‌ زندگی‌ او اختصاص‌ داده‌ است‌.

آری‌! منظورم‌ مادر مؤمنان‌، همسر پاک و جانفدای‌ پیامبر اسلام‌ ، معلَّم‌ و مربی‌ عصر نبوّت‌، حضرت‌ «عایشه ‌ی‌ صدّیقه‌» ب می‌باشد. پس‌ باید بنویسم‌ و به‌ قلم‌ بگویم‌ بنویس‌! قلم‌! بنویس‌!

از مادرم‌ بنویس‌، از توحید، عرفان‌ و اخلاصش‌.

قلم‌ بنویس‌! از مهر، صفا، صداقت‌، عطوفت‌ و رشادت‌ مادر مهربانم‌.

قلم‌ بنویس‌! از شجاعت‌ و دلیری‌ و سیاست‌ آن‌ نور چشمانم‌.

قلم‌ بنویس‌! چرا توقف‌ كرده‌ای‌؟ از زهد، تقوی‌ و ورع‌ مادر دلسوزم‌ بنویس‌.

نكند توقفت‌ به‌ خاطر ناجوانمردی‌ ما فرزندان‌ است‌!

نكند توقفت‌ از بی‌لیاقتی‌ و بی‌مهری‌ ما بیچارگان‌ است‌!

نكند توقفت‌ به‌ خاطر بی‌توجهی‌ ما از مادرمان‌ است‌!

نكند توقفت‌ به‌ خاطر دفاع‌ نكردن‌ و آرام‌ نشستن‌ ما در مقابل‌ توهین‌های‌ دشمنان‌ به‌ آن‌ محبوبه‌ی‌ پیامبر است‌!

اما باز هم‌ بنویس‌! بنویس‌ از علم‌ و فقاهت‌، پارسایی‌ و دانایی‌ مادر مهربان‌ و دلسوزی‌ كه‌ در كنار شمع‌ نبوّت‌، شب‌ و روز پَر می‌زد.

قلم‌ بنویس‌! از بی‌مهری‌ و بی‌توجهی‌ فرزندانی‌ كه‌ نه‌ تنها اوصاف‌ نیكوی‌ مادرشان‌ را نمی‌دانند، بلكه‌ در مقابل‌ توهین‌ و فحش‌ و ناسزای‌ مخالفان‌ آرام‌ نشسته‌اند!.

بنویس‌! تا این‌ فرزندان‌ ناخلف‌، مادرشان‌ را بشناسند، یا حداقل‌ از شیوه‌ی‌ زندگانی‌اش‌ خبری‌ بیابند.

بنویس‌ كه‌ ما نیازمندیم‌! بنویس‌ حقایق‌ را و به‌ مایان‌ بنمایان‌!

شاید كه‌ پند گیریم‌، شاید كه‌ هدایت‌ شویم‌، شاید توبه‌ای‌ كنیم‌ و قدر مادر مهربانمان‌ را بدانیم‌. شاید به‌ خاطر او گریه‌ای‌ سر دهیم‌ و مورد توجه‌ مهر سحرآسایش‌ قرار گیریم‌.

قلم‌ بنویس‌! تا فرزندان‌ جدید كوركورانه‌ به‌ دشمنی‌ با مادرشان‌ برنخیزند!

در یكی‌ از شب‌ها، در مكانی‌ مقدس‌، او را خواب‌ دیدم‌، مرا به‌ نوشتن‌ امر فرمود. كتابی‌ را به‌ من‌ داد، و به‌ نوشتن‌ تشویقم‌ كرد. وقتی‌ سیمای‌ مباركش‌ را دیدم‌، نزدیک بود قلب‌ از سینه‌ام‌ بیرون‌ بپرد، می‌خواستم‌ پرواز كنم‌؛ چرا؟ چون‌ مادرم‌ را دیده‌ بودم‌. همان‌ مادر دلسوز، مهربان‌، باصداقت‌ و پاک و دوست‌ داشتنی‌ را. همان‌ كسی‌ كه‌ روزها و شب‌های‌ زیادی‌ سر مبارک رسول‌الله بر بالین‌ او بوده‌. همان‌ مادری‌ كه‌ سر و صورت‌ و موهای‌ پیامبر را شانه‌ می‌زد...

صبح‌ همان‌ روز تصمیم‌ گرفتم‌ قلم‌ بردارم‌ و در مورد زندگانی‌اش‌ مختصری‌ بنویسم‌، اما تا امروز توفیق‌ آن‌، از بالای‌ آسمان‌ها نصیبم‌ نشده‌ بود.

امروز می‌خواهم‌ چند سطری‌ را در مورد عایشه ی‌ صدّیقه‌ بنویسم‌. راستی‌، او مادر شما نیز هست‌. آری‌! درست‌ حدس‌ زدی‌، منظورم‌ ام‌المؤمنین‌، عایشه‌ صدّیقه‌ ل همسر پاک و گرانقدر رسول‌اكرم‌ می‌باشد.

راستی‌ هیچ‌ می‌دانی‌ كه‌ این‌ مادر مهربان‌ چه‌ دَینی‌ برگردن‌ ما دارد؟ ما چقدر نسبت‌ به‌ ایشان‌ كوتاهی‌ كرده‌ایم‌؟ آیا فرزندانمان‌ را بااخلاق‌، رفتار، اعمال‌ و حتی‌ با نام‌ مباركش‌، آشنا كرده‌ایم‌؟!.

چقدر در نشر اوصاف‌ نیكویش‌ تلاش‌ نموده‌ایم‌؟ و هزاران‌ سؤال‌ دیگر. بله‌! باید صادقانه‌ و با شهامت‌ اعتراف‌ كنیم‌ كه‌ نسبت‌ به‌ این‌ مادر مهربان‌ و عزیز، قصور و كوتاهی‌ به‌ خرج‌ داده‌ایم‌.

باید قبول‌ كنیم‌ كه‌ امروزه‌ جمع‌ كثیری‌ از مسلمانان‌ با نام‌، صفات‌، اخلاق‌ و مقام‌ بزرگ‌ علمی‌ او آشنایی‌ ندارند. این‌ ظلم‌ بزرگی‌ است‌ كه‌ فرزندان‌ امت‌ اسلامی‌ با مادرشان‌ بیگانه‌ هستند و هیچ‌ توجهی‌ به‌ اوصاف‌ نیكویش‌ نكرده‌ و او را به‌ عنوان‌ اسوه‌ و الگو در جامعه‌ معرفی‌ ننموده‌اند.

اما از خداوند سبحان‌ امید عفو و بخشش‌ داریم‌ و امیدواریم‌ ما را از دعاهای‌ این‌ مادر مهربان‌ بهره‌مند بگرداند و به‌ زنان‌ و دختران‌ جامعه‌ی‌ ما توفیق‌ دهد تا رهرو خوبی‌ برای‌ آن‌ بانوی‌ بزرگوار باشند.

ما بر آن‌ شدیم‌ تا در این‌ مختصر، اندكی‌ در مورد زندگانی‌ و شخصیت‌ این‌ بانوی‌ بزرگوار اسلام‌ بنگاریم‌، باشد كه‌ گامی‌ جهت‌ تلاش‌ و تكاپوی‌ بیشتر در این‌ میدان‌ گردد. پس‌ اینک اندكی‌ در مورد زندگانی‌ پرفراز و نشیب‌ این‌ یار و همسنگر شب‌ و روز رسول‌الله بدانیم‌.

**نكته‌ای‌ قابل‌ توجه‌**

ما در كشوری‌ زندگی‌ می‌كنیم‌ كه‌ 98% جمعیت‌ آن‌ را مسلمانان‌ تشكیل‌ می‌دهند. از این‌ جمع‌ نیز درصد قابل‌ توجهی‌ را اهل‌ سنت‌ و جماعت‌، و اكثریت‌ را اهل‌ تشیع‌ به‌ خود اختصاص‌ داده‌اند. از آنجایی‌ كه‌ اعتقادات‌ این‌ دو فرقه‌ در بعضی‌ مسائل‌ فرق‌ دارد، لذا بسیار لازم‌ است‌ كه‌ این‌ دو فرقه‌ كاملاً مراعات‌ حال‌ یكدیگر را بكنند و به‌ اختلاف‌ و تفرقه‌ دامن‌ نزنند.

البته‌ این‌ نكته‌ قابل‌ ملاحظه‌ است‌ كه‌ ما كسی‌ را بد و بیراه‌ نگفته‌ و نمی‌گوییم‌ و خدای‌ ناكرده‌ به‌ هیچ‌ مسلمانی‌ از صدر اسلام‌ تا حال‌، كوچك‌ترین‌ اهانت‌ و توهینی‌ روا نمی‌داریم‌. چرا كه‌ معتقدیم‌، آنها اُمتی‌ بوده‌اند كه‌ گذشته‌اند، حسابشان‌ باخدایشان‌ است‌، در مورد اختلافات‌ و مشكلات‌ بین‌ آنها از ما سؤال‌ نمی‌شود. به‌ همین‌ جهت‌ ما تمام‌ آن‌ افرادی‌ را كه‌ با رسول‌الله بوده‌اند و در كنار ایشان‌ برای‌ نشر دین‌ جان فدایی‌ كرده‌اند، با دیده‌ی‌ محبت‌ و احترام‌ می‌نگریم‌ و اهانت‌ و توهین‌ به‌ آنها و یا هر فردی‌ از تابعین‌ آنها را حرام‌ می‌دانیم‌. به‌ همین‌ دلیل‌ اگر فردی‌ از میان‌ اهل‌ سنت‌ یافته‌ شود كه‌ خدای‌ ناكرده‌، حضرت‌ علی‌ بن‌ ابی‌طالب‌ را به‌ عنوان‌ یكی‌ از اصحاب‌ بزرگوار رسول‌الله و خلیفه‌ی‌ چهارم‌ آنحضرت‌ و یا حضرت‌ حسین و بقیه‌ی‌ ائمه‌ی‌ شیعه‌ را به‌ عنوان‌ اصحاب‌، تابعین‌ و اولیای‌ واقعی‌ خداوند قبول‌ نداشته‌ باشد، قطعاً و صد در صد او سُنی‌ واقعی‌ نیست‌ و این‌ را نباید به‌ حساب‌ اهل‌سنت‌ گذاشت‌.

با این‌ مقدمه‌ می‌خواهیم‌ به‌ این‌ نكته‌ اشاره‌ نماییم‌ كه‌ انتظار ما اهل‌سنت‌ نیز از مسؤولان‌ و مقامات‌ عالی‌رتبه‌ی‌ مملكتی‌ این‌ است‌ كه‌ اجازه‌ ندهند افرادی‌ جاهل‌، یاوه‌گو و متعصب‌ در رسانه‌های‌ گروهی‌ و روزنامه‌ها و یا به‌ صورت‌ چاپ‌ كتاب‌ به‌ اعتقادات‌ حقّه‌ی‌ مسلمانان‌ جهان‌، اهانتی‌ روا دارند. و با این‌ كار موجب‌ خدشه‌دار شدن‌ وحدت‌ میان‌ مسلمانان‌ گردند.

اگر اندكی‌ با تأمّل‌ نگریسته‌ شود، اختلافات‌ از این‌گونه‌ جاها و از این‌ نوع‌ افراد سرچشمه‌ می‌گیرد. پس‌ امیدواریم‌ كه‌ مسؤولان‌ امر با درنظر گرفتن‌ حقوق‌ شهروندی‌ برای‌ اهل‌ سنت‌ ایران‌، از توهین‌ و اهانت‌های‌ علنی‌ در رسانه‌ها جلوگیری‌ نمایند.

به‌ امید اینكه‌ وحدت‌ واقعی‌ و حقیقی‌ در جامعه‌ی‌ ما تحقق‌ یابد و از اهانت‌ و ناسزا گفتن‌ به‌ یاران‌ پیامبر و خاندان‌ رسول‌الله در جامعه‌ی‌ ایران‌ اثری‌ یافت‌ نشود.

ایوب‌ گنجی‌ ـ مسجد قُبای‌ سنندج‌

شعبان‌ المعظم‌ 1426 هـ. ق‌

**بخش‌ اول‌**عايشه ‌ي‌ صدّيقه ل از ولادت‌ تا ازدواج‌

بعد از بعثت‌ رسول‌ اكرم‌ در خانه‌ی‌ پر از صدق‌، صفا و ایمان‌ ابوبكر صدّیق‌ خانه‌ای‌ كه‌ قبل‌ از دیگران‌ پرتوهای‌ آفتاب‌ بعثت‌ نبوی‌ بر آن‌ تابیدن‌ گرفت‌ و قبل‌ از همه‌ نور توحید و یكتاپرستی‌ در آنجا ظاهر شد ـ دختری‌ دیده‌ به‌ جهان‌ گشود كه‌ نامش‌ را «عایشه ل» گذاشتند.

آری‌! او قبل‌ از اینكه‌ به‌ دنیا بیاید، پدر و مادرش‌ در جرگه‌ی‌ یاران‌ و عاشقان‌ و شیفتگان‌ خدا و رسولش‌ قرار گرفته‌ بودند و همین‌ امر سبب‌ شد كه‌ این‌ طفل‌ معصوم‌، آلوده‌ی‌ شرک و بت‌پرستی‌ نگردد، بلكه‌ در همان‌ لحظات‌ تولد، نور توحید در قلبش‌ جای‌ گیرد و در زیر آفتاب‌ صداقت‌ و ایمان‌ بی‌ریای‌ ابوبكر و ام‌رومان‌ رشد و نمو یابد.

دختری‌ كه‌ از پدری‌ همچون‌ ابوبكر ، ابوبكری‌ كه‌ سفر و حضر، شب‌ و روز، صبح‌ و شام‌ او را به‌ عنوان‌ یاور و همراه‌ رسول‌الله می‌شناختند. ابوبكری‌ كه‌ به‌ شیخ‌ صحابه‌، دوست‌ و محبوب‌ رسول‌الله رفیق‌ دوران‌ طفولیت‌، متخلّق‌ به‌ اخلاق‌ پیامبر و جزو اولین‌ افرادی‌ كه‌ به‌ زیر چتر اسلام‌ نائل‌ شدند، متّصف‌ است‌ و مادری‌ چون‌ «ام‌رومان‌» كه‌ نمونه‌ی‌ بارزی‌ از یک زن‌ وفادار، شجاع‌ و باتقواست‌ كه‌ همه‌ چیز را با نور بصیرت‌ می‌بیند، متولد شده‌ باشد، بی‌شک آینده‌ی‌ بسیار درخشان‌ و نورانی‌ را در پیش‌ خواهد داشت‌.

وقتی‌ عایشه ل‌ به‌ سن‌ شش‌ سالگی‌ رسید، «مطعم‌» تصمیم‌ گرفت‌ كه‌ او را برای‌ فرزندش‌ عقد نماید. گویا این‌ قول‌ و قرار در همان‌ زمان‌ طفولیت‌ عایشه ل‌، بین‌ حضرت‌ ابوبكر صدیق‌ و «مطعم‌» صورت‌ گرفته‌ بود.

**ازدواج‌ رسول‌ الله**  **با عايشه** ل

هنگامی‌ كه‌ رسول‌ اكرم‌ همسر وفادار و جانفدایش‌، حضرت‌ خدیجه‌ كبری‌ ل را از دست‌ داد، غم‌ و اندوه‌ بزرگی‌ بر آن‌ حضرت‌ وارد آمد؛ چراكه‌ خدیجه‌ جزو اولین‌ افرادی‌ بود كه‌ به‌ رسالت‌ رسول‌الله ایمان‌ آورد و وارد اسلام‌ شد و چه‌ جانفدایی‌هایی‌ كه‌ به‌ خاطر رسول‌اكرم‌ از خود نشان‌ داد. تمامی‌ این‌ خصلت‌های‌ نیكوی‌ خدیجه‌ ل سبب‌ شد كه‌ عشق‌ و محبّت‌ شدیدی‌ بین‌ او و رسول‌الله نمایان‌ شود. به‌ همین‌ علت‌، دوری‌ و فراق‌ چنین‌ همسر مهربان‌ و دلسوزی‌ برای‌ رسول‌ اكرم‌ بسیار تلخ‌ و دردناک بود.

در همین‌ سال‌ مشكلات‌ دیگری‌ نیز بر رسول‌اكرم‌ وارد آمد، به‌ همین‌ جهت‌، این‌ سال‌ را «عام‌الحزن‌» نامیده‌اند.

یاران‌ و اصحاب‌ گرانقدر رسول‌الله كه‌ دوست‌ نداشتند حتی برای‌ یک لحظه‌، محبوب‌ خویش‌ را در ناراحتی‌ و غم‌ و اندوه‌ مشاهده‌ نمایند، ترجیح‌ می‌دادند كه‌ خودشان‌ فدا شوند، از بین‌ بروند، تكه‌ تكه‌ شوند، اما رسول‌الله را یک لحظه‌ در ناراحتی‌ و غم‌ و اندوه‌ نبینند، سعی‌ می‌كردند هر طوری‌ شده‌ در مورد ازدواج‌ با فردی‌ دیگر، به‌ رسول‌الله پیشنهاد بدهند، اما كسی‌ جرأت‌ این‌ كار را نداشت‌.

بالاخره‌ این‌ سكوت‌ تلخ‌ و این‌ درد جانكاه‌ با دخالت‌ و ورود «خَولة بنت‌ حكیم‌» به‌ این‌ میدان‌، شكسته‌ شد.

روزی‌ «خَوله‌» نزد رسول‌ اكرم‌ آمد. هنوز آثار درد و اندوه‌ فراق‌ خدیجه‌ ل بر چهره‌ی‌ نازنین‌ پیامبر نمایان‌ بود. «خوله‌» پس‌ از گفتگویی‌ كوتاه‌ گفت‌:

«یا رسول‌الله! آیا نمی‌خواهید ازدواج‌ كنید؟».

پیامبر فرمود: «با چه‌ كسی‌؟».

خوله‌: «دوشیره‌ یا بیوه‌؟».

پیامبر : «دوشیزه‌ كیست‌ و بیوه‌ كیست‌؟».

خوله‌: «دوشیزه‌، عایشه ل ‌ دختر ابوبكر و بیوه‌، سوده‌ دختر زمعة».

پیامبر فرمود: «برو با آنها صحبت‌ كن‌»([[2]](#footnote-2)).

 **سرور و شادي‌ همراه‌ با ترس‌ و اضطراب‌**

وقتی‌ «خوله‌» ماجرا را برای‌ «ام‌رومان‌» تعریف‌ می‌كند و او نیز برای‌ ابوبكر صدّیق‌ ابوبكر می‌خواهد از خوشحالی‌ پرواز كند. شادی‌ و سرور وصف ‌ناپذیری‌ خانه‌ی‌ ابوبكر را فرا می‌گیرد.

آری‌! قلم‌ هیچگاه‌ نمی‌تواند شادی‌ و خوشحالی‌ عاشقی‌ را به‌ تصویر بكشد، وقتی‌ كه‌ او بخواهد خواسته‌ی‌ معشوقش‌ را برآورد سازد.

اما در همین‌ لحظات‌ شادی‌ و سرور، ابوبكر محزون‌ و اندوهگین‌ می‌شود، مانعی‌ سر راه‌ می‌آید از اینكه‌ این‌ خواسته‌ی‌ معشوق‌ برآورد گردد.

ابوبكر به‌ یاد آورد كه‌ قبلاً با «مطعم‌» در مورد ازدواج‌ عایشه ل ‌ صحبت‌ كرده‌ است‌ و نسبت‌ به‌ عقد عایشه ل‌ برای‌ فرزند «مطعم‌»، قول‌ و عهدی‌ دارد. شاید شكستن‌ عهد برای‌ دیگران‌ مشكل‌ نباشد، اما برای‌ ابوبكر صدّیق‌ بسیار سخت‌ بود كه‌ زیر قولش‌ بزند و از آن‌ تخلف‌ نماید.

او حاضر نبود حتی‌ به‌ خاطر درخواست‌ رفیق‌ شفیق‌ و دوست‌ گرانقدرش‌، عهد و پیمانش‌ را با یک غیرمسلمان‌ بشكند.

**پروردگار مي‌خواهد دل‌ ابوبكر را شاد كند**

ابوبكر ناراحت‌ و اندوهگین‌ است‌، از یک طرف‌ تخلف‌ و سرپیچی‌ از عهد و پیمان‌ برایش‌ مشكل‌ است‌؛ چراكه‌ صداقت‌ و راستی‌ از صفات‌ بارز اوست‌؛ و از طرف‌ دیگر از دست‌ دادن‌ این‌ فرصت‌ طلایی‌ برای‌ نزدیكی‌ هر چه‌ بیشتر به‌ اشرف‌ مخلوقات‌، سیدانبیاء و مرسلین‌، حضرت‌ محمد مصطفی‌ از هر چیز برایش‌ سخت‌تر و تلخ‌تر است‌.

اما پروردگار مهربان‌ می‌خواهد ابوبكر را خوشحال‌ كند، دلش‌ را شاد گرداند و پیوندش‌ را با رسول‌الله هر چه‌ بیشتر مستحكم‌ نماید.

«مطعم‌» از ارتباط‌ و عشق‌ و علاقه‌ی‌ خانواده‌ی‌ ابوبكر با رسول‌اكرم‌ اطلاع‌ یافته‌ است‌. به‌ همین‌ جهت‌ از ترس‌ اینكه‌ نكند با ورود عایشه ل ‌ به‌ خانه‌ی‌ آنها، اسلام‌ در خانواده‌اش‌ رسوخ‌ نماید، درخواستش‌ را پس‌ می‌گیرد و از خواستگاری‌ عایشه ل ‌ دست‌ می‌كشد.

ماجرا این‌گونه‌ بود كه‌ ابوبكر به‌ منزل‌ «مطعم‌» رفت‌ و «ام‌ جبیر»، زن‌ «مطعم‌» كه‌ ایمان‌ نیاورده‌ بود، وقتی‌ ابوبكر صدیق‌ را مشاهده‌ كرد، گفت‌:

«ای‌ پسر ابوقحافه‌! اگر دخترت‌ را برای‌ پسرمان‌ بگیریم‌، می‌ترسم‌ كه‌ او را فریب‌ دهید و به‌ دین‌ خودتان‌ داخل‌ نمایید».

ابوبكر كه‌ ظاهراً از سخنان‌ همسر «مطعم‌» ناراحت‌ شده‌ بود، رو به‌ «مطعم‌» كرد و گفت‌:

«می‌دانی‌ همسرت‌ چه‌ می‌گوید!»

«مطعم‌» نیز با حماقت‌ جاهلیت‌ خود گفت‌:

«آری‌! هر چه‌ او می‌گوید، حرف‌های‌ من‌ است‌ و از من‌ شنیده‌ است».

و بدین‌ شكل‌ قول‌ و قراری‌ كه‌ با «مطعم‌» بسته‌ بود به‌ هم‌ خورد و ابوبكر با شادی‌ و سرور وصف‌ناپذیری‌ به‌ سوی‌ خانه‌ برگشت‌.

حال‌، چه‌ كسی‌ به‌ اندازه‌ی‌ ابوبكر و «ام‌رومان‌» خوشحال‌ است‌؟ اما در لابه‌لای‌ خوشحالی‌ و شادی‌ عاشقان‌ همیشه‌ ترس‌ و دلهره‌های‌ زیادی‌ نهفته‌ است‌.

ابوبكر از فرط‌ خوشحالی‌ از هر چیزی‌ می‌ترسید، نكند مانع‌ و مشكلی‌ دیگر پیش‌ آید و این‌ كار صورت‌ نگیرد. به‌ همین‌ خاطر به‌ ذهنش‌ خطور كرد كه‌ او با رسول‌الله برادر است‌ و ازدواج‌ با برادرزاده‌ در اسلام‌ حرام‌ است‌! اما رسول‌اكرم‌ اجازه‌ نداد كه‌ خوشحالی‌ ابوبكر به‌ غم‌ و اندوه‌ مبدّل‌ گردد و فرمود:

«برادری‌ ما به‌ خاطر دین‌ و به‌ خاطر الله است‌، نه‌ به‌ خاطر نسب‌ و پدر و مادر. پس‌ این‌ برادری‌ مانع‌ ازدواج‌ من‌ با عایشه ل ‌ نمی‌شود»([[3]](#footnote-3)).

بالاخره‌ رسول‌ الله رسماً از عایشه ل ‌ خواستگاری‌ می‌كند.

در مورد تاریخ‌ دقیق‌ ازدواج‌ رسول‌الله با عایشه‌ی‌ صدّیقه‌ ل سند و مدرک محكمی‌ در دسترس‌ نیست‌، و در این‌باره‌ اختلافات‌ زیادی‌ بین‌ مؤرخین‌ و محدثین‌ وجود دارد.

بعضی‌ بر این‌ عقیده‌اند كه‌ عقد و نكاح‌ در سن‌ شش‌ سالگی‌ انجام‌ گرفته‌ و پنج‌ سال‌ بعد از آن‌ یعنی‌ در سن‌ یازده‌ سالگی‌ مراسم‌ عروسی‌ و انتقال‌ به‌ خانه‌ی‌ رسول‌الله صورت‌ گرفته‌ است‌.

بعضی‌ نیز بر این‌ باورند كه‌ عقد و نكاح‌ در هفت‌ سالگی‌ انجام‌ شده‌ و در سن‌ ده‌ سالگی‌ به‌ خانه‌ی‌ رسول‌الله تشریف‌ برده‌اند.

«امام‌ بخاری‌»، «ابن‌ هشام‌» و صاحب‌ «طبقات‌ كبری» معتقدند كه‌ حضرت‌ عایشه ل در وقت‌ انتقال‌ به‌ خانه‌ی‌ رسول‌ اكرم‌ نه‌ ساله‌ بوده‌ است‌. «دكتر محمد حسین‌ هیكل‌» و «دكتر بنت‌ الشاطی‌» و «مستر د.ف‌.بودلی‌» نیز این‌ رأی‌ را پذیرفته‌اند.

«شیخ‌ احمد ابوالعز مصری‌» این‌ نظریه‌ را رد می‌كند و می‌گوید:

«من‌ شک ندارم‌ كه‌ این‌ عقیده‌ با واقعیت‌ وفق‌ ندارد؛ چراكه‌ بنا به‌ روایاتی‌، خواستگاری‌ از عایشه ل ‌ در شش‌ سالگی‌ صورت‌ گرفته‌ و مراسم‌ انتقال‌ پنج‌ سال‌ بعد از آن‌ برگزار شده‌ است‌، بنابراین‌ عایشه ل ‌ در وقت‌ منتقل‌ شدن‌ به‌ خانه‌ی‌ رسول‌اكرم‌ 11 ساله‌ بوده‌ است‌».

این‌ نویسنده‌ی‌ مصری‌ در ادامه‌ می‌گوید:«بگذارید كه‌ نظر خود را تا بیان‌ آراء دیگران‌ به‌ تأخیر بیاندازم‌؛ «استاد محمد رضا» مؤلف‌ كتاب‌ «محمدرسول‌الله» عقیده‌ی‌ مختص‌ به‌ خودش‌ را دارد و می‌گوید: عایشه ل ‌ در وقت‌ عروسی‌ 18 ساله‌ بوده‌ است‌. همچنین‌ «استاد محمود العقاد» اظهار نظری‌ كرده‌، كه‌ شاید از همه‌ به‌ صواب‌ نزدیك‌تر باشد. او می‌گوید: در آن‌ هنگام‌، سن‌ عایشه ل ‌ نه‌ از 15 سال‌ بیشتر بوده‌ و نه‌ از 12 سال‌ كمتر».

اما رأی‌ من‌ آن‌ است‌ كه‌ حضرت‌ عایشه ل در آن‌ وقت‌ از 13 سال‌ كمتر و از 16 سال‌ بیشتر نبوده‌ است‌؛ چراكه‌ اگر قبول‌ كنیم‌ ازدواج‌ و منتقل‌ شدن‌ عایشه ل ‌ به‌ خانه‌ی‌ پیامبر در سن‌ نه‌ سالگی‌ صورت‌ گرفته‌، پس‌ باید این‌ پیش‌ فرض‌ را نیز قبول‌ كنیم‌ كه‌ خواستگاری‌ در سن‌ چهار سالگی‌ انجام‌ گرفته‌ است‌ و این‌ كار با هدف‌ و انگیزه‌ی‌ «خوله‌» برای‌ دور كردن‌ حزن‌ و اندوه‌ از رسول‌ اكرم‌ و جایگزین‌ كردن‌ فرد دیگری‌ به‌ جای‌ حضرت‌ خدیجه‌ ل سازگاری‌ ندارد و عقل‌ و منطق‌ آن‌ را نمی‌پسندد؛ چراكه‌ ازدواج‌ با دختر چهار ساله‌ كه‌ هنوز استعداد زناشویی‌ را ندارد و از روابط‌ زن‌ و شوهر كاملاً بی‌اطلاع‌ است‌، خالی‌ از حكمت‌ است‌ و تلاش‌ و كوشش‌ «خوله‌» برای‌ خواستگاری‌ از دختر كوچكی‌ به‌ امید اینكه‌ در آینده‌ بزرگ‌ شود، و همچنین‌ به‌ انتظار نشستن‌ رسول‌الله برای‌ چندین‌ سال‌، با آن‌ همه‌ غم‌ و اندوه‌، كار عبث‌ و بیهوده‌ای‌ به‌ نظر می‌رسد»([[4]](#footnote-4)).

در اینجا ما می‌توانیم‌ به‌ یک رأی‌ معتدل‌ دست‌ پیدا كنیم‌ و آن‌ اینكه‌، چنان‌ كه‌ تصدیق‌ كنیم‌ عایشه ل ‌ قبلاً برای‌ «جبیر بن‌ مطعم‌» در نظر گرفته‌ شده‌ بود، معلوم‌ می‌شود كه‌ این‌ خواستگاری‌ و عهد و پیمان‌، قبل‌ از اسلام‌ ابوبكر صورت‌ گرفته‌ است‌.

حال‌ دو فرضیه‌ پیش‌ می‌آید؛ اول‌ اینكه‌ در وقت‌ خواستگاری‌ عایشه ل ‌ برای‌ «جبیر»، عایشه ل ‌ به‌ دنیا نیامده‌ باشد، همچنان‌كه‌ در بین‌ عرب‌ها این‌ رسم‌ جاری‌ بوده‌ است‌. و نظریه دوم‌ اینكه‌ عایشه ل ‌ در آن‌ هنگام‌ تازه‌ متولد شده‌ باشد.

در هر صورت‌ می‌دانیم‌ كه‌ حضرت‌ خدیجه‌ ل در سال‌ دهم‌ بعثت‌ وفات‌ یافته‌ است‌ و این‌ فاصله‌ی‌ زمانی‌، یعنی‌ از وفات‌ خدیجه ل تا ازدواج‌ با عایشه ل، پنج‌ سال‌ بوده‌ است‌. بنابراین‌، سن‌ عایشه ل ‌ در وقت‌ ازدواج‌ بین‌ 13 تا 16 سال‌ بوده‌ است([[5]](#footnote-5)).

**ازدواج‌ با عايشه** ل**‌، خواست‌ پروردگار**

این‌ پیوند و ازدواج‌ از جانب‌ پروردگار مهربان‌ تعیین‌ شده‌، به‌ همین‌ جهت‌ تمام‌ اسباب‌ و مقدمات‌ آن‌ نیز فراهم‌ گردید.

پیامبر می‌فرماید:

«أن‌ جبریل‌ جاء بصورتها فی‌ خرقة من‌ حریر خضراء فقال‌: هذه زوجتک فی‌ الدنیا والآخرة»([[6]](#footnote-6)). «جبرییل‌ صورت‌ و تصویری‌ از عایشه ل ‌ را در پارچه‌ای‌ از حریر سبز رنگ‌ با خود آورد و گفت‌: این‌ همسر توست‌ در دنیا و آخرت»‌.

بنابراین‌، گفته‌ی‌ رسول‌الله و احادیث‌ دیگری‌ از آن‌ حضرت‌ معلوم‌ می‌شود كه‌ انجام‌ این‌ پیوند و ازدواج‌، از بالای‌ آسمان‌ها فیصله‌ شده‌ بود.

**ازدواج‌ در ماه‌ شوال‌ و شكستن‌ تحريمات‌ غيرالله**

در عصر جاهلیت‌، ماه‌ شوال‌ به‌ عنوان‌ یک ماه‌ حرام‌ قلمداد می‌شد و ازدواج‌ و شادی‌ در آن‌ ماه‌ ممنوع‌ بود، در حالی‌ كه‌ چنین‌ تحریمی‌ از جانب‌ خداوند متعال‌ صورت‌ نگرفته‌ است‌.

رسول‌الله چون‌ می‌خواست‌ این‌ عُرف‌ جاهلانه‌ و مخالفت‌ با احكام‌ خداوندی‌ را بشكند و احكام‌ پروردگار را زنده‌ كند، عقد و عروسی‌ حضرت‌ عایشه ل را در ماه‌ شوّال‌ انجام‌ داد. به‌ همین‌ جهت‌، عایشه ل ‌ ماه‌ شوال‌ را بسیار دوست‌ داشت‌.

امروز نیز وظیفه‌ مسلمانان‌ است‌ كه‌ با تحریمات‌ غیرالله مبارزه‌ كنند تا هیچ‌ كس‌ فكر نكند این‌ تحریم‌ها از جانب‌ الله است‌؛ چراكه‌ این‌ عملكرد دروغ‌ و افترایی‌ است‌ نسبت‌ به‌ خداوند سبحان‌.

یكی‌ از این‌ تحریمات‌ غیرالله كه‌ در عصر ما وجود دارد، ازدواج‌ و عروسی‌ در ماه‌ محرّم‌ و صفر است‌. در حالی‌ كه‌ از جانب‌ شریعت‌ محمدی‌ (علی صاحبها الصلاة والسلام‌) هیچ‌ ممانعتی‌ در این‌ زمینه‌ وجود ندارد. پس‌ اگر مسلمانی‌ به‌ خاطر ماه‌ محرّم‌ و صفر، عقد و عروسی‌ و ازدواج‌ را به‌ تأخیر بیاندازد و معتقد باشد كه‌ در ماه‌ محرّم‌ و صفر شادی‌ و ازدواج‌ حرام‌ است‌، او خطاكار و گناهكار است‌ و روز قیامت‌ بازخواست‌ می‌شود.

 **از بوستان‌ صداقت‌ به‌ گلستان‌ نبوّت‌**

بعد از هجرت‌ رسول‌الله به‌ مدینه‌ی‌ منوّره‌ و پس‌ از غزوه‌ی‌ «بدر كبری‌» مقدمات‌ انتقال‌ عایشه ل ‌، از بوستان‌ صداقت‌ به‌ گلستان‌ نبوّت‌، آماده‌ گردید.

عایشه ل ‌ در خانه‌ای‌ به‌ دنیا آمد كه‌ در صدق‌ و ایمان‌، مَثَل‌ عام‌ و خاص‌ بود. خانه‌ای‌ كه‌ سراسر نور و صفا و صداقت‌ بود، به‌ همین‌ جهت‌ عایشه ل ‌ نیز از این‌ صفات‌ برخوردار شده‌ بود. او در حالی‌ كه‌ به‌ این‌ انوار منوّر بود، می‌رفت‌ كه‌ از این‌ نور ماهتاب‌ به‌ نوردهنده‌ی‌ اصلی‌، یعنی‌ خورشید محمّدی‌ بپیوندد.

عایشه ای‌ كه‌ همواره‌ مورد توجه‌ پدر مهربان‌ و مادر دلسوزش‌ بود، عایشهء ل ‌ كم‌ سن‌ و سال‌ در خانه‌ی‌ رسول‌ چه‌ خواهد كرد؟ چه‌ چیزی‌ می‌تواند جبران‌ محبّت‌های‌ پدر و مادرش‌ را بنماید؟ چه‌ چیزی‌ می‌تواند سبب‌ شود كه‌ عایشه ل ‌ در خانه‌ی‌ رسول‌الله بماند و به‌ او عشق‌ بورزد.

آری‌! رسول‌الله حكیم‌ بزرگ‌ و معلّمی‌ باتجربه‌ بود، او می‌دانست‌ كه‌ با عایشهل ‌ چگونه‌ رفتار كند. آن‌ حضرت‌ از محبّت‌ پدر و مادر نسبت‌ به‌ او اطلاع‌ داشت‌. به‌ همین‌ خاطر محبّت‌ و برخوردهای‌ حكیمانه‌ی‌ او، سبب‌ شد تا عایشه ل ‌ یک اتاق‌ ساده‌ و بی‌آلایش‌ را بر تمام‌ دنیا و زرق‌ و برق‌ آن‌ ترجیح‌ دهد.

عایشه ل ‌ نه‌ تنها در خانه‌ی‌ جدید احساس‌ غریبی‌ و دلتنگی‌ نمی‌كرد، بلكه‌ شور و شوق‌، عشق‌ و محبّت‌ و صفا و صمیمیت‌ او را پوشانده‌ بود و حاضر نبود یک دیدار رسول‌الله را با تمام‌ دنیا معاوضه‌ كند.

**بخش‌ دوم‌**عايشه‌ي‌ صدّيقه ل از ازدواج‌ تا ابتلا

ارتباط‌ با الله، درمان‌ تمام‌ دردها

اگر انسان‌ در این‌ دنیای‌ فانی‌ و پرفتنه‌ و فساد، ارتباطش‌ را با خالق‌كائنات‌ مستحكم‌ نمود و به‌ او محبت‌ ورزید، آن‌ وقت‌ است‌ كه‌ تمام‌سختی‌های‌ دنیا برایش‌ آسان‌ شده‌ و تلخی‌ها، شیرین‌ می‌شوند.

حضرت‌ عایشه لنیز به‌ اتاقی‌ كه‌ چسبیده‌ به‌ مسجدنبوی‌ بود، رفت‌ تا در آنجا در كنار بزرگ‌ترین‌ معلّم‌ اخلاق‌ و ایمان‌ وبزرگمرد نبوّت‌، نور و معرفت‌ كسب‌ نماید.

عایشه ل ‌، اتاقی‌ ساده‌ را بر تمام‌ دنیا ترجیح‌ داد، همان‌ اتاقی‌كه‌ دور تا دورش‌ را ملائكه‌ احاطه‌ كرده‌ بودند، مهبط‌ و محل‌ نزول‌وحی‌ و حضور جبرییل‌ امین‌ بود.

این‌ اتاق‌ كوچک مأوا و پناهگاه‌ و مركز مراجعه‌ی‌ بزرگترین‌ علماو اندیشمندان‌ گردید، و مهمتر از همه‌، نصف‌ علم‌ آنجا بود و می‌رفت‌تا از آنجا به‌ عالم‌ منتشر شود([[7]](#footnote-7)).

تمامی‌ این‌ صفات‌ باعث‌ شد تا فقر، فاقه‌، تشنگی‌ و تلخی‌های‌ظاهری‌ دنیوی‌، بر عایشه ل ‌ و همچنین‌ بر اهل‌ بیت‌ آسان‌ گردد و هیچ‌كس‌ كوچكترین‌ احساس‌ حقارت‌، ضعف‌ و سستی‌ ننماید.

آری‌! روزها و هفته‌ها سپری‌ می‌شد اما از روشن‌ كردن‌ آتش‌ درخانه‌ی‌ رسول‌الله برای‌ درست‌ كردن‌ غذا، خبری‌ نبود.

بسیاری‌ از شب‌ها و روزها را با آب‌ و خرما می‌گذراندند، اماخوشبخت‌، سعادتمند و مسرور بودند؛ چراكه‌ با الله ارتباط‌ داشتند ورضوان‌ الهی‌ را بر هر چیز ترجیح‌ می‌دادند.

این‌ سختی‌ها و تلخی‌ها از فضل‌ و احسان‌ عایشه ل ‌ نكاست‌، بلكه‌ اوهمواره‌ در سخا، زهد و علاقه‌ به‌ كسب‌ رضای‌ الهی‌، ید طولایی‌داشت‌.

**محبت‌ رسول‌الله در قلب‌ عايشه** ل

عایشه ل ‌ با قلبی‌ مملو از ایمان‌ و شعوری‌ آمیخته‌ با حكمت‌ اسلام‌،به‌ زندگانی‌ زناشویی‌ خود روی‌ آورد.

او یک شخصیت‌ بی‌نظیر و یک همسر نمونه‌ بود كه‌ شوهر خود رابه‌ تمام‌ معنا شناخته‌ و حقوق‌ او را با كمال‌ اخلاص‌ و صداقت‌،مراعات‌ می‌نمود و به‌ خاطر عشق‌ پاكی‌ كه‌ به‌ او داشت‌، هر كاری‌ را كه‌موجب‌ خوشحالی‌ و مسرّت‌ رسول‌الله می‌شد، آن‌ را با طیب‌خاطر انجام‌ می‌داد.

او به‌ سبب‌ این‌ عشق‌ و علاقه‌ی‌ شدید كه‌ نسبت‌ به‌ پیامبر در دلش‌ موج‌ می‌زد، پیوسته‌ درصدد بود كه‌ دردها و رنج‌ها وسختی‌هایی‌ كه‌ بر رسول‌اكرم‌ وارد می‌آمدند، حتی ‌المقدوركاهش‌ دهد و در مقابله‌ با مشكلات‌ او را یاری‌ می‌كرد.

او زحمات‌ پیامبر را در راه‌ تبلیغ‌ و رساندن‌ رسالتش‌، به‌خوبی‌ درک می‌كرد، به‌ همین‌ جهت‌ مانند عموم‌ زنان‌، انتظارات‌ زیادی‌را از رسول‌الله نداشت‌ و همواره‌ سعی‌ می‌كرد تا رضایت‌ آن‌حضرت‌ را جلب‌ نماید و از هر چیز كه‌ موجب‌ آزردگی‌ وناراحتی‌ پیامبر می‌شد، به‌ شدّت‌ پرهیز می‌نمود.

به‌ علّت‌ برخوردهای‌ حكیمانه‌ و دلسوزانه‌ی‌ پیامبر باعایشه ل ‌ و همچنین‌ درک و شناخت‌ عظمت‌ و منزلت‌ رسول‌اكرم‌ ، عاشق‌ و شیدای‌ پیامبر شده‌ بود.

رسول‌ اكرم‌ نیز به‌ او توجه‌ خاصی‌ داشت‌. تنها زنی‌ بود ازمیان‌ زنانش‌، كه‌ در حالت‌ دوشیزگی‌ با او ازدواج‌ كرده‌ بود. از همان‌دوران جوانی‌ زیرنظر خود پیامبر پرورش‌ یافت‌.

مجموعه‌ی‌ این‌ دلایل‌ سبب‌ شد كه‌ عایشه ل ‌ محبّت‌ زیادی‌ نسبت‌ به‌رسول‌ الله پیدا كند.

عایشه ل ‌ می‌خواست‌، همان‌ مقام‌ و منزلت‌ را كه‌ خدیجه‌ بنت‌ خویلدلآن‌ زن‌ مخلص‌ و پارسا، نزد رسول‌الله داشت‌، به‌دست‌ آورد. به‌ همین‌ جهت‌ بسیار دوست‌ داشت‌ كه‌ همچون‌ خدیجه‌،صاحب‌ فرزند شود، اما روزها سپری‌ شدند و فرزندی‌ از ایشان‌ به‌ دنیانیامد([[8]](#footnote-8)).

رسول‌اكرم‌ به‌ خاطر دلنوازی‌ عایشه ل ‌، به‌ او گفت‌:

«كنیه‌ات‌ را به‌ اسم‌ خواهرزاده‌ات‌، عبدالله بن‌ زبیر، انتخاب‌ كن‌» وبعداً نیز با همین‌ كنیه‌ یعنی‌ «أم‌ عبدالله» مشهور شد.

**محبّت‌ عايشه** ل**‌ در قلب‌ پيامبر**

اوصاف‌ نیكوی‌ عایشه ل ‌ و درک كردن‌ به‌ جای‌ رسول‌الله وتقویت‌ كردن‌ ایشان‌ در هر میدانی‌، سبب‌ شد تا محبّت‌ عایشه ل ‌ نیز درقلب‌ پیامبر جای‌ خود را باز كند و پیامبر نیز همواره‌ به‌او علاقه‌ و محبّت‌ نشان‌ دهد.

حضرت‌ عایشه لبه‌ خاطر لیاقت‌، ذكاوت‌ وتیزهوشی‌ ویژه‌ای‌ كه‌ داشت‌، بین‌ زنان‌ پیامبر مقام‌ و منزلت‌ خاصی‌ رابه‌ دست‌ آورد.

پیامبر او را بسیار دوست‌ می‌داشت‌ و محبّتش‌ در قلب‌رسول‌ گرانقدر اسلام‌ موج‌ می‌زد، همان‌ قلبی‌ كه‌ غل‌ و غش‌،كینه‌ و بغض‌، حسادت‌ و تاریكی‌ به‌ آن‌ راه‌ ندارد.

روزی‌ حضرت‌ «عمرو بن‌ عاص‌» پرسید:

«ای‌ رسول‌ خدا! چه‌ كسی‌ را بیشتر از همه‌ دوست‌ داری‌؟»

پیامبر فرمود: «عایشه را»

عمرو گفت‌: «سؤال‌ من‌ در مورد مردان‌ بود»

پیامبر فرمود: «پدر عایشه‌ را (یعنی‌ ابوبكر صدیق‌ را»**.**

همسران‌ پیامبر كه‌ می‌دیدند، رسول‌اكرم‌ نسبت‌ به‌ عایشه ل ‌علاقه‌ و محبّت‌ بیشتری‌ دارد، روزی‌ حضرت‌ فاطمه‌ی‌ زهرا لرا فرستادند و به‌ او گفتند:

«به‌ پدرت‌ بگو با ما نیز مثل‌ عایشه‌ رفتار كند».

حضرت‌ فاطمه‌ی‌ زهراء لپیغام‌ را رساند.

پیامبر در جواب‌ فرمود: «ای‌ فاطمه‌! آیا تو مرا دوست‌ داری‌؟»

حضرت‌ فاطمه‌ جواب‌ داد: «بله‌ پدر، از صمیم‌ قلب‌ شما را دوست‌دارم‌».

پیامبر فرمود: «پس‌ عایشه‌ را نیز دوست‌ بدار و با او محبت‌ داشته‌ باش‌».

پیامبر محبّت‌ خاصی‌ نسبت‌ به‌ عایشه ل ‌ داشت‌ و جای‌بزرگی‌ در قلب‌ او گرفته‌ بود، چنان‌ كه‌ خود آن‌ حضرت‌ می‌فرمود: «محبت‌ عایشه‌ به‌ منزله‌ی‌ دستگیره‌ی‌ قلب‌ من‌ است‌». و این‌ همه‌علاقه‌ و عواطف‌ برای‌ این‌ كافی‌ بود كه‌ عایشه ل ‌ همواره‌ به‌ رسول‌الله عشق‌ بورزد و هیچ‌ گاه‌ از او غافل‌ نشود ([[9]](#footnote-9)).

**عايشه** ل**‌، نمونه‌ي‌ بارز يك‌ همسر واقعي‌**

استاد ابوالعز مصری‌ می‌گوید:

«از معلوماتی‌ كه‌ در مورد زندگی‌ حضرت‌ عایشه لبه‌دست‌ آورده‌ایم‌، و همچنین‌ با مطالعه‌ی‌ كتاب‌هایی‌ كه‌ درباره‌ی‌ زندگی‌عایشه ل ‌ و نقش‌ او در حیات‌ رسول‌الله نوشته‌اند، به‌ این‌ نتیجه‌می‌رسیم‌ كه‌ حضرت‌ عایشه لعلاوه‌ بر اینكه‌ مادرمهربانی‌ برای‌ تمام‌ مسلمانان‌ بود و آنها را راهنمایی‌ و ارشاد می‌نمود،یک همسر نمونه‌ و موفّق‌ به‌ حساب‌ می‌آید و شایسته‌ است‌ كه‌ زنان‌ ودختران‌ جامعه‌ از او درس‌ بگیرند و به‌ او اقتدا نمایند.

آری‌! اگر دختران‌ جامعه‌ی‌ امروزی‌، در زندگانی‌ زناشویی‌،حضرت‌ عایشه لرا سرمشق‌ خویش‌ قرار می‌دادند،بسیاری‌ از مشكلات‌ و دردسرهای‌ خانوادگی‌ برطرف‌ می‌شد وجامعه‌ای‌ پاک و پر از صدق‌ و صفا و اخلاص‌ به‌ وجود می‌آمد.

حضرت‌ عایشه لبه‌ این‌ حقیقت‌ پی‌ برده‌ بود كه‌اساس‌ و بنیان‌ زندگی‌ زناشویی‌، اخلاص‌ و محبّت‌ و ایجاد جوّی‌ ازسرور و شادی‌ در قلب‌ همسر است‌»([[10]](#footnote-10)).

او می‌دانست‌ كه‌ یک زن‌ می‌تواند كمک بزرگی‌ برای‌ شوهرش‌ دررویارویی‌ با مشكلات‌ باشد و با اخلاق‌ و رفتار نیكو و دعاهای‌مخلصانه‌ می‌تواند بار سنگین‌ مشكلات‌ همسر مؤمنش‌ را سبک نماید.

او با همین‌ روحیه‌ و بر مبنای‌ همین‌ اصول‌، زندگانی‌اش‌ را بارسول‌الله به‌ سر می‌برد و همواره‌ در برخورد با پیامبر، تبسم‌ ازلب‌هایش‌ دور نمی‌شد و از اینكه‌ می‌توانست‌ كمک كوچكی‌ برای‌پیامبر باشد، اظهار خوشحالی‌ و خرسندی‌ می‌كرد.

 **همسر موفق‌ و ايده‌آل‌ از ديدگاه‌ عايشه‌ي‌ صديقه‌** ل

حضرت‌ عایشه ل عقیده‌ داشت‌، حتی در صورت‌ پیش‌آمدها و اتفاق‌های‌ ناگوار، زنان‌ نباید با چهره‌ی‌ غمناک و قلب‌ اندوهناک با شوهرانشان‌ روبرو شوند. او می‌گوید: «برای‌ زنی‌ كه‌ ایمان‌ دارد، جایز نیست‌ كه‌ از سه‌ روز بیشتر به‌ عزا بنشیند، مگر برای‌ شوهرش‌».

از دیدگاه‌ مادر مؤمنان‌، زن‌ باید همیشه‌ برای‌ شوهرش‌ فداكاری‌ كند و در هر حال‌ رضایت‌ شوهر را جلب‌ نماید.

زنی‌ از عایشه ل ‌ پرسید: «آرایش‌ برای‌ زن‌ تا چه‌ حد جایز است‌؟».

عایشه ل ‌ در جواب‌ گفت‌: «اگر شوهر داری‌، چنانچه‌ بتوانی‌ هر دو چشم‌ خود را درآورده‌ و بهتر و قشنگ‌تر از اول‌ آنها را در جای‌ خود قرار دهی‌، این‌ كار را انجام‌ بده‌»([[11]](#footnote-11)). (منظور حضرت‌ عایشه ل ‌ این‌ است‌ تا آنجا كه‌ می‌توانی‌ موجبات‌ رضایت‌ شوهر را فراهم‌ نمایی‌). آری‌! این‌ است‌ عقیده‌ی‌ حضرت‌ عایشه ل آن‌ زن‌ نمونه‌ و فداكار، نسبت‌ به‌ همسر خویش‌.

**عايشه** ل**‌ در ميدان‌ جهاد**

شركت‌ زنان‌ در میدان‌ جهاد امری‌ است‌ مباح‌، اما آنان‌ در غیرضرورت‌ شدید، حق‌ ندارند در رویارویی‌ با دشمن‌ شمشیر بكشند، امامی‌توانند با كمک به‌ مجروحان‌، درست‌ كردن‌ غذا، پرستاری‌ ازمجاهدان‌ و... در جهاد سهمی‌ داشته‌ باشند.

عایشه صدیقه‌ لنیز در چندین‌ غزوه‌ همراه‌ پیامبر بود، برای‌ مجاهدان‌ آب‌ می‌برد، به‌ مریضان‌ رسیدگی‌می‌كرد و...

از غزوه‌های‌ مهمی‌ كه‌ ایشان‌ شركت‌ داشته‌اند می‌توان‌ به‌ «اُحد» و«احزاب‌» اشاره‌ نمود.

در سال‌ ششم‌ هجری‌ نیز در غزوه‌ «بنی‌ مصطلق‌» حضور داشت‌.

 **منافقين‌ در كمين‌ نشسته‌اند**

منافقینی‌ كه‌ در صف‌ اصحاب‌ بودند و همچنین‌ یهودیانی‌ كه‌ بغض‌و كینه‌ی‌ اسلام‌ را در دل‌ داشتند، دائماً در فكر ضربه‌ زدن‌ به‌ رسول‌الله بودند. آنان‌ توان‌ دیدن‌ فتوحات‌ و پیروزی‌های‌رسول‌اكرم‌ را نداشتند.

هرگاه‌ رسول‌ الله در غزوه‌ای‌ پیروز می‌شد، آنان‌ عزامی‌گرفتند.

سال‌ ششم‌ هجری‌ كه‌ رسول‌ الله برای‌ جنگ‌ با قبیله‌ی‌«بنی‌مصطلق‌» وارد معركه‌ شد، آنان‌ را شكست‌ داد. در این‌ جنگ‌رئیس‌ منافقین‌، «عبدالله بن‌ ابی‌»، نیز حضور داشت‌. او كاملاً پیامبر را زیر نظر می‌گرفت‌ و به‌ دنبال‌ بهانه‌ای‌ برای‌ شكستن‌صفوف‌ اصحاب‌ و بدنام‌ كردن‌ رسول‌الله می‌گشت‌.

منافقان‌ آخرین‌ دسیسه‌ی‌ خویش‌ را به‌ كار گرفتند، سیاه‌ترین‌ مكررا طراحی‌ نمودند. اما این‌ دسیسه‌ چیست‌؟ و چه‌ كسی‌ را قربانی‌ آن‌می‌كنند؟

**عايشه** ل**‌ و افك**([[12]](#footnote-12))

آری‌! آنكه‌ مورد اتهام‌ قرار می‌گیرد، دختر ابوبكر صدیق‌ است‌. همان‌ كسی‌ كه‌ اثری‌ از جاهلیت‌ و شرک وبت‌پرستی‌ در خانه‌اش‌ رسوخ‌ نكرد و خود و اهلش‌ از پیشتازان‌ میدان‌ایمان‌ و جهاد به‌ شمار می‌آیند.

آنكه‌ مورد اتهام‌ قرار می‌گیرد، عایشه ل‌، ام‌المؤمنین‌، همسر محبوب‌رسول‌الله است‌.

بهانه‌ای‌ به‌ دست‌ منافقین‌ می‌افتد و بدین‌ شكل‌ عایشه‌ی‌ صدّیقه‌در تیررس‌ حسودان‌ و منافقان‌ قرار می‌گیرد.

منافقان‌ كه‌ شبانه‌روز دنبال‌ بهانه‌ می‌گشتند، فرصتی‌ به‌ دست‌آوردند و ـ نعوذ بالله ـ تهمت‌ زنا را به‌ مادر مؤمنان‌، عایشه ی‌ صدیقه‌،نسبت‌ دادند و بدین‌ شكل‌ جامعه‌ی‌ اسلامی‌ به‌ سوی‌ امتحان‌ وآزمایشی‌ سخت‌ و بزرگ‌ قدم‌ برداشت‌.

 **خداوند مي‌خواهد نام‌ عايشه** ل**‌ را زنده‌ نگه‌ دارد**

به‌ راستی‌، محنت‌ و درد و رنج‌ «افک» همان‌ تهمتی‌ كه‌ منافقان‌ وكوردلان‌ به‌ مادر مؤمنان‌ صدیقه‌ كبری‌، پرورش‌ یافته‌ی‌ دست‌ ابوبكر وشكوفا شده‌ی‌ زیر دست‌ محمد مصطفی‌ نسبت‌ دادند،مسلمانان‌ را با صبر و شكیبایی‌ بسیار طاقت‌فرسایی‌ روبه‌ رو می‌كند.

معلوم‌ می‌شود كه‌ تقدیر الهی‌ و تدبیر ربّانی‌ می‌خواست‌، درسی‌مهم‌ را به‌ مسلمانان‌ در جامعه‌ی‌ اسلامی‌ بدهد، و همگان‌ را مورد ابتلاءو آزمایش‌ قرار دهد.

انگار پروردگار می‌خواهد در امتحانی‌ بزرگ‌، صبر و استقامت‌عده‌ای‌ را محک بزند، عده‌ای‌ را به‌ دوزخ‌ بفرستد و مقام‌ و منزلت‌شخصی‌ را تا ابد بالا و بالا ببرد.

آری‌! امتحان‌ بسیار سختی‌ است‌، پاكی‌ و ناموس‌ خانه‌ی‌ نبوّت‌ وتربیت‌ یافته‌ی‌ خانه‌ی‌ ابوبكر و همسر رسول‌الله وسیله‌ی‌ این‌امتحان‌ قرار می‌گیرد.

 **افك‌؛ دروغي‌ بي‌بنياد و دردي‌ جانكاه**([[13]](#footnote-13))

ام‌ المؤمنین‌ عایشه صدیقه‌ ل داشت‌ پله‌های‌ صعود و ترقی‌ به‌ عالم‌ ملكوت‌ و علوی‌ را یكی‌ پس‌ از دیگری‌ پشت‌ سر می‌گذاشت‌ و هر لحظه‌ به‌ درجات‌ قُرب‌ حق‌ نائل‌ می‌گشت‌.

این‌ بار مولایش‌ می‌خواست‌، او را فنا‌ در خویش‌ كند و از همه‌ی‌ مخلوقات‌ او را بریده‌، به‌ عظمت‌ و جلال‌ خویش‌ وصل‌ نماید و از فنا‌ فی‌الرسول‌ به‌ فنا فی‌الله سوق‌ دهد.

او را امتحان‌ می‌كند؛ جامی‌ تلخ‌، اما فرح‌بخش‌ و ایمان‌ افزا به‌ او می‌نوشاند.

هر كه‌ در این‌ بزم‌ مقرب‌تر است‌جام‌ بلا بیشترش‌ می‌دهند

آری‌! می‌خواهد نام‌ عایشه ل در تمام‌ قرون‌ با بقای‌ زمان‌ باقی‌ بماند. می‌خواهد پرده‌ از عظمت‌ و شوكت‌ این‌ صدیقه‌ی‌ عُظمی‌ بردارد.

مادر عزیزم‌! امتحانی‌ سخت‌ در پیش‌ داری‌. مشكل‌ و مصیبتی‌ جان‌فرسا و جگرسوز در انتظار توست‌. خداوند پشت‌ و پناهت‌ باد!.

اما او همچنان‌ استوار و محكم‌، متوكل‌ و مطمئن‌ می‌گوید:

گر هزاران‌ دام‌ باشد در رقم‌چون‌ تو با مایی‌ نباشد هیچ‌ غم‌

بشنویم‌ از خودش‌، از این‌ ادیب‌ بزرگ‌ كه‌ چقدر با بلاغت‌ و فصاحت‌ و زیبایی‌، داستان‌ افک را برای‌ جهانیان‌ به‌ تصویر می‌كشد:

«عادت‌ رسول‌الله این‌ بود كه‌ در هر سفری‌، یكی‌ از همسرانش‌ را با خود می‌برد.

برای‌ همراهی‌ در غزوه‌ «بنی‌ مصطلق‌»، محبوب‌ من‌ قرعه‌ انداخت‌، تا از میان‌ همسرانش‌ كسی‌ را همراه‌ ببرد، «قرعه‌ی‌ فال‌ به‌ نام‌ من‌ دیوانه‌ زدند» و در این‌ سفر من‌ همراه‌ رسول‌الله بودم‌.

در آن‌ زمان‌ آیه‌ی‌ حجاب‌ نازل‌ شده‌ بود و مردان‌ غریبه‌ حق‌ نداشتند به‌ سوی‌ زنان‌ نگاه‌ كنند و زن‌ نیز با حجاب‌ كامل‌ از خانه‌ خارج‌ می‌شد.

من‌ در كجاوه‌ای‌ كه‌ روی‌ شتر حمل‌ می‌شد، قرار داشتم‌، و كجاوه‌ نیز پرده‌ یی‌ داشت‌ كه‌ كسی‌ داخل‌ را نمی‌دید.

از جنگ‌ «بنی‌مصطلق‌» با پیروزی‌ و موفقیت‌ برگشتیم‌، در صحرایی‌ اطراق‌ كرده‌ و شب‌ را آنجا گذراندیم‌.

پس‌ از ادای‌ نماز صبح‌، بانگ‌ رحیل‌ نواخته‌ شد. من‌ در این‌ لحظه‌ برای‌ قضای‌ حاجت‌ كمی‌ دورتر رفته‌ بودم‌. وقتی‌ برگشتم‌، دیدم‌ گردن‌ بندم‌ نیست‌. انگار جایی‌ افتاده‌، رفتم‌ تا گردن‌بندم‌ را بیابم‌، اندكی‌ درنگ‌ شد، وقتی‌ به‌ محل‌ كاروان‌ برگشتم‌، دیدم‌ اثری‌ از آنها نیست‌.

همسفرانم‌ به‌ گمان‌ اینكه‌ من‌ در كجاوه‌ هستم‌، شتران‌ را به‌ حركت‌ درآورده‌ و رفته‌ بودند. ناراحت‌ و پریشان‌ در همانجا نشستم‌ و چادر را بر سرم‌ كشیدم‌. به‌ امید اینكه‌ آنها متوجه‌ شوند و برگردند.

دیری‌ نگذشت‌ تا اینكه‌ مردی‌ كه‌ مأمور پاییدن‌ قافله‌ بود و می‌بایست‌ با فاصله‌ چندانی‌ از قافله‌ حركت‌ می‌كرد تا چیزی‌ از آنها جا نماند، رسید. «صفوان‌ بن‌ معطل‌» یكی‌ از یاران‌ پیامبر بود.

چون‌ قبل‌ از نزول‌ آیه‌ی‌ حجاب‌ مرا دیده‌ بود، به‌ محض‌ دیدن‌، مرا شناخت‌ و شنیدم‌ كه‌ گفت‌: «إنّا لله وإنا إلیه‌ راجعون‌». همسر رسول‌ خدا ، اینجا چكار می‌كند؟

من‌ با او هیچ‌ صحبتی‌ نكردم‌. شتر را نزدیكم‌ آورد و گفت‌: سوار شو! خودش‌ عقب‌ رفت‌. سوار بر شتر شدم‌ و «صفوان‌» افسار شتر را گرفته‌ بود و پیش‌ از من‌ حركت‌ می‌كرد.

وقت‌ ظهر به‌ شهر رسیدیم‌، «عبدالله بن‌ ابی‌» در این‌ لحظه‌ دید كه‌ من‌ بر شتر و «صفوان‌» نیز پیاده‌، افسار شتر را گرفته‌ وارد شهر می‌شویم‌. این‌ لحظه‌ بود كه‌ شیطان‌ در دل‌ها رخنه‌ كرد و اهل‌ افک آنچه‌ نباید می‌گفتند، گفتند.

من‌ از همه‌ چیز بی‌خبر، اما از اینكه‌ از قافله‌ جا مانده‌ بودم‌، بسیار ناراحت‌ شدم‌. این‌ ناراحتی‌ را نزد رسول‌ اكرم‌ اظهار نمودم‌، متوجه‌ شدم‌ كه‌ اعتنایی‌ نمی‌كند، انگار محبّتش‌ كم‌ شده‌ است‌. پدر و مادرم‌ نیز همین‌ طور بودند. تعجب‌ كردم‌، چه‌ رخ‌ داده‌ است‌؟

آری‌! در این‌ وقت‌ تبلیغات‌ سوء منافقین‌ تمام‌ شهر را فرا گرفته‌ بود و من‌ از همه‌ چیز بی‌خبر بودم‌، اما می‌دیدم‌ كه‌ محبوبم‌ به‌ من‌ كم‌لطفی‌ می‌كند، با خود گفتم‌: درگذشته‌ اگر شكایتی‌ نزد رسول‌ اكرم‌ می‌بردم‌، با مرحمت‌ و لطف‌ و محبت‌ گوش‌ می‌كرد و همواره‌ دلداری‌ام‌ می‌داد، اما الان‌ چه‌ شده‌ است‌؟

بسیار نگران‌ بودم‌، غم‌ و اندوه‌ بر من‌ چیره‌ شده‌ بود. نكند نازنینم‌ از من‌ رنجیده‌ باشد؟

اما خبر نداشتم‌ كه‌ بیرون‌ خانه‌، چه‌ چیزها كه‌ در مورد من‌ گفته‌ نمی‌شود!

بر اثر این‌ بی‌محبتی‌ها مریض‌ شدم‌، روزی‌ رسول‌ اكرم‌ به‌ خانه‌ آمد. اتفاقاً مادرم‌ نیز در كنارم‌ نشسته‌ بود، وقتی‌ مرا در حال‌ غم‌ و اندوه‌ و پژمردگی‌ دید، فرمود: كَیف‌َ تیكُم‌؟ دخترتان‌ چطور است‌؟

كلمه‌ای‌ سرد و خالی‌ از محبّت‌ و بیگانه‌ با احساسات‌ و رفتار گذشته‌. با شنیدن‌ این‌ نوع‌ احوال‌پرسی‌ و با دیدن‌ این‌ برخورد رسول‌الله حزن‌ و اندوه‌ و كسالت‌ تمام‌ وجودم‌ را در برگرفت‌ و (جهان‌ پیش‌ چشم‌ اندرم‌ تیره‌ گشت‌).

گفتم‌: یا رسول‌الله! مریض‌ و افسرده‌ هستم‌، اجازه‌ بدهید مدتی‌ را نزد مادرم‌ بروم‌.

فوراً فرمود: برو اشكالی‌ ندارد.

رفتم‌ در حالی‌ كه‌ از همه‌ چیز بی‌خبر بودم‌. این‌ بی‌مهری‌ و بی‌محبّتی‌ نزدیک به‌ بیست‌ و اندی‌ شب‌ به‌ درازا كشید، تا اینكه‌ شبی‌ با ام‌مسطح‌ (دختر خاله‌ی‌ پدرم‌) برای‌ قضای‌ حاجت‌ بیرون‌ رفتیم‌.

در حال‌ رفتن‌ بودیم‌ كه‌ پای‌ «ام‌مسطح‌» لغزید و زمین‌ خورد. بی‌اختیار فرزندش‌، «مسطح‌» را نفرین‌ كرد. تعجب‌ كردم‌ گفتم‌:

صحابی‌ رسول‌ الله را نفرین‌ می‌كنی‌؟! كسی‌ كه‌ در جنگ‌ «بدر» شركت‌ كرده‌ و از جمله‌ی‌ مهاجرین‌ به‌ شمار می‌آید؟

«ام‌ مسطح‌» گفت‌: ای‌ ساده‌لوح‌! مگر خبر نداری‌ در مورد تو چه‌ می‌گویند؟!

گفتم‌: از چه‌ چیز؟...

آن‌ وقت‌ بود كه‌ تمام‌ ماجرا را برایم‌ تعریف‌ كرد.

باورم‌ نشد، گفتم‌ راست‌ می‌گویی‌؟ گفت‌: به‌ خدا سوگند كه‌ همین‌ طور شایع‌ است‌.

نمی‌دانستم‌ چكار كنم‌؟ چه‌ بگویم‌؟ و با كه‌ بگویم‌؟ غم‌ اول‌ را فراموش‌ كردم‌.

دیوانه‌ و حیران‌ شدم‌، حالتی‌ بسیار سخت‌ بر من‌ طاری‌ شد. (حالتی‌ رفت‌ كه‌ محراب‌ به‌ فریاد آمد).

خود را با عجله‌ به‌ خانه‌ رساندم‌، زار زار گریستم‌. قلبم‌ می‌خواست‌ منفجر شود. جگرم‌ داشت‌ پاره‌ می‌شد. یقه‌ی‌ مادرم‌ را گرفتم‌ و گفتم‌: چند روز است‌ كه‌ در مورد من‌ این‌ سخنان‌ گفته‌ می‌شود و شما چیزی‌ به‌ من‌ نگفته‌اید؟ چرا نگفتی‌؟»

آری‌! این‌ حادثه‌ همچون‌ تیری‌ قلب‌ ام‌المؤمنین‌ عایشه صدیقه‌ ل را زخمی‌ كرد و خانواده‌ی‌ نبوّت‌ و بیت‌ ابوبكر را در غم‌ و اندوهی‌ وصف‌ نشدنی‌ فرو برد.

یک ماه‌ طول‌ كشید، یک ماه‌ بسیار طولانی‌، به‌ اندازه‌ی‌ قرن‌های‌ ظلم‌ و جور و استبداد، به‌ طول‌ روز سخت‌ قیامت‌ و به‌ درازای‌ روزهای‌ سخت‌ زندان‌ جائران‌ فرعون‌صفت‌. زمانی‌ تاریک به‌ تاریكی‌ دل‌ كوردلان‌ تاریخ‌ و منافقان‌ بی‌وجدان‌ و سنگدل‌.

باز مادر مهربان‌ و دلسوز، این‌گونه‌ داستان‌ را ادامه‌ می‌دهد:

«تب‌ و لرز عجیبی‌ مرا گرفت‌. مادرم‌ چندین‌ لحاف‌ و پتو رویم‌ انداخت‌، باز هم‌ می‌لرزیدم‌. صدای‌ گریه‌ام‌ تمام‌ خانه‌ را در برگرفته‌ بود. پدر مهربانم‌ در اتاق‌ دیگری‌ مشغول‌ تلاوت‌ بود. با شنیدن‌ صدای‌ گریه‌ام‌، از مادرم‌ پرسید: چه‌ خبر است‌؟

مادرم‌ جواب‌ داد كه‌ عایشه ل ‌ است‌. چون‌ پدرم‌ از باخبر شدن‌ من‌ از ماجرا آگاه‌ شد، او نیز شروع‌ به‌ گریه‌ كرد. خانه‌ی‌ ابوبكر را حزن‌ و ماتم‌ فرا گرفته‌ بود.

شب‌ها را در دعا و گریه‌ می‌گذراندم‌، چندین‌ شب‌ سرمه‌ی‌ خواب‌ را به‌ چشمانم‌ نمالیدم‌. روزها را در كُنجی‌ می‌نشستم‌ و منتظر امری‌ از جانب‌ خداوند سبحان‌ بودم‌. در همین‌ ایام‌ روزی‌ رسول‌الله به‌ خانه‌ی‌ ما آمد. پدر و مادرم‌ و زنی‌ از انصار نزد من‌ بودند. رسول‌ اكرم‌ مرا در حالت‌ گریه‌ و غم‌ و اندوه‌ دید. پس‌ از حمد و ستایش‌ خداوند سبحان‌ و خواندن‌ شهادتین‌ فرمود:

«یا عائشة! فإنّه‌ بلغنی‌ عنك كذا وكذا فإن‌ كنت‌ بریئةً فسیبرئك الله عزوجل‌ وإن‌ كنت‌ هممت‌ بذنب‌ فاستغفری‌ الله وتوبی‌ إلیه،‌ فإن‌َّ العبد إذا اعترف‌ بذنبه‌ ثم‌ تاب‌ إلی‌ الله تاب‌ الله علیه‌»([[14]](#footnote-14)).«ای‌ عایشه! درباره‌ی‌ تو خبرهایی‌ به‌ من‌ رسیده‌، اگر از آن‌ پاک هستی‌ پس‌ خداوند تو را تبرئه‌ خواهد كرد و اگر گناهی‌ مرتكب‌ شده‌ای‌ از خداوند طلب‌ مغفرت‌ كن‌ و توبه‌ نما، زیرا هرگاه‌ بنده‌ به‌ گناهش‌ اعتراف‌ كند و توبه‌ نماید، خداوند توبه‌اش‌ را می‌پذیرد».

سبحان‌ الله! دیگر توان‌ شنیدن‌ نداشتم‌، اشك‌هایم‌ به‌ شدّت‌ جاری‌ بود و قلبم‌ در حال‌ تركیدن‌. می‌خواستم‌ فریاد بزنم‌، اما بغض‌ گلویم‌ را گرفته‌ بود، رو به‌ پدرم‌ كردم‌ و گفتم‌: پدر! چیزی‌ بگو به‌ رسول‌الله. بگو كه‌ من‌ بی‌گناهم‌؛ چرا جواب‌ نمی‌دهی‌؟

پدرم‌ سرش‌ را پایین‌ انداخت‌ و لب‌ نگشود. رو به‌ مادرم‌ كردم‌.

مادر عزیزم‌! تو بگو! تو كه‌ مرا تربیت‌ كرده‌ای‌، چیزی‌ بگو، جواب‌ رسول‌الله را بده‌. او نیز هچون‌ پدرم‌، سرش‌ را پایین‌ انداخت‌.

آری‌! این‌ قدر شایعات‌ زیاد بود، انگار آنها هم‌ به‌ شک افتاده‌ بودند، به‌ همین‌ جهت‌ در حضور رسول‌ اكرم‌ و از شدّت‌ حیا هیچ‌ سخنی‌ بر زبان‌ نراندند.

از همه‌ كس‌ ناامید شده‌ بودم‌؛ از همسر گرانقدری‌ چون‌ رسول‌الله از پدر مهربان‌ و رؤوفی‌ چون‌ ابوبكر و از مادر دلسوزی‌ چون‌ أم‌رومان‌. دادم‌ را به‌ كجا باید می‌بردم‌. مگر كسی‌ غیر از او را می‌توانستم‌ بیابم‌. كسی‌ كه‌ بر تمام‌ ماجرا اطلاع‌ كامل‌ داشت‌، دیگر هیچ‌ پناهگاهی‌ نداشتم‌؛ به‌ جز او. آری‌!

هیچ‌ كنجی‌ بی‌دد و بی‌دام‌ نیست ‌جز به‌ خلوتگاه‌ حق‌ آرام‌ نیست‌

سر به‌ آسمان‌ بلند كردم‌ و گفتم‌:

ای‌ جمله‌ی‌ بی‌كسان‌ عالم‌ را كس ‌یک جو كرمت‌، تمام‌ عالم‌ را بس‌

من‌ بی‌كسم‌ و تو بی‌كسان‌ را یاری‌یارب‌ تو به‌ فریاد من‌ بی‌كس‌ رس‌

گفتم‌: «والله لا أتوب‌ مما ذكروا أبداً».

به‌ خدا سوگند از گناهی‌ كه‌ نكرده‌ام‌ و مردم‌ به‌ من‌ نسبت‌ می‌دهند، هرگز توبه‌ نمی‌كنم‌؛ چرا كه‌ من‌ پاک هستم‌ و هیچ‌ گناهی‌ را مرتكب‌ نشده‌ام‌.

امروز، من‌ نیز چون‌ حضرت‌ یعقوب‌ می‌گویم‌: ﴿فَصَبۡرٞ جَمِيلٞۖ وَٱللَّهُ ٱلۡمُسۡتَعَانُ عَلَىٰ مَا تَصِفُونَ﴾.

 **عايشه** ل**‌ و صبر و استقامت‌**

آنچه‌ در این‌ میان‌ می‌توان‌ بدان‌ توجه‌ داشت‌، صبر و استقامت‌ حضرت‌ عایشه ل بود. امتحانی‌ سخت‌ و بزرگ‌، تهمتی‌ بس‌ عظیم‌ و تلخ‌ و دردناك‌. روزهای‌ بسیار طولانی‌ و پردرد و رنج‌، اما صبری‌ جمیل‌ و استقامتی‌ چون‌ عاشقان‌ الله.

عایشه ل ‌ در این‌ میدان‌ مصداق‌ آیات‌ قرآن‌ قرار گرفت‌:

﴿إِنَّ ٱللَّهَ مَعَ ٱلصَّٰبِرِينَ﴾ به‌ حقیقت‌ كه‌ الله با او بود، و او را تنها نگذاشت‌.

ثمره‌ی‌ این‌ صبر زیبا این‌ بود كه‌ خداوند فرمود:

﴿لَا تَحۡسَبُوهُ شَرّٗا لَّكُمۖ بَلۡ هُوَ خَيۡرٞ لَّكُمۡ﴾ [النور: 11].

«آن را براى خود شرّى مپندارید، بلكه آن براى شما خیر است».

یعنی: آنچه‌ در مورد عایشه گفته‌ شد، همگی‌ برای‌ عایشه‌ خیر و نیكی‌ بودند، نه‌ شرّ و بدی‌.

به‌ خاطر این‌ حادثه‌ی‌ عظیم‌، از شأن‌ حضرت‌ عایشه ل نه‌ تنها كاسته‌ نشد، بلكه‌ شأن‌ و منزلتش‌ بالاتر رفت‌ و درجاتش‌ عالی‌تر گردید.

 **هر كس‌ بر الله توكل‌ كند، او برايش‌ كافي‌ است‌**

غم‌ و اندوه‌ هر لحظه‌ بر مادر مؤمنان‌ بیشتر و بیشتر می‌شود. این‌ دختر معصوم‌ از پدر و مادرش‌ نیز نا امید می‌گردد، دیگر كسی‌ را ندارد كه‌ به‌ او پناه‌ ببرد، بلكه‌ حرفش‌ را باور كنند.

اما، نه‌! آنكه‌ از همه‌ داناتر و آگاه‌تر به‌ ماجراست‌، حضور دارد، و خود فرموده‌ است‌:

﴿وَمَن يَتَوَكَّلۡ عَلَى ٱللَّهِ فَهُوَ حَسۡبُهُۥٓ﴾ [الطلاق: 3].

«و كسى كه بر خدا توكل كند، خدا برایش كافى است».

پس‌ عایشه ل ‌ همه‌ چیز را به‌ او سپرد، و فقط‌ به‌ آسمان‌ چشمه‌ دوخته‌ بود تا برائتش‌ نازل‌ گردد.

آری‌! وقت‌ آن‌ فرا رسیده‌ كه‌ غم‌ و اندوه‌، حزن‌ و ماتم‌ از خانه‌ی‌ ابوبكر و خانه‌ مصطفی‌ رخت‌ بربندد. وقت‌ آن‌ رسیده‌ تا مؤمنان‌ واقعی‌ دوباره‌ شاد گردند و منافقان‌ كوردل‌ به‌ سوگ‌ بنشینند.

«بعد از آن‌ گوشه‌ای‌ رفتم‌ و در بسترم‌ دراز كشیدم‌. یقین‌ داشتم‌ كه‌ الله مرا تبرئه‌ می‌كند، البته‌ خود را لایق‌ این‌ نمی‌دیدم‌ كه‌ در حق‌ من‌ و پاكی‌ من‌ وحی‌ نازل‌ شود. اما امید داشتم‌ كه‌ پاكی‌ و بی‌گناهی‌ من‌ در خواب‌ و رؤیا برای‌ رسول‌الله آشكار گردد.

هنوز رسول‌الله از جایش‌ برنخواسته‌ بود كه‌ ناگاه‌ چهره‌ی‌ مباركش‌ خیس‌ عرق‌ شد و جبین‌ زیبایش‌ منوّر گردید. فهمیدم‌ كه‌ این‌، حالت‌ نزول‌ وحی‌ است‌. نزدیک یک ماه‌ بود كه‌ خبری‌ از نزول‌ وحی‌ نبود.

من‌ هیچ‌گونه‌ پریشانی‌ و ترسی‌ نداشتم‌؛ چراكه‌ از پاكی‌ خویش‌ مطمئن‌ بودم‌، اما والدینم‌ نزدیک بود سكته‌ كنند، می‌ترسیدند نكند وحی‌ در تأیید گفته‌های‌ مردم‌ باشد.

پدرم‌ با اضطراب‌ و پریشانی‌ گاهی‌ به‌ سوی‌ من‌ می‌نگریست‌ و گاه‌ به‌ سوی‌ رسول‌الله .

وقتی‌ رسول‌الله را نگاه‌ می‌كرد، ناراحتی‌ سراپایش‌ را فرا می‌گرفت‌. كه‌ الان‌ چه‌ خواهد شد؟ و وقتی‌ مرا نگاه‌ می‌كرد كه‌ با سكون‌ و اطمینان‌ نشسته‌ام‌، امیدی‌ در دلش‌ می‌درخشید و بیشتر امیدوار می‌شد. در این‌ لحظات‌ حساس‌، تمام‌ اهل‌ خانه‌ بجز من‌، در خوف‌ و ترس‌ عجیبی‌ به‌ سر می‌بردند.

بالاخره‌ نزول‌ وحی‌ پایان‌ یافت‌ و رسول‌الله كم‌كم‌ به‌ هوش‌ آمد. مسرّت‌ و خوشحالی‌ از چهره‌ی‌ مباركش‌ نمایان‌ بود. با خوشحالی‌ عرق‌های‌ خوش‌ بویش‌ را با دست‌ مباركش‌ پاک كرد و اولین‌ كلماتی‌ كه‌ بیان‌ فرمود، این‌ بود:

«أبشری‌ یا عائشة، فقد أنزل‌ الله برائتك‌». «مژده‌ باد بر تو ای‌ عایشه‌! خداوند برائت‌ تو را نازل‌ فرمود».

شادی‌ و سرور در خانه‌ موج‌ می‌زد، شكر خدای‌ را به‌ جای‌ آوردم‌، آنكه‌ ذكر مرا در قرآن‌ عظیم‌الشأن‌ جای‌ داد و در شأن‌ من‌ وحی‌ نازل‌ فرمود.

**بخش‌ سوم‌**عايشه ‌ي‌ صدّيقه‌ل از برائت‌ تا رحلت‌

عایشه‌ی‌ صدیقه ل ‌ در محبّت‌ و عشق‌ پیامبر غرق‌ بود. حتی‌ برای‌ یک روز یا یک شب‌، تاب‌ دوری‌ از او را نداشت‌.

خداوند خواست‌ مقام‌ و منزلت‌ او را بالاتر ببرد و توكلش را به خدا بیشتر بسازد. به‌ همین‌ علت‌، این‌ آزمایش‌ سخت‌ را سبب‌ این‌ كار قرار داد و محبّت‌ خویش‌ را در دلش‌ بیشتر كرد، تا در آینده‌ نیز بتواند فراق‌ نیم‌ قرن‌ از رسول‌الله را تحمل‌ نماید و با محبت خدا زندگی‌ را بسر ببرد.

حضرت‌ عایشه صدیقه‌ ل می‌گوید:

«وقتی‌ رسول‌الله آیات‌ نازله‌ را تلاوت‌ فرمود و اظهار رضایت‌ و خرسندی‌ از من‌ كرد، مادرم‌ گفت‌: ای‌ عایشه! بلند شو، برو پیش‌ رسول‌الله ».

منظورش‌ این‌ بود كه‌ از رسول‌الله تشكر كنم‌. جواب‌ دادم‌: «به‌ خدا سوگند، از احدی‌ جز او كه‌ پاكی‌ مرا از بالای‌ هفت‌ آسمان‌ نازل‌ كرد، تشكر و سپاسگزاری‌ نمی‌كنم».

آری‌! این‌ سخن‌ عایشه‌ ل همراه‌ با محبّت‌ رسول‌الله در قلبش‌ بود، اما به‌ خاطر ناز عفیفانه‌ و مؤمنانه‌اش‌، این‌ كلمات‌ را بر زبان‌ می‌آورد.

 قلب‌ مؤمنان‌ شاد شد، پشت‌ خميده‌ صفوان‌ راست‌ گرديد و شادي‌ به‌ خانه‌ نبوّت‌ و صديقيّت‌ بازگشت‌

با نزول‌ آیات‌ آشكار و محكم‌ ابتدای‌ سوره‌ی‌ نور، دل‌ رنجور مصطفی‌ شاد شد و چهره‌ی‌ پژمرده‌ و غمگین‌ مادر مؤمنان‌، عایشه صدیقه‌ ل همچون‌ خورشیدی‌، منوّر و شادان‌ گشت‌ و پشت‌ خمیده‌ی «صفوان‌ بن‌ معطل‌» از فرط‌ مصیبت‌، راست‌ شد و پوزه‌ی‌ منافقان‌ كوردل‌ بی‌مروّت‌ به‌ خاک رسوایی‌ و ندامت‌ كشیده‌ شد و «عبدالله‌ ابن‌ ابی‌» و همدستانش‌ تا ابد در عذاب‌ این‌ تهمت‌ ناروا، گرفتار شدند و تاریخ‌ برگ‌ دیگری‌ از ایام‌ تلخ‌ را پشت‌ سر گذاشت‌.

پس‌ از تلاوت‌ آیات‌ سوره‌ی‌ نور توسط‌ رسول‌الله شادی‌ به‌ بیت‌ ابوبكر بازگشت‌ و دل‌ پژمرده‌ی‌ آنان‌ جان‌ تازه‌ای‌ گرفت‌.

ابوبكر صدیق‌ وقتی‌ آیات‌ نازله‌ در مورد پاكی‌ و طهارت‌ و عفت‌ جگرگوشه‌اش‌، عایشه صدیقه‌ ل را شنید، سریعاً بلند شد و پیشانی‌ عایشه ل ‌ را بوسید. در این‌ وقت‌ عایشه ل گفت‌: «ای‌ پدر عزیزم‌! چرا قبلاً حرف‌ مرا باور نكردی‌ و مرا بی‌گناه‌ نشمردی‌؟

ابوبكر صدیق ‌ در كمال‌ صداقت‌ و اخلاص‌ گفت‌: «اگر در مورد این‌ مسئله‌ حرفی‌ می‌زدم‌ ـ در حالی‌ كه‌ هیچ‌ علمی‌ به‌ حقیقت‌ نداشتم‌ ـ آنگاه‌ كدام‌ آسمان‌ بر من‌ سایه‌ می‌انداخت‌ و كدام‌ زمین‌ مرا حمل‌ می‌كرد».

**اجراي‌ حد قذف‌ بر اهل‌ افك‌**

بعد از این‌ گفتگو رسول‌ الله به‌ مسجد تشریف‌ برد و پس‌ از ایراد خطبه‌ای‌، آیات‌ نازله‌ در مورد برائت‌ حضرت‌ عایشه صدیقه‌ ل را برای‌ اصحاب‌ و یاران‌ و تمام‌ مردم‌ مدینه‌ قرائت‌ كردند و دستور دادند بر كسانی‌ كه‌ این‌ تهمت‌ را زده‌ بودند، حد قذف‌، كه‌ هشتاد ضربه‌ شلاق‌ بود، زده‌ شود.

بنا به‌ دستور قرآن‌ كسی‌ كه‌ تهمت‌ زنا را به‌ كسی‌ نسبت‌ بدهد، و از اثبات‌ آن‌ كه‌ حتماً باید چهار شاهد بر آن‌ گواهی‌ بدهند، عاجز بماند، باید بر او حد قذف‌ زده‌ شود.

كسانی‌ كه‌ در واقعه‌ی‌ افک شركت‌ داشتند و آن‌ را ترویج‌ می‌دادند، چون‌ دلیل‌ شرعی‌ نداشتند و از اثبات‌ آن‌ عاجز ماندند، مرتكب‌ قذف‌ شده‌ و بر آنها حد قذف‌ جاری‌ شد.

اكثر تهمت‌زنندگان‌ منافقان‌ بودند و فقط‌ سه‌ نفر از مسلمانان‌ واقعی‌ در این‌ دام‌ افتاده‌ و قضیه‌ را باور كرده‌ بودند. كه‌ بعد از اجرای‌ حد شرعی‌ بر آنها، توبه‌ كردند. این‌ سه‌ نفر عبارتند از:

1. مسطح‌ بن‌ اثاثه‌ (خواهرزاده‌ ابوبكر صدیق ‌).
2. حسان‌ بن‌ ثابت‌ .
3. حمنة بنت‌ جحش‌ ل.

و بدین‌ شكل‌ شادی‌ و فرح‌ به‌ خانه‌ی‌ مؤمنان‌ بازگشت‌ و محبّت‌ مادر مؤمنان‌ در قلوب‌ اصحاب‌ رسول‌ الله و تمامی‌ مسلمانان‌ چند برابر شد.

 **افك‌ و بازتاب‌ آن‌ در جامعه‌ي‌ اسلامي‌**

قضیه‌ی‌ افک در جامعه‌ی‌ اسلامی‌ آن‌ روز بازتاب‌ گسترده‌ای‌ داشت‌ و اثرات‌ ناگواری‌ نیز بر جای‌ گذاشت‌.

بحث‌ در این‌ مورد به‌ سرعت‌ در مدینه‌ پیچید. پیر و جوان‌، زن‌ و مرد، عالم‌ و عامی‌، همگی‌ در مورد آن‌ سخن‌ می‌راندند.

مردم‌ در این‌ ماجرا چند گروه‌ شدند؛ گروهی‌ كه‌ در اثر عقیده‌ متزلزل‌ و فكر باطل‌، در شرافت‌ و پاكی‌ عایشه ی‌ صدیقه‌ ل به‌ شک افتاده‌ بودند.

گروهی‌ دیگر كه‌ به‌ پاكیزگی‌ و طهارت‌ نفس‌ عایشه ل ‌ اكتفا می‌كردند و از استماع‌ این‌ قضیه‌ و سخنان‌ مخالفان‌ و منافقان‌ بیزاری‌ می‌جستند. و آنچه‌ به‌ گوش‌ می‌شنیدند با اشک چشم‌ بیرون‌ می‌كردند. و «لا حول‌ و لا قوة إلا بالله‌» می‌گفتند.

فرقه‌ای‌ دیگر به‌ مقام‌ دفاع‌ برآمده‌ و تهمت‌ و افترای‌ سیه‌دلان‌ را رد می‌كردند، كه‌ از آن‌ جمله‌ جماعت‌ اوس‌ و تعدادی‌ از صحابه‌ بودند ([[15]](#footnote-15)).

 **چرا قرآن‌؟**

انبیاء ‡ همگی‌ معصوم‌ هستند، به‌ همین‌ جهت‌ خواب‌ و رؤیاهایشان‌ صادق‌ است‌ و آنچه‌ را كه‌ ببینند، به‌ مثابه‌ی‌ وحی‌ می‌باشد.

حضرت‌ عایشه ل نیز طبق‌ گفته‌ی‌ خویش‌ انتظار داشت‌ كه‌ برائتش‌ در خواب‌ و رؤیای‌ رسول‌الله‌ نمایان‌ گردد و اصلاً انتظار نزول‌ آیات‌ قرآن‌ را در شأن‌ خویش‌ نداشت‌.

اما پروردگار چیز دیگری‌ اراده‌ كرده‌ بود. او می‌خواست‌ نام‌ عایشه ‌ی‌ صدیقه‌ ل را تا قیامت‌ زنده‌ نگه‌ دارد، و در هر عصر و زمانی‌، پاكی‌ و صداقت‌ و ایمان‌ او را برای‌ نسل‌های‌ آینده‌ بازگو كند. تا دیگران‌ از ذكر نامش‌ فیض‌ ببرند، ثواب‌ حاصل‌ كنند و با یادش‌ به‌ این‌ مادر مهربان‌، عشق‌ بورزند.

از طرف‌ دیگر اگر برائت‌ عایشه ل در خواب‌ و رؤیا برای‌ رسول‌الله ظاهر می‌شد، ممكن‌ بود عده‌ای‌ ضعیف‌الایمان‌ تحت‌ تأثیر تبلیغات‌ منفی‌ منافقان‌ قرار گیرند، مبنی‌ بر اینكه‌ این‌ داستان‌ را (برائت‌ عایشه ل ‌) محمد از خود درآورده‌ است‌. و به‌ شكلی‌ جای‌ شک و شبهه‌ باقی‌ می‌ماند، اما با نزول‌ آیات‌ قرآن‌ و ثبت‌ آن‌ در سوره‌ی‌ نور، كسی‌ نمی‌تواند آن‌ را انكار كند. بلكه‌ هر دشمن‌ متعصبی‌ نیز از قبول‌ آن‌ چاره‌ایی‌ ندارد؛ چراكه‌ عدم‌ قبول‌ برائت‌ عایشه ‌ ل یعنی‌ قبول‌ نكردن‌ آیات‌ قرآن‌ و این‌ به‌ معنای‌ كفر و الحاد است‌.

امام‌ طبری‌ می‌فرماید:

«خداوند سبحان‌ پاكی‌ و برائت‌ چهار نفر از دوستان‌ خویش‌ را به‌ چهار وسیله‌ ثابت‌ كرده‌ است‌:

1. حضرت‌ یوسف‌ ـ ـ را به‌ وسیله‌ی‌ شاهدی‌ از اهل‌ زلیخا، تبرئه‌ نموده‌، آنجا كه‌ می‌فرماید: (وَ شَهدَ شَاهد من‌ اَهلهَا).
2. حضرت‌ موسی‌ ـ ـ را از عیب‌جویی‌ یهود تبرئه‌ كرد كه‌ می‌گفتند: در بدن‌ موسی‌ عیب‌هایی‌ وجود دارد كه‌ در موقع‌ غسل‌ خود را می‌پوشاند، ولی‌ خداوند سنگی‌ را كه‌ لباس‌های‌ موسی‌ در وقت‌ غسل‌ كردن‌ بر روی‌ آن‌ قرار داشت‌، به‌ حركت‌ درآورد تا یهودیان‌ بدن‌ موسی‌ را ببینند و او را از عیب‌ مبری یافتند.
3. حضرت‌ مریم‌ ـ علیهاالسلام‌ ـ را با نطق‌ آوردن‌ عیسی ‌ كه‌ طفل‌ شیرخواری‌ بود، تبرئه‌ نمود كه‌ عیسی‌ گفت‌: «من‌ بنده‌ی‌ خدا هستم‌».
4. حضرت‌ عایشه ل را با آیات‌ صریح‌ و غیرقابل‌ انكار كه‌ ذكر شده‌ است‌ و تا دنیا باقی‌ است‌، مردم‌ آن‌ آیات‌ را در قرآن‌ خواهند خواند، برائت‌ نمود» ([[16]](#footnote-16)).

**جبرييل‌ با خود چه‌ آورد؟**

رسول‌ اكرم‌ بعد از مژده‌دادن‌ به‌ عایشه ‌ی‌ صدیقه‌ ل آیات‌ ابتدایی‌ سوره‌ی‌ مباركه‌ی‌ نور را كه‌ در آن‌ پاكی‌ و برائت‌ ام‌المؤمنین‌ عایشه صدیقه‌ ل نازل‌ شده‌ است‌، تلاوت‌ فرمود ([[17]](#footnote-17)).

برای‌ نام‌گذاری‌ این‌ سوره‌ به «نور» می‌توان‌ به‌ چند علت‌ اشاره‌ كرد:

1. وجود آیه‌ای‌ در این‌ سوره‌ كه‌ خداوند را نور و نوردهنده‌ی‌ آسمان‌ها و زمین‌ و قلوب‌ و درون‌ معرفی‌ كرده‌ است‌ ﴿ٱللَّهُ نُورُ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلۡأَرۡضِ﴾ [النور: 35].
2. احكام‌ نورانی‌ كه‌ در این‌ سوره‌ ذكر شده‌ از قبیل‌: آداب‌ ازدواج‌، طلاق‌، ورود و خروج‌ از منزل‌، حجاب‌ و ارتباط‌ با دیگران‌ و... كه‌ رعایت‌ اینها سبب‌ نورانیت‌ زندگانی‌ فردی‌ و اجتماعی‌ می‌گردد([[18]](#footnote-18)).
3. رفع‌ تاریكی‌ و ظلمتی‌ كه‌ بر اثر این‌ تهمت‌ بزرگ‌ به‌ عایشه ‌ی‌ صدیقه‌ ل در مدینه‌ و در قلوب‌ بعضی‌ها حاكم‌ شده‌ بود، این‌ آیات‌ مانند نوری‌ آن‌ تاریكی‌ها را در هم‌ شكست‌ و از لابه‌لای‌ تاریكی‌ بدگمانی‌ها، پاكی‌ و بی‌گناهی‌ عایشه ل ‌ نمایان‌ گشت‌.

هر چند بسیاری‌ از مفسّران‌ اعتقاد دارند از آیه‌ی‌ 11 این‌ سوره‌ مستقیماً به‌ قضیه‌ی‌ افک اشاره‌ دارد، اما رأی‌ برخی‌ نیز بر این‌ است‌ كه‌ از ابتدای‌ سوره‌ تا آیه‌ی‌ 26 در شأن‌ عایشه ی‌ صدیقه‌ ل می‌باشد و خداوند به‌ خاطر همین‌ ماجرا آن‌ احكام‌ را در ابتدای‌ سوره‌ بیان‌ نموده‌ است‌.

به‌ هر حال‌ از آیه‌ی‌ 11 تا آیه‌ی‌ 26 مستقیماً و صراحتاً به‌ پاكی‌ و برائت‌ عایشه ل اشاره‌ دارد كه‌ ترجمه‌ی‌ مختصری‌ از این‌ آیات‌ تقدیم‌ می‌گردد.

 واقعه‌ی‌ افک‌ را ناگوار ندانيد

﴿إِنَّ ٱلَّذِينَ جَآءُو بِٱلۡإِفۡكِ عُصۡبَةٞ مِّنكُمۡۚ لَا تَحۡسَبُوهُ شَرّٗا لَّكُمۖ بَلۡ هُوَ خَيۡرٞ لَّكُمۡۚ لِكُلِّ ٱمۡرِيٕٖ مِّنۡهُم مَّا ٱكۡتَسَبَ مِنَ ٱلۡإِثۡمِۚ وَٱلَّذِي تَوَلَّىٰ كِبۡرَهُۥ مِنۡهُمۡ لَهُۥ عَذَابٌ عَظِيمٞ ١١﴾ [النور: 11].

«كسانی‌ كه‌ این‌ تهمت‌ بزرگ‌ را (درباره‌ی‌ عایشه ل ‌، ام‌المؤمنین‌) پرداخته‌ و سر هم‌ كرده‌اند، گروهی‌ از خود شما هستند، اما گمان‌ مبرید كه‌ این‌ حادثه‌ برایتان‌ بد است‌، بلكه‌ این‌ مسئله‌ برایتان‌ خوب‌ است‌ (و خیر شما در آن‌ است‌؛ چراكه‌ منافقان‌ كوردل‌ از مؤمنان‌ مخلص‌ جدا، و كرامت‌ بیگناهان‌ را پیدا، و عظمت‌ رنجیدگان‌ را هویدا می‌كند. برخی‌ از مسلمانان‌ ساده‌لوح‌ را به‌ خود می‌آورد. آنانی‌ كه‌ دست‌ به‌ چنین‌ گناهی‌ زده‌اند، هر یک به‌ اندازه‌ی‌ شركت‌ در این‌ اتهام‌، سهم‌ خود را از مسئولیت‌ و مجازات‌ آن‌ خواهند داشت‌ و) هر كدام‌ از آنان‌ به‌ گناه‌ كاری‌ كه‌ كرده‌ است‌، گرفتار می‌آید، و كسی‌ كه‌ (سر دسته‌ی‌ آنان‌ در این‌ توطئه‌ بود، و) بخش‌ عظیمی‌ از آن‌ را به‌ عهده‌ داشته‌ است‌، عذاب‌ بزرگ‌ و مجازات‌ سنگینی‌ دارد...».

خداوند سبحان‌ در اولین‌ آیه‌ای‌ كه‌ در مورد ماجرای‌ «افک» نازل‌ فرموده‌، می‌خواهد دل‌ رسول‌الله ، خاندان‌ ابوبكر صدّیق‌ و عایشه ی‌ مظلوم‌ ل را تسلّی‌ دهد و به‌ آنان‌ گوشزد می‌كند كه‌ این‌ واقعه‌ را اصلاً شرّ و ناگوار تصوّر نكنید، چه‌ بسا كارهای‌ شرّی‌ كه‌ پیش‌ شما ناگوار و ناپسند است‌، سراسر آن‌ خیر و نیكی‌ باشد. پس‌ پروردگار، بهتر حال‌ بندگان‌ و اوضاع‌ آنان‌ را می‌داند.

1. پروردگار با كلماتی‌ زیبا، مصیبت‌زدگان‌ را دلجویی‌ و تسلّی‌ می‌دهد. پس‌ فرد مؤمن‌ نیز در وقت‌ پیش‌آمدن‌ مشكلی‌ برای‌ مسلمانان‌، باید از كلمات‌ و جملات‌ زیبا برای‌ دلجویی‌ آنان‌ كار بگیرد و با سخنان‌ خویش‌ موجبات‌ آرامش‌ آنان‌ را فراهم‌ نماید.
2. ممكن‌ است‌ بسیاری‌ اوقات‌ انسان‌ مسلمان‌ از سوی‌ اطرافیان‌ خویش‌ مورد تهمت‌ قرار گیرد. نباید این‌ را دور از ذهن‌ تصوّر كرد، چه‌ بسا بدترین‌ تهمت‌ها از سوی‌ نزدیكان‌ باشد. پس‌ این‌ كار نباید موجب‌ شود انسان‌ مسلمان‌ خود را از تهمت‌ و شرّ نزدیكان‌ امین‌ بداند و به‌ هر كسی‌ اعتماد كند.
3. هر نوع‌ پیش‌آمد بدی‌ را شرّ و ناگوار تصوّر نكنید، بلكه‌ شاید در آن‌ خیرهای‌ فراوانی‌ برای‌ خود و اطرافیان‌ نهفته‌ باشد. پس‌ مهم‌ این‌ است‌ كه‌ ارتباط‌ با پروردگار را از دست‌ ندهید و در تمامی‌ اوقات‌ و احوال‌ به‌ او مراجعه‌ نمایید و از او كمک و استعانت‌ طلب‌ كنید.
4. این‌ واقعه‌ نه‌ تنها برای‌ حضرت‌ عایشه ل مایه‌ی‌ سرشكستگی‌ و بدنامی‌ نیست‌، بلكه‌ عزّت‌ و منزلت‌ ایشان‌ را بیشتر كرد. پس‌ می‌بینیم‌ برای‌ خاندان‌ رسول‌الله و بیت‌ ابوبكر و بسیاری‌ از مسلمانان‌، سراسر خیر بوده‌ است‌، هر چند روزگارانی‌ حُزن‌ و اندوه‌ و درد و رنج‌ را به‌ همراه‌ داشته‌ است‌.
5. هر كسی‌ به‌ اندازه‌ی‌ گناهش‌ سزا می‌بیند. افرادی‌ كه‌ طراحی‌ و رهبری‌ و اجرای‌ نقشه‌های‌ شوم‌ را به‌ عهده‌ دارند، بیشتر از دیگران‌ سزایشان‌ خواهند داد. پس‌ باید جایگاه‌ هر مجرمی‌ را به‌ خوبی دانست‌ و همگی‌ را با يک‌ ديد نگاه‌ نكرد.

**چرا زود قضاوت‌ می‌كنيد؟**

﴿لَّوۡلَآ إِذۡ سَمِعۡتُمُوهُ ظَنَّ ٱلۡمُؤۡمِنُونَ وَٱلۡمُؤۡمِنَٰتُ بِأَنفُسِهِمۡ خَيۡرٗا وَقَالُواْ هَٰذَآ إِفۡكٞ مُّبِينٞ ١٢﴾ [النور: 12].

«چرا وقتى آن را شنیدید، مردان و زنان مؤمن در حقّ خویش گمان نیک نبردند و نگفتند: این دروغى آشكار است».

1. بدون‌ تحقیق‌ نباید هر سخنی‌ را پذیرفت‌ و تا زمانی‌ كه‌ دلایل‌ قاطعی‌ در مورد آن‌ به‌ دست‌ نیامده‌، باید با حُسن‌ ظن‌ و گمان‌ نیک قضیه‌ را نگریست‌. پس‌ دامن‌ زدن‌ به‌ شایعه‌ و پخش‌ آن‌، ممنوع‌ است‌.
2. ارتباط‌ مسلمان‌ و محبّت‌ و مودّت‌ آنان‌ با یكدیگر باید به‌ قدری‌ باشد كه‌ مشكل‌ و مصیبت‌ برادر و خواهر مسلمانش‌ را مانند مصیبت‌ و مشكل‌ خویش‌ بداند. پس‌ همان‌طور كه‌ به‌ خویشتن‌ گمان‌ نیک می‌برد، باید در مورد مسلمانان‌ دیگر نیز این‌ چنین‌ بیندیشد. این‌ مسئله‌ آن‌ قدر مهم‌ است‌ كه‌ خداوند به‌ جای‌ اینكه‌ بفرماید: نسبت‌ به‌ دیگران‌ حسن‌ ظن‌ و گمان‌ نیک داشته‌ باشید. می‌فرماید: به‌ خودتان‌ حُسن‌ ظن‌ داشته‌ باشید. یعنی‌ همان‌گونه‌ كه‌ انجام‌ این‌ كارها از خودتان‌ را بعید می‌دانید، از برادر و خواهر مسلمانتان‌ نیز آن‌ را بعید بپندارید.
3. اگر در مورد مسلمانی‌ كلمات‌ زشت‌ و ناروایی‌ را شنیدید، زود آن‌ را باور ندارید و بر آن‌ هم‌ نیفزایید، بلكه‌ وظیفه‌ی‌ مؤمن‌ این‌ است‌ كه‌ آن‌ تهمت‌ها را از مؤمنان‌ دور كند و در همان‌ وهله‌ی‌ اول‌ بگوید: نه‌! این‌ سخن‌ كاملاً اشتباه‌ و دروغ‌ بزرگی‌ است‌. پس‌ حفظ‌ آبرو و جایگاه‌ افراد دیگر، اهمیت‌ زیادی‌ در اسلام‌ دارد. و در برابر شایعات‌ بی‌اساس‌ و ناروا در مورد مؤمنان‌، سكوت‌ كردن‌ جایز نیست‌.

 چرا برای‌ ادعايتان‌ شاهد نمی‌آوريد؟

﴿لَّوۡلَا جَآءُو عَلَيۡهِ بِأَرۡبَعَةِ شُهَدَآءَۚ فَإِذۡ لَمۡ يَأۡتُواْ بِٱلشُّهَدَآءِ فَأُوْلَٰٓئِكَ عِندَ ٱللَّهِ هُمُ ٱلۡكَٰذِبُونَ ١٣﴾ [النور: 13].

«چرا بر آن چهار گواه نیاوردند؟ پس چون گواهان را نیاوردند آنان در نزد خداوند دروغگو هستند».

1. سخن‌ كسی‌ را كه‌ به‌ دیگران‌ تهمت‌ می‌زند نباید باور كرد و در مقابل‌ نیز باید از او دلیل‌ و مدرک و شاهد خواست‌؛ چراكه‌ در جامعه‌ی‌ اسلامی‌ نباید ساده‌لوحی‌ و زودباوری‌ رواج‌ داشته‌ باشد وگرنه‌ هر فرد مغرضی‌ آبروی‌ مسلمانان‌ را لكه‌دار می‌كند. پس‌ برای‌ اثبات‌ مدعای‌ خویش‌ باید شاهد و گواه‌ بیاورد.
2. اگر فرد تهمت‌زننده‌ نتوانست‌ شاهد و مدرک قانع‌ كننده‌ای‌ برای‌ ادعایش‌ بیاورد، باید دیگر به‌ سخنان‌ او توجه‌ ننمود، و حتی‌ او را خوار و ذلیل‌ و تنبیه‌ بدنی‌ كرد تا دیگر جرأت‌ نكند به‌ كسی‌ تهمت‌ بزند.

**لطف‌ و رحمت‌ پروردگار هميشه‌ با مؤمنان‌ است‌**

﴿وَلَوۡلَا فَضۡلُ ٱللَّهِ عَلَيۡكُمۡ وَرَحۡمَتُهُۥ فِي ٱلدُّنۡيَا وَٱلۡأٓخِرَةِ لَمَسَّكُمۡ فِي مَآ أَفَضۡتُمۡ فِيهِ عَذَابٌ عَظِيمٌ ١٤﴾ [النور: 14].

«اگر تفضل‌ و مرحمت‌ خدا در دنیا (با عدم‌ تعجیل‌ عقوبت‌) و در آخرت‌ (با مغفرت‌) شامل‌ حال‌ شما نمی‌شد، هر آینه‌ به‌ سبب‌ خوض‌ و فرو رفتنتان‌ در كار تهمت‌، عذاب‌ سخت‌ و بزرگی‌ گریبان‌گیرتان‌ می‌گردید».

1. انسان‌ مؤمن‌ باید بداند كه‌ اگر لطف‌ و رحمت‌ خداوندی‌ شامل‌ حالش‌ نشود، خیلی‌ زود به‌ هلاكت‌ و نابودی‌ می‌رود، آن‌ هم‌ به‌ سبب‌ اعمال‌ ناشایست‌ خودش‌، اما پروردگار مهربان‌ در تمام‌ احوال‌ با لطف‌ و كَرَم‌ خویش‌ دست‌ او را می‌گیرد و از پرتگاه‌های‌ گمراهی‌ و بدبختی‌ او را نجات‌ می‌دهد.
2. انسان‌ مؤمن‌ باید مواظب‌ باشد آنچه‌ به‌ ذهنش‌ خطور می‌كند بر زبان‌ نیاورد؛ چراكه‌ ممكن‌ است‌ این‌ سخنان‌ بی‌اساس‌، سَرَش‌ را به‌ باد دهد و عذاب‌ الهی‌ را در دنیا و آخرت‌ شامل‌ حالش‌ كند. پس‌ در این‌ مورد هم‌ لطف‌ و رحمت‌ الهی‌ است‌ كه‌ انسان‌ را به‌ خاطر تمامی‌ گفته‌هایش‌ عذاب‌ نمی‌دهد، وگرنه‌ در مقابل‌ آن‌ تهمت‌های‌ ناروا و آن‌ سخنان‌ بی‌اساس‌ كه‌ آدمی‌ بر زبان‌ جاری‌ می‌گرداند چه‌ بسا دچار عذاب‌های‌ دردناكی‌ شود.

تهمت‌ به‌ ديگران‌ را كوچک‌ نشماريد!

﴿إِذۡ تَلَقَّوۡنَهُۥ بِأَلۡسِنَتِكُمۡ وَتَقُولُونَ بِأَفۡوَاهِكُم مَّا لَيۡسَ لَكُم بِهِۦ عِلۡمٞ وَتَحۡسَبُونَهُۥ هَيِّنٗا وَهُوَ عِندَ ٱللَّهِ عَظِيمٞ ١٥﴾ [النور: 15].

«چون [كه آن تهمت بزرگ را] زبان به زبان از یكدیگر مى‏گرفتید و با دهان‏هایتان چیزى مى‏گفتید كه هیچ معرفت و شناختى به آن نداشتید و آن را [عملى‏] ناچیز و سبک مى‏پنداشتید و در حالى كه نزد خدا بزرگ بود».

1. نباید هر حرفی‌ را بدون‌ تحقیق‌ قبول‌ كرد.
2. گفته‌ها باید براساس‌ علم‌ و آگاهی‌ كافی‌ در مورد موضوع‌ باشد و نباید در مورد چیزی‌ كه‌ آگاهی‌ ندارید، رأی‌ صادر كنید.
3. با آبرو و حیثیت‌ مردم‌ نباید بازی‌ كرد و آن‌ را سبک و خالی‌ از اشكال‌ تصوّر نكنید.
4. اشاعه‌ و نشر شایعات‌ بی‌اساس‌ مخصوصاً در موارد مهم‌ كه‌ آبروی‌ مسلمانی‌ را به‌ خطر بیندازد، از گناهان‌ كبیره‌ به‌ شمار می‌آید. و شاید این‌ سخنان‌ پیش‌ خودتان‌ بی‌ارزش‌ باشد و آن‌ را چیزی‌ ندانید، اما نزد خداوند بسیار بزرگ‌ است‌.

﴿وَلَوۡلَآ إِذۡ سَمِعۡتُمُوهُ قُلۡتُم مَّا يَكُونُ لَنَآ أَن نَّتَكَلَّمَ بِهَٰذَا سُبۡحَٰنَكَ هَٰذَا بُهۡتَٰنٌ عَظِيمٞ ١٦﴾ [النور: 16].

«چرا نمی‌بایستی‌ وقتی‌ كه‌ آن‌ را می‌شنیدید، می‌گفتید: ما را نسزد كه‌ زبان‌ بدین‌ تهمت‌ بگشاییم‌، سبحان‌ الله! این‌ بهتان‌ بزرگی‌ است‌!...».

 مؤمنان‌ بايد پندهای‌ قرآنی‌ را گوش‌ دهند

﴿يَعِظُكُمُ ٱللَّهُ أَن تَعُودُواْ لِمِثۡلِهِۦٓ أَبَدًا إِن كُنتُم مُّؤۡمِنِينَ ١٧﴾ [النور: 17].

«خداوند نصیحت‌تان‌ می‌كند، اینكه‌ اگر مؤمنید، نكند هرگز چنین‌ كاری‌ را تكرار كنید (و خویشتن‌ را آلوده‌ چنین‌ معصیتی‌ سازید؛ چراكه‌ ایمان‌ راستین‌، با تهمت‌ دروغین‌ سر سازگاری‌ ندارد)».

1. ثبت‌ این‌ داستان‌ها در قرآن‌ برای‌ عبرت‌ مؤمنان‌ است‌.
2. انسان‌ همیشه‌ به‌ موعظه‌ و نصیحت‌ نیازمند است‌ مخصوصاً موعظه‌ و پندهایی‌ كه‌ الهی‌ باشند.
3. بازگویی‌ داستان‌های‌ عبرت‌انگیز فواید زیادی‌ دارد از جمله‌ آن‌ كه‌ دیگران‌ به‌ سوی‌ چنین‌ كارهایی‌ نروند.
4. دامن‌ زدن‌ به‌ داستان‌ افک و عدم‌ پذیرش‌ برائت‌ حضرت‌ عایشه‌ی‌ صدیقه‌ ل از فرد مؤمن‌ بدور است‌.

﴿وَيُبَيِّنُ ٱللَّهُ لَكُمُ ٱلۡأٓيَٰتِۚ وَٱللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ ١٨﴾ [النور: 18].

«خداوند آیات‌ (احكام‌ واضح‌ و روشن‌ خود) را برای‌ شما بیان‌ می‌دارد، و خدا بس‌ آگاه‌ (است‌ از نیازهای‌ شما و عوامل‌ بدی‌ و خوبی‌ زندگی‌تان‌ با خبر است‌) و حكیم‌ است‌ (و به‌ مقتضای‌ حكمتش‌ احكام‌ و قوانین‌ را برایتان‌ وضع‌ می‌كند)...».

1. صدور چنین‌ حكم‌های‌ صریحی‌ به‌ خاطر آسایش‌ خود انسان‌هاست‌.
2. بیان‌ احكام‌ گوناگون‌ از سوی‌ پروردگار، نشانه‌ی‌ دلسوزی‌ او تعالی‌ نسبت‌ به‌ بندگانش‌ می‌باشد.
3. دستورات‌ دینی‌، حلال‌ و حرام‌ كردن‌ كارها، باید از جانب‌ خداوند باشد، نه‌ انسان‌ها.
4. پیش‌ آمدن‌ این‌ قضیه‌ (افک) و باز هم‌ بازگو كردن‌ آن‌ در قرآن‌ بنا به‌ حكمت‌ و علم‌ پروردگاری‌ می‌باشد.

 عذاب‌ دردناک‌ برای نشر كنندگان‌ توهين‌ به‌ عايشه ل**‌**

﴿إِنَّ ٱلَّذِينَ يُحِبُّونَ أَن تَشِيعَ ٱلۡفَٰحِشَةُ فِي ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ لَهُمۡ عَذَابٌ أَلِيمٞ فِي ٱلدُّنۡيَا وَٱلۡأٓخِرَةِۚ وَٱللَّهُ يَعۡلَمُ وَأَنتُمۡ لَا تَعۡلَمُونَ ١٩﴾ [النور: 19].

«بی‌گمان‌ كسانی‌ كه‌ دوست‌ می‌دارند گناهان‌ بزرگی‌ (همچون‌ زنا) در میان‌ مؤمنان‌ پخش‌ گردد، ایشان‌ در دنیا و آخرت‌، شكنجه‌ و عذاب‌ دردناكی‌ دارند. خداوند می‌داند (عواقب‌ شوم‌ و آثار مرگبار فحشاء را) و شما نمی‌دانید (ابعاد مختلف‌ پخش‌ گناهان‌ و پلشتی‌ها را)...».

1. افرادی‌ كه‌ امروز هم‌ با قلم‌، زبان‌ و فیلم‌ و... تلاش‌ می‌كنند كه‌ خاندان‌ و اصحاب‌ پیامبر را لكه‌دار كنند، برای‌ آنها عذاب‌ دردناكی‌ آماده‌ شده‌ است‌.
2. آنانی‌ كه‌ دوست‌ دارند امروز هم‌ همان‌ شایعات‌ بی‌اساس‌ ابن‌سلول‌ را تكرار كرده‌ و از این‌ آب‌ گل‌آلود ماهی‌ بگیرند، به‌ زودی‌ به‌ سزای‌ اعمالشان‌ خواهند رسید.
3. منافقان‌ در محافل‌ خصوصی‌شان‌ حرف‌های‌ بدتری‌ را در مورد ام‌المؤمنین‌ و اصحاب‌ رسول‌الله بازگو می‌كنند كه‌ شماها نمی‌دانید و فقط‌ خداوند از قبح‌ و زشتی‌ آن‌ خبر دارد، به‌ همین‌ جهت‌ عذاب‌ شدید و دردناک را برای‌ آنان‌ در نظر گرفته‌ است‌.
4. باید عیب‌ و گناه‌ مسلمان‌ را پوشید و علاقه‌ به‌ پخش‌ شایعات‌ نشانه‌ی‌ بی‌ایمانی‌ است‌.

﴿وَلَوۡلَا فَضۡلُ ٱللَّهِ عَلَيۡكُمۡ وَرَحۡمَتُهُۥ وَأَنَّ ٱللَّهَ رَءُوفٞ رَّحِيمٞ ٢٠﴾ [النور: 20].

«و اگر فضل و رحمت الهى شامل حال شما نبود و اینكه خدا مهربان و رحیم است (مجازات سختى دامانتان را مى‏گرفت)!».

یعنی: (آن‌ چنان‌ مجازات‌ بزرگ‌ و كمر شكنی‌ در برابر تهمت‌ زنا به‌ ام‌المؤمنین‌ برایتان‌ در دنیا تعیین‌ می‌كرد، كه‌ زندگی‌تان‌ را تباه‌ می‌كرد).

1. اگركسی‌ تا حال‌ هم‌ دنباله‌رو این‌ فكر پلید و شایعات‌ بی‌اساس‌ بوده‌، حالا می‌تواند توبه‌ كند.
2. پروردگار با لطف‌ و رحمت‌ خویش‌ از گناه‌ توبه‌كنندگان‌ خواهد گذشت‌، پس‌ بیایید از این‌ اقدام‌ شوم‌، یعنی‌ بدنامی‌ عایشه ی‌ صدیقه‌ ل دست‌ بكشید.

 **توهين‌ كنندگان‌ به‌ عايشه** ل**، پيروان‌ و رهروان‌ شيطان‌ هستند**

﴿يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ لَا تَتَّبِعُواْ خُطُوَٰتِ ٱلشَّيۡطَٰنِۚ وَمَن يَتَّبِعۡ خُطُوَٰتِ ٱلشَّيۡطَٰنِ فَإِنَّهُۥ يَأۡمُرُ بِٱلۡفَحۡشَآءِ وَٱلۡمُنكَرِۚ وَلَوۡلَا فَضۡلُ ٱللَّهِ عَلَيۡكُمۡ وَرَحۡمَتُهُۥ مَا زَكَىٰ مِنكُم مِّنۡ أَحَدٍ أَبَدٗا وَلَٰكِنَّ ٱللَّهَ يُزَكِّي مَن يَشَآءُۗ وَٱللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٞ ٢١﴾ [النور: 21].

«اى مؤمنان، از گامهاى شیطان پیروى مكنید و هر كس كه از گامهاى شیطان پیروى كند [بداند] كه او به [كارهاى‏] ناشایست و ناپسند، فرمان مى‏دهد. و اگر فضل خدا و رحمت او بر شما نمى‏بود، هرگز هیچ كس از شما پاک نمى‏شد ولى خداوند هر كس را بخواهد پاک مى‏دارد و خداوند شنواى دانا است‏».

1. افرادی‌ كه‌ تهمت‌ زنا و فاحشه‌گری‌ را ـ نعوذبالله ـ به‌ عایشه‌ی‌ صدیقه‌ ل نسبت‌ می‌دهند، شیطان‌ و از فرزندان‌ ابلیس‌ هستند.
2. ای‌ جوانان‌! و ای‌ مؤمنان‌! به‌ حرف‌های‌ این‌ افراد گوش‌ ندهید كه‌ اینان‌ نمایندگان‌ شیطان‌ هستند. پس‌ گام‌های‌ اینان‌ را دنبال‌ نكنید.
3. كسانی‌ كه‌ دنباله‌رو سخنان‌ مغرضانه‌ و شیادانه‌ی‌ عالمان‌ ظاهرنما و بی‌دینان‌ چند چهره‌، گردند بدانند كه‌ این‌ شیادان‌ شما را فقط‌ به‌ فحش‌ و ناسزا گفتن‌ به‌ عایشه‌ی‌ صدیقه‌ ل و اصحاب‌ و یاران‌ رسول‌الله امر می‌كنند.
4. برای‌ نجات‌ از این‌ مهلكه‌ و این‌ دام‌ شیطانی‌، دست‌ به‌ دعا بردارید و به‌ سوی‌ خداوند رجوع‌ كنید تا با فضل‌ و لطف‌ خویش‌ شما را راهنمایی‌ كند. و از گناه‌ سخنان‌ گذشته‌ شما را پاک گرداند.
5. رسیدن‌ به‌ تزكیه‌ی‌ واقعی‌ بدون‌ لطف‌ و توفیق‌ الهی‌ میسّر نخواهد بود.

 **ای‌ ابوبكر بزرگوار! زود قسم‌ مخور!**

﴿وَلَا يَأۡتَلِ أُوْلُواْ ٱلۡفَضۡلِ مِنكُمۡ وَٱلسَّعَةِ أَن يُؤۡتُوٓاْ أُوْلِي ٱلۡقُرۡبَىٰ وَٱلۡمَسَٰكِينَ وَٱلۡمُهَٰجِرِينَ فِي سَبِيلِ ٱللَّهِۖ وَلۡيَعۡفُواْ وَلۡيَصۡفَحُوٓاْۗ أَلَا تُحِبُّونَ أَن يَغۡفِرَ ٱللَّهُ لَكُمۡۚ وَٱللَّهُ غَفُورٞ رَّحِيمٌ ٢٢﴾ [النور: 22].

«كسانی‌ كه‌ از شما اهل‌ فضیلت‌ و فراخی‌ نعمتند، (همانند ابوبكر صدیق ‌) نباید سوگند بخورند اینكه‌ بذل‌ و بخشش‌ خود را از نزدیكان‌ و مستمندان‌ مهاجرین‌ در راه‌ خدا باز می‌گیرند (به‌ علت‌ اینكه‌ در ماجرای‌ افک دست‌ داشته‌ و به‌ آن‌ دامن‌ زده‌اند) باید عفو كنند و گذشت‌ نمایند. مگر دوست‌ نمی‌دارید خداوند شما را بیامرزد؟ (همان‌گونه‌ كه‌ دوست‌ دارید خدا از لغزش‌هایتان‌ چشم‌پوشی‌ فرماید، شما نیز اشتباهات‌ دیگران‌ را نادیده‌ بگیرید و به‌ این‌گونه‌ كارهای‌ خیر ادامه‌ دهید) و خدا آمرزگار و مهربان‌ است‌ (پس‌ خویشتن‌ را متأدب‌ و متصف‌ به‌ آداب‌ آفریدگارتان‌ سازید)».

1. عظمت‌ ابوبكر صدّیق‌ و نقش‌ او در جامعه‌ی‌ اسلامی‌، كه‌ خداوند او را اهل‌ فضل‌ و كَرَم‌ معرفی‌ می‌نماید.
2. ابوبكر نه‌ تنها در جنبه‌ی‌ مادی‌، بلكه‌ در بُعد معنوی‌ نیز از همه‌ برتر است‌.
3. انسان‌ نباید در مقابل‌ ناسپاسی‌ و گناه‌ دیگران‌، كمك‌هایش‌ را به‌ آنها قطع‌ كند.
4. مؤمن‌ باید از خطا و لغزش‌ برادر و خواهر مسلمانش‌ بگذرد.
5. اگر كسی‌ طالب‌ عفو و بخشش‌ الهی‌ است‌، پس‌ باید خودش‌ نیز دیگران‌ را ببخشد و از خطایشان‌ چشم‌پوشی‌ نماید.
6. چشم‌پوشی‌ از خطای‌ دیگران‌ و قبول‌ كردن‌ عذر آنان‌، نشانه‌ی‌ علاقه‌ به‌ مغفرت‌ الهی‌ می‌باشد.

 لعنت‌ خدا بر آنان‌ كه‌ به‌ پاكدامنانی‌ همچون‌ عايشه ل‌ تهمت‌ می‌زنند

﴿إِنَّ ٱلَّذِينَ يَرۡمُونَ ٱلۡمُحۡصَنَٰتِ ٱلۡغَٰفِلَٰتِ ٱلۡمُؤۡمِنَٰتِ لُعِنُواْ فِي ٱلدُّنۡيَا وَٱلۡأٓخِرَةِ وَلَهُمۡ عَذَابٌ عَظِيمٞ ٢٣﴾ [النور: 23].

«كسانی‌ كه‌ زنان‌ پاكدامن‌ بی‌خبر (از هرگونه‌ آلودگی‌ و) ایماندار را به‌ زنا متهم‌ می‌سازند، در دنیا و آخرت‌ از رحمت‌ خدا دور و عذاب‌ عظیمی‌ دارند (اگر توبه‌ نكنند)».

1. تهمت‌ زدن‌ به‌ حضرت‌ عایشه ی‌ صدیقه‌ ل نفرین‌ خداوند را در دنیا و آخرت‌ به‌ دنبال‌ دارد.
2. پروردگار خودش‌ شخصاً تهمت‌ زنندگان‌ به‌ عایشه ‌ی‌ صدیقه‌ ل و هر زن‌ پاكدامن‌ دیگری‌ را، لعنت‌ و نفرین‌ كرده‌ و عذاب‌ بزرگ‌ و شدیدی‌ را برای‌ آنان‌ مهیا نموده‌ است‌.
3. لعن‌ و نفرین‌ از سوی‌ خدا، نشانه‌ی‌ اهمیت‌ موضوع‌ و جایگاه‌ شخصیتی‌ است‌ كه‌ مورد اتهام‌ قرار می‌گیرد.
4. در قرآن‌ شدیدترین‌ وعید برای‌ تهمت‌زنندگان‌ به‌ عایشه ل ‌ و عایشه‌ صفت‌ها می‌باشد كه‌ نفرین‌ و عذاب‌ را با هم‌ ذكر كرده‌ است‌.

 **تهمت‌ زنندگان‌ در روز قيامت‌ رسوا می‌شوند**

﴿يَوۡمَ تَشۡهَدُ عَلَيۡهِمۡ أَلۡسِنَتُهُمۡ وَأَيۡدِيهِمۡ وَأَرۡجُلُهُم بِمَا كَانُواْ يَعۡمَلُونَ ٢٤﴾ [النور: 24].

 «(آنان‌ عذاب‌ عظیمی‌ دارند) در آن‌ روزی‌ كه‌ علیه‌ آنان‌ زبان‌ و دست‌ و پای‌ ایشان‌ به‌ كارهایی‌ كه‌ كرده‌اند، گواهی‌ می‌دهند».

1. آنانی‌ كه‌ با زبان‌شان‌ در سخنرانی‌ها و روضه‌خوانی‌ها توهین‌ می‌كردند.
2. آنانی‌ كه‌ با قلم‌ مسمومشان‌ در صدد نشر این‌ شایعات‌ بوده‌اند و در كتاب‌ و روزنامه‌ها به‌ عایشه ‌ی‌ صدیقه‌ ل اهانت‌ كرده‌اند.
3. آنانی‌ كه‌ با پاهایشان‌ دنبال‌ درست‌ كردن‌ فیلم‌ و تئاتر و... بوده‌اند. تمامی‌شان‌ دچار عذاب‌ سخت‌ الهی‌ خواهند شد؛ چراكه‌ این‌ اعضایشان‌ علیه‌ آنان‌ گواهی‌ خواهند داد.

﴿يَوۡمَئِذٖ يُوَفِّيهِمُ ٱللَّهُ دِينَهُمُ ٱلۡحَقَّ وَيَعۡلَمُونَ أَنَّ ٱللَّهَ هُوَ ٱلۡحَقُّ ٱلۡمُبِينُ٢٥﴾ [النور: 25].

«در آن‌ روز خداوند جزای‌ واقعی‌ آنان‌ را بی‌ كم‌ و كاست‌ بدیشان‌ می‌دهد، و آگاه‌ می‌گردند كه‌ خداوند حق‌ آشكار است‌ (و روز قیامت‌ در حقانیت‌ پروردگار شک و تردیدی‌ برای‌ سرسخت‌ترین‌ لجوج‌ها هم‌ نمی‌ماند)».

1. نباید در دنیا انتظار داشت‌ كه‌ تهمت‌زنندگان‌ به‌ سزای‌ كامل‌ اعمالشان‌ برسند، بلكه‌ سزای‌ كامل‌ كارهایشان‌ را در قیامت‌ خواهند دید.
2. در آن‌ روز خواهند دانست‌ چه‌ دسته‌گلی‌ به‌ آب‌ داده‌اند و چه‌ عفیفه‌ و شخصیتی‌ را به‌ باد انتقاد و فحش‌ و ناسزا گرفته‌اند.
3. در آن‌ روز پشیمانی‌ سودی‌ ندارد؛ چراكه‌ هر كسی‌ آن‌ وقت‌ خواهد فهمید كه‌ حق‌ كدام‌ است‌.

 **عايشه** ل**‌ شايسته‌ی‌ رسول‌الله**

﴿ٱلۡخَبِيثَٰتُ لِلۡخَبِيثِينَ وَٱلۡخَبِيثُونَ لِلۡخَبِيثَٰتِۖ وَٱلطَّيِّبَٰتُ لِلطَّيِّبِينَ وَٱلطَّيِّبُونَ لِلطَّيِّبَٰتِۚ أُوْلَٰٓئِكَ مُبَرَّءُونَ مِمَّا يَقُولُونَۖ لَهُم مَّغۡفِرَةٞ وَرِزۡقٞ كَرِيمٞ ٢٦﴾ [النور: 26].

«زنان‌ ناپاک، از آن‌ِ مردان‌ ناپاكند، و مردان‌ ناپاک از آن‌ زنان‌ ناپاكند. و زنان‌ پاک متعلق‌ به‌ مردان‌ پاكند و مردان‌ پاک متعلق‌ به‌ زنان‌ پاكند. (پس‌ چگونه‌ تهمت‌ می‌زنید به‌ عایشه ‌ی‌ عفیفه‌ رزین‌، همسر محمد امین‌، فرستاده‌ رب‌ العالمین‌؟!) آنان‌ از نسبت‌های‌ ناموسی‌ و ناروایی‌ كه‌ بدانان‌ داده‌ می‌شود مبرّا و منزّه‌ هستند، (و به‌ همین‌ دلیل‌) ایشان‌ از مغفرت‌ الهی‌ برخوردارند و دارای‌ روزی‌ ارزشمندند (كه‌ بهشت‌ جاویدان‌ و نعمت‌های‌ غیرقابل‌ تصور آن‌ است‌)»([[19]](#footnote-19)).

1. سخنان‌ زشت‌ و قبیح‌ مانند این‌ نوع‌ تهمت‌ها و توهین‌ها به‌ همسران‌ پیامبر و اصحاب‌ و یاران‌ رسول‌الله ، لایق‌ و شایسته‌ی‌ دهان‌ افراد خبیث‌ و ناپاک است‌.
2. افراد گمراه‌ و بدبخت‌، اكثراً سخنان‌ زشت‌ و نادرست‌ از دهانشان‌ بیرون‌ می‌آید و برای‌ همین‌ كار نیز شایستگی‌ دارند.
3. سخنان‌ مبارک و مؤدّبانه‌ در مورد همسران‌ رسول‌الله و اصحاب‌ و یارانش‌، لایق‌ و شایسته‌ی‌ پیروان‌ راستین‌ رسول‌الله و اصحاب‌ و یارانش‌ می‌باشد و اینان‌ هیچگاه‌ سخنان‌ بی‌ادبانه‌ و زشت‌ را نسبت‌ به‌ هیچ‌كدام‌ از همسران‌ و یاران‌ پیامبر بر زبان‌ جاری‌ نمی‌كنند.
4. زنان‌ ناپاک و فاحشه‌، فقط‌ شایسته‌ی‌ مردانی‌ ناپاک و بدبخت‌ همچون‌ خویش‌ هستند. و زنان‌ پاک و عفیفه‌ای‌ همچون‌ عایشه ی‌ صدیقه‌ ل لایق‌ و شایسته‌ی‌ مردانی‌ پاک و مبارک همچون‌ رسول‌ اكرم‌ می‌باشند.
5. چون‌ رسول‌الله پاک و بی‌غل‌ و غش‌ است‌، خداوند زنی‌ پاک و بی‌غل‌ و غش‌ (مانند عایشه ل ‌ و حفصه ل ‌ و دیگر ازواج‌ مطهرات‌) را برای‌ همراهی‌ و صحبت‌ زندگی‌ دنیا و آخرتش‌ برگزیده‌ است‌.
6. قرآن‌ در این‌ آیه‌ صراحتاً و بی‌پرده‌ اعلام‌ می‌دارد، آنچه‌ در مورد عایشه ل در زمان‌ رسول‌الله گفته‌ می‌شد، و آنچه‌ امروز و یا در آینده‌ گفته‌ می‌شود، همگی‌ دروغ‌ و بی‌اساس‌ است‌ و عایشه ل ‌ از تمامی‌ این‌ تهمت‌ها پاک و بَری‌ است‌.
7. در مقابل‌ این‌ تهمت‌های‌ ناروا و درد و رنج‌ تحمل‌ شنیدن‌ آن‌، خداوند به‌ این‌ عزیزان‌ (عایشه ل ‌ و دیگر زنان‌ پاكدامن‌ و بی‌گناه‌)، مغفرت‌ و رضوان‌ خویش‌ و همچنین‌ باغ‌های‌ بهشت‌ را تقدیم‌ نموده‌ است‌.

 **در بيان‌ افك‌ عايشه** ل ([[20]](#footnote-20))

آنكه‌ آوردند از سستی‌ دین‌كذبی‌ اندر شأن‌ ام‌ المؤمنین‌
لغو گفتند از شما جمعی‌ فضول‌در مقام‌ عایشه، جفت‌ رسول‌
چون‌ كه‌ می‌گشتند باز از مصطلق‌ماند او از كاروان‌ با حفظ‌ حق‌
رفته‌ نزدیک مدینه‌ یک شبی‌او خود از هودج‌ برون‌ از مطلبی‌
همرهان‌ رفتند و او بر جای‌ ماندمردی‌ او را برد و بر منزل‌ رساند
شرح‌ آن‌ در نظم‌ ما ناید به‌ كاربد دلان‌ گفتند حرفی‌ زشت‌ و خوار
آمد این‌ آیت‌ كه‌ جمعی‌ از شمابر وی‌ آوردند حرفی‌ ناروا
بهر خویش‌ آن‌ را مپندارید زشت‌بل‌ شما را بهتر است‌ آن‌ در سرشت‌
هر گروهی‌ ز اهل‌ بهتان‌ را جزاهست‌ زآنچه‌ كرده‌ كسب‌ او از خطا
وآن‌كه‌ بگرفت‌ او معظم‌تر از آن‌مر عذابی‌ اعظم‌ است‌ او را چنان‌
چون‌ شنید این‌ مردوزن‌ ازاهل‌ كیش‌ظن‌ نبردند از چه‌ بر نیكی‌ خویش‌
یعنی‌ آن‌ سان‌ كه‌ ز بهر خویشتن‌چشم‌ نیكی‌ داشتند از ذوالمنن‌
تا بگفتند این‌ بود افكی‌ مُبین‌نیست‌ اندر حق‌ او شایسته‌ این‌
از چه‌ ناوردید بر این‌ قول‌ بدچار شاهد گرنبود آن‌ كذب‌ و رد
چار شاهد پس‌ نیاوردند چون‌ نزد حق‌اند آن‌ جماعت‌، كاذبون‌
گر نبُد فضل‌ خدا و رحمتش‌در دو دنیا می‌رسد از حضرتش‌
در هر آنچه‌ خوض‌ كردید اندر آن‌مر عذابی‌ بر شما سخت‌ و گران‌
آن‌ زمان‌ كه‌ برگرفتند آن‌ سخن‌بر زبان‌ و گفتشان‌ بُد بر دهن‌
آنچه‌ نی‌ علمی‌ بر آن‌ می‌داشتندوآن‌ سخن‌ را سهل‌ می‌پنداشتند
وآن‌ به‌ نزد حق‌ بسی‌ باشد عظیم‌كه‌ شما گفتید بی‌تشویش‌ و بیم‌
ازچه‌ وقتی‌ كه‌ شنیدید آن‌ سخن‌می‌ نگفتید این‌ به‌ نفس‌ خویشتن‌
كه‌ این‌ تكلم‌ نیست‌ از ما بر سزاحق‌ بود پاک و منزه‌ زین‌ خطا
یعنی‌ از اینكه‌ كند كس‌ از ستم‌قدح‌ بر جفت‌ رسول‌ محترم‌
هست‌ بهتانی‌ بزرگ‌ البته‌ این‌در حریم‌ پاک خیرالمرسلین‌
حق‌ شما را می‌نماید وعظ‌ پس‌تا به‌ مثل‌ این‌ نگوید باز كس‌
عود بر این‌ گفت‌ نارید هیچ‌ بازگر شما دارید بر ایمان‌ نیاز
حق‌ مبین‌ بر شما آیات‌ خویش‌می‌كند زالطاف‌ از اندازه‌ بیش‌
باشد او دانا به‌ حال‌ نیک و بدراست‌ كاندر امور و معتمد
آن‌كسان‌ كه‌ دوست‌ دارند اینكه‌ فاش‌مَر زنای‌ مؤمنان‌ گردد بجاش‌
رنجشان‌ سخت‌ است‌ اندر دو سراو آنچه‌ حق‌ داند ندانید آن‌ شما
گر نبُد فضل‌ خدا و رحمتش‌ كه‌ رئوفست‌ و رحیم‌ آن‌ حضرتش‌
بر شما از حق‌ عقوبت‌ می‌رسیدبس‌ عیوب‌ مختفی‌ گشتی‌ پدید
ای‌ گروه‌ مؤمنان‌ بر ماوقع‌ گام‌ شیطان‌ را نباشید از تبع‌
در اشاعه‌ فعل‌ زشت‌ و فاحشه‌خاصه‌ بر عمیا به‌ قذف‌ عایشه‌
گام‌ بر خطوات‌ شیطان‌ هر كه‌ هشت‌دیو امرش‌ می‌كند بر كار زشت‌
تا كه‌ گردد ظاهر از وی‌ ناپسندهم‌ نباشد هیچ‌ سود او را زپند
گر نبودی‌ فضل‌ و رحمت‌ از خداكس‌ نگشتی‌ پاک هرگز از شما
تا ابد بودید در افک و دروغ‌تا زمان‌ مرگ‌ یعنی‌ از بلوغ‌
لیک خواهد هر كه‌ را حق‌ بی‌ زبیم‌پاک سازد كو سمیع‌ است‌ و علیم‌

\* \* \*

**برائت‌ عايشه** ل**‌ نه‌ فردي‌ ديگر**

در مورد شأن‌ نزول‌ آیات‌ یاد شده‌، و ارتباط‌ آن‌ با اعلام‌ و اثبات‌ پاكی‌ و طهارت‌ عایشه ی صدیقه‌ ل و خاندان‌ پیامبر و ابوبكر صدیق‌ تمام‌ مفسرین‌ و سیره‌نگاران‌ و مورّخان‌، اتفاق‌ رأی‌ و نظر دارند كه‌ این‌ آیات‌ بدون‌ هیچ‌ شک و شبهه‌ای‌ در شأن‌ عایشه‌ی‌ صدیقه‌ ل نازل‌ شده‌ و منظور، برائت‌ و پاكی‌ عایشه ی‌ صدیقه‌ ل از افترا و تهمتی‌ است‌ كه‌ منافقان‌ برایشان‌ بسته‌ بودند.

در این‌ باره‌ نویسندگان‌ اهل‌ تشیع‌ نیز بر همین‌ باورند و روایت‌ ضعیفی‌ كه‌ بعضی‌ها در كتاب‌های‌ شیعه‌ نقل‌ كرده‌اند، نزد بزرگان‌ شیعه‌ اعتبار ندارد.

علامه‌ طباطبایی‌، صاحب «المیزان‌» همچون‌ تمامی‌ مفسران‌ جهان‌ اسلام‌، داستان‌ افک و شیوه‌ نزول‌ این‌ آیات‌ را در شأن‌ حضرت‌ عایشه صدیقه‌ ل نقل‌ كرده‌ است‌.

آیت‌الله مكارم‌ شیرازی‌ در تفسیر «نمونه‌» به‌ همین‌ نظریه‌ اعتماد كرده‌ است‌ و آورده‌؛ آنچه‌ در مورد شأن‌ نزول‌ این‌ آیات‌ وجود دارد، دو روایت‌ است‌، یكی‌ كه‌ تمام‌ مفسران‌ جهان‌ اسلام‌ و حتی‌ مفسران‌ شیعه‌ آن‌ را ذكر كرده‌اند، این‌ است‌ كه‌ در مورد پاكی‌ و برائت‌ عایشه ل نازل‌ شده‌ است‌. و در روایت‌ دوم‌ كه‌ فقط‌ در كتاب‌های‌ شیعه‌ آمده‌، این‌ است‌ كه‌ در مورد «ماریه‌ قبطیه‌» نازل‌ شده‌ است‌. اما روایت‌ اول‌ قوی‌تر است‌.

آری‌! روشنی‌ آیات‌ نازله‌، و ارتباط‌ مستقیم‌ و كامل‌ آن‌ با جریان‌ افک و اثبات‌ برائت‌ و پاكی‌ مادر مؤمنان‌ به‌ حدی‌ است‌ كه‌ هر انسان‌ منصف‌ و صاحب‌ خردی‌ آن‌ را می‌پذیرد و هیچ‌ كس‌ به‌ انكار آن‌ بر نمی‌آید، مگر آنكه‌ خداوند قلبش‌ را مهر ضلالت‌ و گمراهی‌ زده‌ و چشم‌ دل‌ و بصیرت‌ او را كور نموده‌ باشد. و هستند چنین‌ افرادی‌ در تمامی‌ اعصار و قرون‌ ﴿خَتَمَ ٱللَّهُ عَلَىٰ قُلُوبِهِمۡ وَعَلَىٰ سَمۡعِهِمۡۖ وَعَلَىٰٓ أَبۡصَٰرِهِمۡ غِشَٰوَةٞۖ وَلَهُمۡ عَذَابٌ عَظِيمٞ ٧﴾ [البقرة: 7]. «خدا بر دل‌ها و گوش‌هاى آنان مهر نهاده و بر چشم‌هایشان پرده‏اى افكنده شده و عذاب بزرگى در انتظار آنهاست». افرادی‌ كه‌ به‌ علّت‌ انكار بیش‌ از حدشان‌ خداوند بر قلوبشان‌ مهر زده‌ و این‌ حقایق‌ روشن‌ را نیز درک نمی‌كنند و یا از قبول‌ آن‌ سر باز می‌زنند.

به‌ عنوان‌ نمونه‌، به «تفسیر نور» اثر حاج‌ آقا محسن‌ قرائتی‌([[21]](#footnote-21)) (اجرا كننده‌ی‌ برنامه‌ی‌ درس‌هایی‌ از قرآن‌ در شبكه‌ی‌ اول‌ سیما) در ذیل‌ همین‌ آیات‌ بنگرید كه‌ چگونه‌ از حق‌ كنار می‌زند و با وجود این‌ دلایل‌ روشن‌ و آشكار، حق‌ را كه‌ قبول‌ نمی‌كند، بلكه‌ از آن‌ بدتر تهمت‌ بزرگ‌تری‌ را به‌ شیخین‌ نسبت‌ می‌دهد. عین‌ جملات‌ ایشان‌ كه‌ از «أطیب‌البیان‌» می‌آورد نقل‌ می‌شود تا خوانندگان‌ قضاوت‌ كنند كه‌ افرادی‌ چگونه‌ آیات‌ الهی‌ را تحریف‌ می‌كنند:

«جمع‌ دیگری‌ از مفسّران‌ و مخصوصاً نویسنده‌ی‌ تفسیر «أطیب‌ البیان‌» با استفاده‌ از روایات‌ متعدد و مستند نقل‌ می‌كنند كه‌ این‌ آیه‌ درباره‌ی‌ «ماریه‌ قبطیه‌» (یكی‌ دیگر از همسران‌ رسول‌ خدا) است‌، كه‌ خداوند به‌ او فرزندی‌ به‌ نام‌ «ابراهیم‌» داد، ولی‌ پس‌ از 18 ماه‌ از دنیا رفت‌. عایشه و حفصه‌ ب ‌گفتند: ای‌ رسول‌ خدا! چرا گریه‌ می‌كنی‌؟ ابراهیم‌ فرزند تو نبود، بلكه‌ شخص‌ دیگری‌ غیر از تو با ماریه‌ همبستر شده‌ و ابراهیم‌ متولد شده‌ است‌. خلیفه‌ی‌ اول‌ و دوم‌ نیز سخن‌ دخترانشان‌ را تأیید كردند و اینجا بود كه‌ این‌ آیه‌ نازل‌ شد.

علامه‌ جعفر مرتضی‌ در كتاب‌ گرانقدرش‌(!) (حدیث‌ الافک) می‌گوید: شأن‌ نزول‌ آیه‌ درباره‌ی‌ ماریه‌ی‌ قبطیه‌ است‌. و اصل‌ ماجرا تهمتی‌ ناروا بود، زیرا مردی‌ كه‌ به‌ همبستر شدن‌ با ماریه‌ متهم‌ شده‌ بود، هیچ‌گونه‌ آلت‌ مردی‌ نداشت‌، و این‌ زمانی‌ روشن‌ شد كه‌ پیامبر اكرم‌ حضرت‌ علی‌ را برای‌ تحقیق‌ به‌ سوی‌ آن‌ مرد فرستاد. او با دیدن‌ علی‌ فرار كرد و بالای‌ درختی‌ رفت‌. همین‌ كه‌ روی‌ درخت‌، جان‌ خود را در خطر دید، پایین‌ آمد و در آن‌ حال‌ لباسش‌ كنار رفت‌ و بدنش‌ نمایان‌ شد و روشن‌ شد كه‌ او آلت‌ مردی‌ ندارد.

علی‌ ماجرا را به‌ پیامبر اكرم‌ گفت‌ و در اینجا بود كه‌ این‌ آیه‌ نازل‌ شد و عایشه ، حفصه‌ و شیخین‌ (ابوبكر و عمر) -- شرمنده‌ شدند و پاكدامنی‌ آن‌ بانوی‌ محترمه‌ ثابت‌ شد»([[22]](#footnote-22)).

آنچه‌ بالا ذكر شد، نمونه‌ای‌ بود از یاوه‌گویی‌های‌ بعضی‌ از افراد متعصب‌ كه‌ در جملاتشان‌ بی‌باكانه‌، حضرت‌ ابوبكر صدیق‌، حضرت‌ عمر فاروق‌، حضرت‌ حفصه‌ و حضرت‌ عایشه را متهم‌ كرده‌ و به‌ آنها تهمت‌ بزرگی‌ زدند تا جایی‌ كه‌ انگار نشر كننده‌ی‌ این‌ واقعه‌ی‌ اسفناک، این‌ عزیزان‌ بوده‌اند و گویا حدَّ قذف‌ بر این‌ بزرگواران‌ جاری‌ شده‌ است‌.

 آیا هیچ‌ عقل‌ سلیمی‌ چنین‌ ترهاتی‌ را می‌پذیرد! پس‌ عده‌ای‌ مغرض‌ و كینه‌توز وجود دارند كه‌ تلاششان‌ این‌ است‌ تا این‌ عظمت‌ و مقام‌ و منزلت‌ را از عایشه ل ‌ سلب‌ كرده‌ و به‌ فرد دیگری‌ نسبت‌ بدهند، اما كور خواندند، آیات‌ قرآن‌ و احادیثی‌ كه‌ آن‌ را تأیید می‌كند به‌ قدری‌ روشن‌ و صریح‌ است‌ كه‌ جای‌ هیچ‌گونه‌ شک و شبهه‌ای‌ را برای‌ حقیقت‌جویان‌ نگذاشته‌ است‌.

**عقيده‌ به‌ گناهكار بودن‌ عايشه** ل**‌، اهانت‌ به‌ ساحت‌ پاك‌ رسول‌الله**

همان‌ طور كه‌ اشاره‌ كردیم‌ امروزه‌ نیز افراد جاهلی‌ در جامعه‌ هستند كه‌ با كمال‌ لجاجت‌ و جهالت‌، نزول‌ این‌ آیات‌ سوره‌ی‌ نور را در شأن‌ حضرت‌ عایشه صدیقه‌ ل قبول‌ ندارند و برای‌ خود دلایلی‌ را از‌ ابلیس‌ گرفته‌اند.

اینجا سؤالی‌ مطرح‌ می‌شود، آیا مخالفان‌، به‌ عالم‌ بودن‌ و خبیر بودن‌ خداوند متعال‌ ایمان‌ دارند؟ و آیا به‌ رسالت‌ محمد مصطفی‌ نیز اعتقاد دارند؟

حال‌ چگونه‌ ممكن‌ است‌ ـ نعوذبالله ـ زنی‌ ناپاک و گناهكار به‌ عقد رسول‌الله‌ درآید، مگر خداوند متعال‌ علم‌ نداشت‌ كه‌ این‌ زن‌ در آینده‌ چنین‌ گناهی‌ انجام‌ می‌دهد؟! پس‌ چرا اجازه‌ داد رسولش‌ با او ازدواج‌ كند، در حالی‌ كه‌ رسول‌ الله تحت‌ هیچ‌ فشار و اجباری‌ نبود!

خداوند مهربان‌ فرموده‌ است‌: ﴿وَٱلطَّيِّبَٰتُ لِلطَّيِّبِينَ وَٱلطَّيِّبُونَ لِلطَّيِّبَٰتِ﴾ «زنان‌ پاک، لایق‌ مردان‌ پاک هستند و مردان‌ پاک، سزاوار زنان‌ پاک هستند».

حضرت‌ عمر فاروق‌ به‌ هنگام‌ این‌ حادثه‌، به‌ رسول‌الله‌ گفت‌: «ای‌ رسول‌ خدا! چه‌ كسی‌ عایشه ل ‌ را برای‌ ازدواج‌ با شما انتخاب‌ كرده‌ است‌؟ رسول‌الله‌ جواب‌ داد: «خداوند سبحان‌».

عمر گفت‌: «ای‌ رسول‌الله‌! پس‌ آیا فكر می‌كنید كه‌ خداوند سبحان‌، زن‌ فاجره‌ و فاحشه‌ای‌ را نصیب‌ شما می‌كند؟! شما كه‌ بر بدن‌ مباركتان‌ مگس‌ نمی‌نشیند، چگونه‌ ممكن‌ است‌، همسرت‌ ناپاک باشد؟»

حضرت‌ عثمان‌ نیز فرمود: «ای‌ رسول‌ خدا! من‌ برائت‌ عایشه ل ‌ را از سایه‌ی‌ شما تشخیص‌ می‌دهم‌. خدایی‌ كه‌ سایه‌ی‌ شما را از افتادن‌ برزمین‌ محفوظ‌ نگه‌ داشته‌، هرگز ناپاكی‌ را برای‌ اهل‌ بیت‌ تو روا نمی‌دارد».

آری‌! حقاً و انصافاً كه‌ اعتقاد به‌ گناهكار بودن‌ عایشه ‌ی‌ صدیقه‌ ل اهانت‌ بزرگی‌ است‌ به‌ ساحت‌ مقدس‌ رسول‌اكرم‌ ؛ چراكه‌ در حرم‌ محترم‌ رسول‌الله كه‌ خود پاكیزه‌ترین‌ مخلوق‌ است‌، محرمی‌ پاكیزه‌ و صدّیقه‌ و طیبه‌، شایسته‌ و سزاوار است‌.

 **توهين‌ به‌ مادر، گناهي‌ نابخشودني‌**

خداوند متعال‌ فرمود:

﴿ٱلنَّبِيُّ أَوۡلَىٰ بِٱلۡمُؤۡمِنِينَ مِنۡ أَنفُسِهِمۡۖ وَأَزۡوَٰجُهُۥٓ أُمَّهَٰتُهُمۡ﴾ [الأحزاب: 6].

«پیامبر اولی ‌تر است‌ به‌ مؤمنان‌ از خود آنها و زنان‌ پیغمبر نیز مادران‌ مؤمنان‌ هستند».

بنابراین‌ آیه‌ی‌ مباركه‌، زنان‌ پیامبر، همگی‌ مادران‌ معنوی‌ مؤمنان‌ هستند، به‌ همین‌ جهت‌ بعد از رسول‌الله ازدواج‌ با ایشان‌ برای‌ امت‌ حرام‌ بود.

حال‌ اندكی‌ تأمل‌ نماییم‌، آیا هیچ‌ فرد عاقلی‌ به‌ مادر خویش‌ تهمت‌ می‌زند؟ اگر كسی‌ به‌ گناهكار بودن‌ مادر مؤمنان‌ معتقد باشد، آیا می‌توان‌ او را مؤمن‌ نامید؟

آری‌! اعتقاد به‌ ناپاكی‌ عایشه ی‌ صدیقه‌ ل یعنی‌ انكار چندین‌ آیه‌ی‌ قرآن‌ مجید، یعنی‌ اهانت‌ به‌ ساحت‌ مقدس‌ رسول‌ الله ، یعنی‌ توهین‌ به‌ مادری‌ مهربان‌ و دلسوز و پاك‌. و این‌ نیست‌ مگر گناهی‌ نابخشودنی‌.

 **عايشه** ل**‌! ايام‌ تلخ‌ هجران‌ به‌ سر آمد**

عایشه صدیقه‌ ل زمانی‌ پیامبر را وداع‌ گفت‌ كه‌ هنوز در دهه‌ی‌ سوم‌ زندگیش‌ قرار داشت‌.

حقّا كه‌ بسیار سخت‌، تلخ‌ و طاقت‌فرساست‌ برای‌ عاشقی‌ كه‌ در این‌ سن‌ و سال‌، معشوقش‌ را از دست‌ بدهد.

با از دست‌ دادن‌ رسول‌الله ، دل‌ خویش‌ را متوجه‌ یار باوفایش‌، همراه‌ و همراز دوران‌ جوانی‌ و پیری‌، یار غار، یعنی‌ ابوبكر صدیق‌ نمود و با مشاهده‌ی‌ او خود را تسلی‌ می‌بخشید؛ چراكه‌ بوی‌ پیامبر را می‌داد. به‌ خاطر همراهی‌ زیاد و رضایت‌ كامل‌ پیامبر خدا از او، خُلق‌ و خو و سیرت‌ او را به‌ خود گرفته‌ بود.

اما انگار تقدیر چیز دیگری‌ است‌، می‌خواهد باز بر غم‌ و اندوه‌ این‌ مادر مهربان‌ بیفزاید. دلخوشی‌ عایشه ل ‌ نسبت‌ به‌ ابوبكر به‌ عنوان‌ جانشین‌ رسول‌الله ، زیاد به‌ درازا نكشید. پس‌ از دو سال‌، پدر مهربان‌ و رؤفش‌ را نیز از دست‌ داد.

عایشه ل در این‌ لحظه‌ تنها و بی‌یار مانده‌، همسری‌ چون‌ محمد و پدری‌ چون‌ ابوبكر را از دست‌ داده‌ است‌. چه‌ چیز می‌تواند در این‌ لحظه‌ سبب‌ آرامش‌ و تسلی‌ او شود؟ آیا جز محبت به‌ خدا و ارتباط‌ با او چیز دیگری‌ می‌تواند، این‌ همه‌ سختی‌ و درد و رنج‌ را آسان‌ نماید؟!.

عایشه صدیقه‌ ل بعد از رسول‌ خدا نزدیک به‌ چهل‌ سال‌ را در فراق‌ او گذراند. در این‌ مدت‌ به‌ نشر و اشاعه‌ی‌ دین‌ پرداخت‌ و شبانه‌روز خویش‌ را وقف‌ خدمات‌ دینی‌ نموده‌ بود.

بالاخره‌، انتظار به‌ سر آمد، معبود و محبوب‌ حقیقی‌ می‌خواهد در حق‌ او لطفی‌ دیگر بنماید. می‌خواهد به‌ انتظارش‌ پایان‌ بدهد و او را از این‌ همه‌ سختی‌ و محنت‌، خلاصی‌ بخشد. می‌خواهد او را به‌ همسر گرانقدرش‌ و پدر مهربانش‌ برساند.

آری‌! عایشه ل نیز در سال‌ پنجاه‌ و هشت‌ (هـ ق‌) روز دوشنبه‌ در ماه‌ مبارک رمضان‌ و در سن‌ 68 سالگی‌ به‌ دعوت‌ حق‌ لبیک گفت‌ و برای‌ همیشه‌ از این‌ دنیای‌ فانی‌ و از آنانی‌ كه‌ در كنارشان‌ می‌زیست‌، خداحافظی‌ كرد.

نماز جنازه‌ی‌ این‌ بانوی‌ بزرگ‌ اسلام‌، مادر مؤمنان‌ و همسر رسول‌الله ، توسط‌ حضرت‌ ابوهریره‌ خوانده‌ شد و جسد مباركش‌ شبانگاه‌ ـ بنا به‌ وصیت‌ خودش‌ ـ به‌ خاک سپرده‌ شد.

جسد مباركش‌ را «عبدالله بن‌ زبیر»، «عروه‌ بن‌ زبیر»، «قاسم‌ بن‌ محمد»، «عبدالله بن‌ عبدالرحمن‌ بن‌ ابی‌بكر» و «عبدالله بن‌ محمد بن‌ ابی‌بكر»، در قبرستان‌ بقیع‌ دفن‌ كردند.

و بدین‌ گونه‌ این‌ مادر مهربان‌ و دلسوز نیز به‌ سوی‌ دیار ابدی‌ رخت‌ بر بست‌ و با رفتنش‌ دنیایی‌ از علم‌، اخلاق‌، تواضع‌، تقوی‌ و زهد را برای‌ ما به‌ جای‌ گذاشت‌.

آری‌! ما باید از او درس‌ اخلاص‌ و صبر و استقامت‌ را بیاموزیم‌. باشد كه‌ ما را توجهی‌ بنماید، و در روز قیامت‌ نگاه‌ مهربانانه‌اش‌ را از ما برنگرداند و ما را با گناهانمان‌ تنها نگذارد ([[23]](#footnote-23)).

**بخش‌ چهارم‌**عايشه ‌ي‌ صدّيقه‌ل **فضايل‌ و امتيازات‌**

**عايشه** ل**‌ فقط‌ الله و رسول‌ را مي‌خواهد**

رسول‌ اكرم‌ ساده‌ زیستن‌ را می‌پسندید و زندگی‌ كاملاً توأم‌ با زهد و بی‌رغبتی‌ نسبت‌ به‌ دنیا را می‌گذراند. ماه‌ها می‌گذشت‌، اما آتش‌ در خانه‌ی‌ محمد برای‌ پخت‌ غذا روشن‌ نمی‌شد. روزانه‌ كمبود غذا و فشار گرسنگی‌ بر اهل‌ خانه‌ پیامبر سایه‌ افگن‌ بود. همسران‌ پیامبر، اگرچه‌ در اثر همراهی‌ رسول‌الله از سایر همنوعان‌ خود، امتیازات‌ منحصر به‌ خودشان‌ را به‌ دست‌ آورده‌ بودند، اما طبیعت‌ بشری‌ و فطری‌ آنها به‌ طور كلی‌ از بین‌ نرفته‌ بود. آنها می‌دیدند كه‌ در این‌ روزها فتوحات‌ اسلامی‌ گسترش‌ یافته‌، و غنایم‌ نیز به‌ اندازه‌ی‌ زیادی‌ به‌ بیت‌المال‌ رسیده‌ است‌ كه‌ هر كس‌ با كمترین‌ آن‌ می‌تواند زندگی‌ توأم‌ با رفاه‌ و آسایش‌ را داشته‌ باشد.

خلاصه‌ اینكه‌ شرایط‌ طوری‌ بود كه‌ كاسه‌ی‌ صبر اُمّهات‌ المؤمنین‌ می‌خواست‌ لبریز شود و اندكی‌ از مال‌ و متاع‌ را درخواست‌ نمایند.

در همین‌ زمان‌ بود كه‌ خداوند متعال‌ وحی‌ فرستاد و رسول‌ الله را دستور داد كه‌ به‌ همسرانت‌ بگو: یا مال‌ و متاع‌ دنیوی‌ را انتخاب‌ كنند، یا الله و رسول‌ و روز آخرت‌ را.

﴿يَٰٓأَيُّهَا ٱلنَّبِيُّ قُل لِّأَزۡوَٰجِكَ إِن كُنتُنَّ تُرِدۡنَ ٱلۡحَيَوٰةَ ٱلدُّنۡيَا وَزِينَتَهَا فَتَعَالَيۡنَ أُمَتِّعۡكُنَّ وَأُسَرِّحۡكُنَّ سَرَاحٗا جَمِيلٗا ٢٨ وَإِن كُنتُنَّ تُرِدۡنَ ٱللَّهَ وَرَسُولَهُۥ وَٱلدَّارَ ٱلۡأٓخِرَةَ فَإِنَّ ٱللَّهَ أَعَدَّ لِلۡمُحۡسِنَٰتِ مِنكُنَّ أَجۡرًا عَظِيمٗا٢٩﴾ [الأحزاب: 28-29].

«ای‌ پیامبر! همسران‌ خود را بگو، اگر شما زندگانی‌ و زیب‌ و زیور دنیوی‌ را طالبید، بیایید تا من‌ مَهر شما را پرداخته‌ و همه‌ را به‌ خوبی‌ و خرسندی‌ طلاق‌ دهم‌، و اگر طالب‌ خدا و رسول‌ و مشتاق‌ دارآخرت‌ هستید، همانا خدا به‌ نیكوكاران‌ از شما در روز قیامت‌ اجر بزرگی‌ عطا خواهد كرد».

و بدین‌ شكل‌ جدا شدن‌ از زنانی‌ كه‌ طالب‌ دنیا و زیورآلات‌ دنیوی‌ بودند بر رسول‌الله واجب‌ شد و از فرمان‌ الله نمی‌توانست‌ سرپیچی‌ كند.

رسول‌الله علاقه‌ شدیدی‌ به‌ عایشه ل ‌ داشت‌، اول‌ نزد او آمد و این‌ آیه‌ را تلاوت‌ نمود و حكم‌ پروردگار را بیان‌ كرد. اما از آنجایی‌ كه‌ محبّت‌ عایشه ل ‌ در قلب‌ رسول‌الله بود و می‌ترسید از این‌ كه‌ این‌ دختر جوان‌، زود تصمیم‌ بگیرد، فوراً و قبل‌ از اینكه‌ عایشه ل ‌ جوابی‌ بدهد گفت‌: «البته‌ عجله‌ نكن‌، جواب‌ نده‌، برو با پدر و مادرت‌ مشورت‌ كن‌».

عایشه ل می‌گوید: «به‌ خدا سوگند پیامبر می‌دانست‌ كه‌ پدر و مادرم‌ هرگز به‌ من‌ دستور جدا شدن‌ از رسول‌ الله را نخواهند داد.

خودم‌ جواب‌ دادم‌ و گفتم‌: آیا برای‌ چنین‌ كاری‌ از پدر و مادرم‌ اجازه‌ بگیرم‌؟ من‌ (صد البته‌ كه‌) خدا و رسول‌ و زندگانی‌ آخرت‌ را می‌خواهم‌ (و آن‌ را بر هر چیز دیگر ترجیح‌ می‌دهم‌)».

قلب‌ رسول‌الله با شنیدن‌ این‌ كلمات‌ شاد شد و از چهره‌ی‌ مباركش‌ آثار خوشحالی‌ هویدا گشت‌.

سایر همسران‌ نیز به‌ محض‌ شنیدن‌ جواب‌ عایشه ل ‌، همین‌ جواب‌ را تقدیم‌ رسول‌ اكرم‌ كردند و بدین‌ شكل‌ دنیا و متعلقات‌ دنیوی‌ را فدای‌ رضایت‌ الله و رسول‌ و همراهی‌ با پیامبر عطوفت‌ و مهربانی‌، كردند.

 **تقوی‌ و زهد عايشه** ل

حضرت‌ عایشه ل در خانه‌ای‌ به‌ دنیا آمد كه‌ مهد تقوی‌ و اخلاص‌ بود. از وقتی‌ كه‌ كم‌كم‌ می‌فهمید، نور اخلاص‌ و ایمان‌ را در خانه‌ی‌ ابوبكر ، درک می‌كرد و لذت‌ عبادت‌ و ارتباط‌ با الله جل جلاله را چشیده‌ بود.

همین‌ ارتباط‌ با الله بود كه‌ سبب‌ شد او نیز به‌ رسول‌الله عشق‌ بورزد و توجهی‌ به‌ اختلاف‌ سنی‌ و شرایط‌ سخت‌ زندگی‌ در خانه‌ی‌ پیامبر را نداشته‌ باشد.

آری‌! او معنا و مفهوم‌ تقوا و پرهیزگاری‌ را خوب‌ فهمیده‌ بود. لذت‌ وصل‌ شدن‌ به‌ الله و راز و نیاز و مناجات‌ با محبوب‌ واقعی‌ را در شب‌های‌ تار و تاریک هجران‌، خوب‌ درک كرده‌ بود. همین‌ لذّت‌ عبادت‌ و سجده‌ كردن‌ بود كه‌ دنیا را پیش‌ او چون‌ پره‌ كاهی‌ كرده‌ بود و به‌ محض‌ اینكه‌ چیزی‌ به‌ دستش‌ می‌رسید، فوراً در راه‌ الله انفاق‌ می‌نمود.

در دوران‌ خلافت‌ فاروق‌ اعظم‌ ، یک كوزه‌ی‌ پر از جواهرات‌ از غنایم‌ حمله‌ به‌ عراق‌ به‌ دست‌ آمد.

حضرت‌ عمر پس‌ از مشورت‌ با تمامی‌ اصحاب‌، آن‌ جواهرات‌ را برای‌ حضرت‌ عایشه‌ی‌ صدیقه‌ ل فرستاد.

حضرت‌ عایشه ل پس‌ از مشاهده‌ی‌ آن‌، ناگهان‌ آه‌ سردی‌ كشید و با چشم‌ اشک بار فرمود: «ابن‌ خطاب‌ بر من‌ بسیار احسان‌ كرده‌، امیدوارم‌ كه‌ خداوند در آینده‌ مرا برای‌ قبول‌ چنین‌ احسان‌ها و عطایایی‌ زنده‌ نگذارد» ([[24]](#footnote-24)).

یک بار امیر معاویه‌ به‌ عنوان‌ هدیه‌ صد هزار درهم‌ برای‌ عایشه ‌ی‌ صدیقه‌ ل فرستاد، به‌ محض‌ دریافت‌ مبلغ‌، آن‌ را تا وقت‌ شام‌ بین‌ نیازمندان‌ تقسیم‌ كرد و برای‌ خود چیزی‌ نگذاشت‌»([[25]](#footnote-25)).

 **دعا و عبادت‌ عايشه** ل

حضرت‌ عایشه ل تربیت‌ یافته‌ی‌ زیردست‌ كسی‌ بود، كه‌ به‌ او تعلیم‌ داده‌ بود در تمام‌ احوال‌ و اوقات‌ فقط‌ متوجه‌ الله باشد، و هر آنچه‌ را كه‌ می‌خواهد، فقط‌ از او تعالی‌ بخواهد.

نمونه‌ی‌ این‌ خصلت‌ را می‌توانیم‌ در جریان‌ افک بیابیم‌، آن‌ هنگام‌ كه‌ به‌ او تهمت‌ زده‌ شد و در خانه‌ی‌ پدر به‌ سر می‌برد، كارش‌ فقط‌ تضرع‌ و زاری‌ و دعا بود و متوجه‌ شدن‌ به‌ سوی‌ الله. او یقین‌ داشت‌ كه‌ الله او را تنها نمی‌گذارد؛ چراكه‌ خود وعده‌ داده‌ است‌:

﴿وَإِذَا سَأَلَكَ عِبَادِي عَنِّي فَإِنِّي قَرِيبٌۖ أُجِيبُ دَعۡوَةَ ٱلدَّاعِ إِذَا دَعَانِ﴾ [البقرة: 186].

«و هنگامی‌ كه‌ بندگانم‌ از تو درباره‌ی‌ من‌ بپرسند (بگو:) من‌ نزدیكم‌ و دعای‌ دعاكننده‌ را هنگامی‌ كه‌ مرا بخواند، پاسخ‌ می‌گویم‌ (و نیاز او را برآورده‌ می‌سازم‌)».

این‌ مادر مهربان‌ در آن‌ آزمایش‌ سخت‌، این‌ دعا را ورد كرده‌ بود و همیشه‌ آن‌ را می‌خواند:

«یا سابغ النعم، ویا دافع النقم، ویا فارج الغمم، ویا كاشف الظلم، یا أعدل من حكم، یا حسب من ظلم، یا ولی من ظلم، یا أول بلا بدایة، ویا آخر بلا نهایة، یا من له اسم بلا كنیة، اللهم اجعل لی من أمری فرجاً ومخرجاً»([[26]](#footnote-26)). ای‌ صاحب‌ نعمت‌های‌ فراوان‌! ای‌ دافع‌ عذاب‌ها و بلایا! ای‌ رهاننده‌ی‌ مردم‌ از غم‌ها و تاریكی‌ها! ای‌ كسی‌ كه‌ در حكم‌ داوری‌ عادل‌تری‌! ای‌ حساب‌رس‌ كسی‌ كه‌ ظلم‌ می‌كند! و ای‌ سرپرست‌ مظلوم‌! ای‌ اوّل‌ بی‌آغاز! و ای‌ آخر بدون‌ پایان‌! ای‌ كسی‌ كه‌ نام‌ داری‌ و كنیه‌ نداری‌! خدایا در كارم‌ گشایشی‌ روشن‌ برایم‌ قرار بده‌!.

حضرت‌ عایشه ل از نماز خواندن‌ بسیار لذّت‌ می‌برد؛ چراكه‌ نمازش‌ نماز واقعی‌ بود. شب‌ها در كنار رسول‌الله به‌ نماز می‌ایستاد، و خشوع‌ و خضوع‌ و دعا را از او درس‌ گرفته‌ بود. و هیچ‌ گاه‌ اجازه‌ نمی‌داد، نماز تهجدش‌ فوت‌ شود.

همراه‌ رسول‌ اكرم‌ نماز تراویح‌ را هم‌ به‌ جا می‌آورد و به‌ آن‌ علاقه‌ی‌ خاصی‌ داشت‌. و از این‌ عبادت‌ها لذّت‌ می‌برد. خودش‌ می‌فرماید: «اگر پدرم‌ از قبر بلند شود و جلو مرا بگیرد، از عبادت‌ دست‌ نخواهم‌ كشید».

 عايشه ل‌، عالمي‌ بزرگ‌ و مجتهدي‌ توانا

حضرت‌ عایشه ل دارای‌ حافظه‌ و ذكاوتی‌ منحصر به‌ فرد بود. این‌ تیزهوشی‌ و ذكاوت‌ و نیز معیت‌ و همراهی‌ رسول‌الله سبب‌ شد كه‌ عایشه ل ‌ به‌ عالمی‌ توانا مبدّل‌ گردد، تا جایی‌ كه‌ رسول‌اكرم‌ فرمود:

«خذوا نصف‌َ دینكم‌ عن‌ هذه‌ الحمیراء» ([[27]](#footnote-27)). «نصف‌ دین‌تان‌ را از این‌ حمیرا (عایشه ل ‌) یاد بگیرید».

در زمان‌ رسول‌ الله زنان‌ برای‌ مسایل‌ مخصوص‌ به‌ خودشان‌ به‌ او مراجعه‌ می‌كردند، اما پس‌ از رحلت‌ رسول‌ اكرم‌ ، عایشه ل ‌ مرجعی‌ برای‌ زن‌ و مرد، پیر و جوان‌، عالم‌ و عامی‌، شد. همگی‌ برای‌ پاسخ‌ سؤالات‌ خویش‌ به‌ محضر او می‌رفتند.

بزرگان‌ صحابه‌ نیز اگر در مسائل‌ فقهی‌ دچار مشكلی‌ می‌شدند، به‌ ایشان‌ مراجعه‌ می‌كردند.

ابوموسی‌ اشعری‌ می‌فرماید:

«هر مشكلی‌ برای‌ ما، اصحاب‌ پیامبر پیش‌ می‌آمد و به‌ عایشه ل ‌ مراجعه‌ می‌كردیم‌، حتماً برای‌ مشكلمان‌ راه‌ چاره‌ و راه حلی‌ می‌یافتیم‌».

امام‌ زهری‌ / یكی‌ از بزرگان‌ تابعین‌ می‌فرماید:

«كانت‌ عائشة أعلم‌ الناس‌ یسئلها الأكابر من‌ أصحاب‌ رسول‌الله ». «عایشه ل دانشمندترین‌ دوران‌ بود و حتی‌ بزرگان‌ صحابه‌ از ایشان‌ كسب‌ فیض‌ می‌نمودند».

احادیث‌ و روایات‌ زیادی‌ در مورد مقام‌ علمی‌ حضرت‌ عایشه ل وجود دارد كه‌ ما به‌ همین‌ دو مورد بسنده‌ می‌كنیم‌ و همین‌ كافی‌ است‌ برای‌ مقام‌ علمی‌ ایشان‌ كه‌ در زمان‌ خلفای‌ ثلاثه‌، فتوی‌ صادر می‌كردند و به‌ آنها عمل‌ می‌شد.

**عايشه** ل **‌ اديبي‌ چيره‌دست‌**

حضرت‌ عایشه صدیقه‌ ل احادیث‌ فراوانی‌ را روایت‌ كرده‌اند، و همچنین‌ گفتارهای‌ نغزی‌ از ایشان‌ به‌ جای‌ مانده‌ كه‌ هر كدام‌ سندی‌ از توان‌ ادبی‌ بالای‌ ایشان‌ به‌ شمار می‌آیند.

به‌ عنوان‌ نمونه‌، حدیث‌ افک را كه‌ خود حضرت‌ عایشه ل روایت‌ كرده‌ و در اكثر كتب‌ حدیث‌ ثبت‌ شده‌، همه‌ی‌ بلغا، ادبا و شعرا را به‌ حیرت‌ آورده‌ كه‌ با چه‌ اسلوب‌ زیبایی‌ حالات‌ درونی‌ و تصویری‌ از اوضاع‌ آن‌ یک ماه‌ را برای‌ خوانندگان‌ به‌ تصویر می‌كشد.

«بیانات‌ او به‌ سبب‌ تأثیر عجیبی‌ كه‌ داشت‌، فوراً در دل‌ها قرار می‌گرفت‌ و مدعیان‌ بلاغت‌ و بیان‌ در برابرش‌ عاجز بودند. حاضر جواب‌ و زیرک و شیرین‌ گفتار بود، نطق‌ و بیانی‌ فصیح‌ و دلنشین‌ و طبعی‌ زنده‌ داشت‌. سخنانش‌ را در نهایت‌ رسایی‌ و بلاغت‌ ادا می‌كرد، حتی‌ بسیاری‌ از مؤلفین‌ از اسلوب‌ و شیوه‌ او پیروی‌ می‌كردند.

«عایشه ل‌ در ادبیات‌ عرب‌، زن‌ دانشمندی‌ محسوب‌ می‌شد، اشعار و قطعات‌ زیادی‌ از شعرا و نویسندگان‌ عرب‌ را در حفظ‌ داشت‌ كه‌ برخی‌ را می‌پسندید و بر بعضی‌ انتقاد می‌كرد و ایراد می‌گرفت‌» ([[28]](#footnote-28)).

آری‌! او از خانه‌ی‌ بلاغت‌ متولد شده‌ بود و در خانه‌ی‌ بلاغت‌ نیز رشد كرده‌ بود.

 **عايشه** ل**‌ اولين‌ حافظه‌ حديث‌**

حضرت‌ عایشه‌ صدیقه‌ ل با وجود اینكه‌ مدت‌ زمان‌ طولانی‌ را با رسول‌اكرم‌ زندگی‌ نكرد، اما بسیاری‌ از مسایل‌ فقهی‌، حدیث‌، و غیره ‌ را از رسول‌اكرم‌ آموخت‌.

عایشه صدیقه‌ ل به‌ صداقت‌ در علم‌، امانت‌ در روایت‌ و آگاهی‌ به‌ دقایق‌ و رموزات‌ عبادات‌ مشهور بود.

او دارای‌ حافظه‌ای‌ قوی‌ بود و به‌ همین‌ سبب‌ مرجع‌ بزرگ‌ و مطمئنی‌ در علم‌ حدیث‌ و فقه‌ به‌ شمار می‌آمد.

هر حدیثی‌ را كه‌ از رسول‌ اكرم‌ می‌شنید، حفظ‌ می‌كرد و بدون‌ هیچ‌ نقصی‌ آنها را برای‌ اصحاب‌ بازگو می‌نمود.

مجموعاً 2210 حدیث‌ از احادیث‌ گهربار رسول‌الله از طریق‌ ایشان‌ روایت‌ شده‌ است‌؛ كه‌ 174 حدیث‌ را شیخین‌‌، یعنی‌ امام‌ بخاری‌ و امام‌ مسلم‌، در كتاب‌شان‌ نقل‌ كرده‌اند. 54 حدیث‌ فقط‌ در بخاری‌ آمده‌ و 69 حدیث‌ تنها در مسلم‌ ثبت‌ شده‌ است‌.

حضرت‌ عایشه صدیقه‌ ل جزو هفت‌ نفری‌ است‌ كه‌ بیشتر از یك‌هزار حدیث‌ را از پیامبر نقل‌ كرده‌اند، آن‌ هفت‌ تن‌ عبارتند از:

1. ابوهریره‌
2. عبدالله بن‌ عمر .
3. انس‌ بن‌ مالک .
4. عایشه ل .
5. عبدالله بن‌مسعود
6. جابر بن‌ عبدالله الانصاری‌
7. ابوسعید الخدری‌ ([[29]](#footnote-29)).

**عايشه** ل**‌ و افتخارات‌ منحصر به‌ فردش**

خداوند متعال‌ در طول‌ حیات‌ عایشه ل این‌ مادر مهربان‌ و دلسوز، افتخارات‌ و امتیازات‌ زیادی‌ را نصیبش‌ كرد كه‌ افراد دیگر از آن‌ محروم‌ بوده‌اند.

در اینجا مختصراً و اجمالاً به‌ چند نمونه‌ اشاره‌ می‌كنیم‌:

**\* آيا افتخاری‌ بالاتر از اين‌ وجود دارد؟**

دكتر «احمد خلیل‌ جمعه‌» صاحب‌ كتاب «نساء أهل‌ البیت‌» می‌گوید: «مگر می‌توان‌ از این‌ افتخاری‌ بالاتر برای‌ عایشه ل ذكر كرد كه‌ او در دنیا و آخرت‌ همسر رسول‌الله می‌باشد و بر این‌ مدعا، احادیث‌ صحیح‌، مهر صحّت‌ نهاده‌اند. پس‌ همین‌ كه‌ او در هر دو جهان‌ همسر رسول‌الله می‌باشد و در كنار پیامبر به‌ سر می‌برد، بزرگ‌ترین‌ افتخار است‌ برای‌ این‌ مادر عزیز و جان‌فدا و مظلوم‌.

**\* نزول‌ وحی‌ در شأن‌ او**

امتیاز دیگر عایشه ‌ی‌ صدیقه‌ ل این‌ است‌ كه‌ برائتش‌ از بالای‌ هفت‌ آسمان‌ نازل‌ شد و تا قیامت‌ مسلمانان‌ آیات‌ نازله‌ در شأن‌ او را در نماز و غیرنماز تلاوت‌ می‌كنند و بدین‌ صورت‌ نامش‌ برای‌ همیشه‌ زنده‌ و جاودان‌ می‌ماند و در مقابل‌ تلاوت‌ هر حرف‌ از این‌ آیات‌، ده‌ ثواب‌ به‌ قاری‌ آن‌ می‌رسد.

**\* مادر مؤمنان‌ عالَم‌**

آری‌! از دیگر افتخارات‌ و امتیازات‌ حضرت‌ عایشه ل این‌ است‌ كه‌ بر امّت‌ اسلامی‌، حق‌ مادری‌ دارد؛ چراكه‌ خداوند متعال‌ فرمود: «زنان‌ پیامبر، مادران‌ مؤمنان‌ هستند». پس‌ به‌ عبارتی‌ تمام‌ مؤمنان‌، فرزندان‌ این‌ محبوبه‌ی‌ رسول‌الله می‌باشند.

\* تنها دوشيزه‌ از ميان‌ همسران‌ پيامبر

رسول‌ اكرم‌ طبق‌ روایات‌ و احادیث‌، با 15 زن‌ ازدواج‌ نموده‌، كه‌ یازده‌ زن‌ را در حال‌ حیاتش‌، به‌ طور همزمان‌ در نكاح‌ داشته‌ است‌، كه‌ در حیات‌ مبارک خویش‌ دو تن‌ از آنان‌ را از دست‌ داده‌ و در وقت‌ رحلت‌ مبارک، نُه‌ زن‌ از ایشان‌ به‌ جای‌ مانده‌ است‌.

از میان‌ این‌ جمع‌ فقط‌ عایشه صدیقه‌ ل، باكره‌ و دوشیزه‌ بوده‌ است‌ و این‌ افتخار بزرگی‌ است‌ برای‌ عایشه ل‌، كه‌ بدین‌ جهت‌ نیز رسول‌الله او را بسیار دوست‌ می‌داشت‌.

دیگر همسران‌ رسول‌الله همگی‌ بیوه‌ بوده‌ و قبل‌ از رسول‌اكرم‌ با فرد دیگر ازدواج‌ كرده‌ بودند.

با همه‌ی‌ این‌ اوصاف‌، تمامی‌ این‌ عزیزان‌، مادران‌ مؤمنان‌ هستند و احترامشان‌ برای‌ امت‌ اسلامی‌ واجب‌ و لازم‌ است‌.

اسامی‌ همسران‌ رسول‌الله به‌ ترتیب‌ ازدواج‌ عبارتند از:

1ـ خدیجه‌ دختر خویلد.

2ـ سوده‌ دختر زمعه‌.

3ـ عایشه دختر ابوبكر.

4ـ حفصه‌ دختر عمربن‌خطاب‌.

5ـ زینب‌ دختر خزیمه.‌

6ـ ام‌ سلمه‌.

7ـ زینب‌ دخترجحش.

8ـ جویریه‌ دختر حارث‌.

9ـ ریحانه‌ دختر شمعون‌.

10ـ ام‌ حبیبه‌ دختر ابوسفیان‌.

11ـ صفیه‌ دختر حی‌ بن‌ اخطب‌. (رضی‌ الله تعالی عنهن‌).

**\* پاسخ‌ به‌ يک‌ شبهه**

شبهه‌ای‌ كه‌ امروز بیشتر غربی‌ها و همچنین‌ دشمنان‌ اسلام‌ مطرح‌ می‌كنند، اینكه‌ چرا پیامبر این‌ همه‌ ازدواج‌ كرده‌ است‌؟ و چرا چیزی‌ را كه‌ برای‌ خودش‌ جایز بوده‌، برای‌ امتش‌ ناجایز قرار داده‌ است‌؟ و...

قبل‌ از اینكه‌ پاسخ‌ كوتاهی‌ در این‌باره‌ تقدیم‌ گردد، باید این‌ نكته‌ را نیز یادآور شویم‌ كه‌ این‌ تبلیغات‌ شیطانی‌ به‌ حدی‌ است‌ كه‌ متأسفانه‌ بعضی‌ از مسلمانان‌ كم‌اطلاع‌ نیز تحت‌ تأثیر قرار گرفته‌اند. و این‌ ناشی‌ از عدم‌ آگاهی‌ آنان‌ از سیره‌ و زندگانی‌ رسول‌الله می‌باشد.

و اما در مورد این‌ شبهه‌، آنچه‌ غربی‌ها و این‌ افراد مطرح‌ می‌كنند نه‌ به‌ عنوان‌ دفاع‌ از حق‌ امت‌ اسلامی‌ است‌، بلكه‌ می‌خواهند مردم‌ را نسبت‌ به‌ رسول‌الله بدبین‌ نمایند.

افرادی‌ كه‌ در این‌ مورد اعتراض‌ دارند، بهتر است‌ زندگانی‌ همسران‌ پیامبر را مورد بررسی‌ قرار دهند، تا بفهمند آیا تمامی‌ آنان‌ قابلیت‌ مسایل‌ زناشویی‌ را داشته‌اند یا نه‌؟ اگر نعوذبالله پیامبر دنبال‌ مسایل‌ شهوانی‌ بوده‌، چرا وقتی‌ قریش‌ پیشنهاد بهترین‌ دخترها را به‌ او می‌دهند، قبول‌ نكرد؟ و یا چرا بعداً با وجود توان‌ و جایگاه‌ میان‌ اصحاب‌ ـ كه‌ هر كدام‌ حاضر می‌شدند جان‌ و مال‌ خویش‌ را فدا نمایند ـ چرا از دختران‌ آنان‌ كسی‌ را برای‌ برطرف‌ نمودن‌ این‌ شهوت‌ قوی‌ خویش‌! (نعوذبالله) انتخاب‌ نكرد؟ مگر دختران‌ جوان‌ و باكره‌ از این‌ بیوه‌های‌ پیر‌ بهتر نبودند؟! كدام‌ انسان‌ شهوت‌ران‌ است‌ كه‌ در بین‌ دختر جوان‌ و باكره‌ و پیرزن‌، پیرزن‌ها و بیوه‌ها را انتخاب‌ كند؟!.

پس‌ عزیزان‌! ازدواج‌های‌ پیامبر اصلاً به‌ خاطر مسایل‌ زناشویی‌ نبوده‌، بلكه‌ چند جنبه‌ داشته‌ است‌:

1. جنبه‌ی‌ سیاسی‌ و ارتباط‌ برقرار كردن‌ با قبیله‌های‌ مختلف‌.
2. جنبه‌ی‌ اقتصادی‌ و عاطفی‌، بسیاری‌ از آنان‌ توان‌ خرج‌ زندگی‌شان‌ را نداشتند و نمی‌توانستند خود را اداره‌ نمایند، پیامبر آنان‌ را سرپرستی‌ می‌كرد.
3. جنبه‌ی‌ تربیتی‌، بسیاری‌ از زنان‌ به‌ پیامبر برای‌ مسایل‌شان‌ مراجعه‌ می‌كردند، در حالی‌ كه‌ پیامبر نمی‌توانست‌ به‌ راحتی‌ جواب‌ آنان‌ را بدهد، اما با این‌ شكل‌ كلاس‌ خوبی‌ را در منزل‌ خویش‌ تشكیل‌ داد و جمعی‌ را تربیت‌ نمود تا به‌ دیگر زنان‌ تعلیم‌ دهند.

و موارد دیگری‌ كه‌ در اینجا مجال‌ مطرح‌ كردن‌ آن‌ نیست‌. در این‌ مورد به‌ رساله‌ای‌ از دكتر محمد علی‌ صابونی‌، استاد دانشگاه‌ مكه‌ مكرمه‌، تحت‌ عنوان‌ «رد اباطیل‌ و شبهات‌ در مورد تعدد زوجات‌ پیامبر» و همچنین‌ كتاب‌ «زن‌» اثر دكتر رمضان‌ البوطی‌ و كتاب‌های‌ دكتر یوسف‌ قرضاوی‌ و ازدواج‌ اسلامی‌ مولانا اشرف علی‌ تهانوی‌، مراجعه‌ نمایید.

و اما در مورد اینكه‌ چرا فقط‌ برای‌ خودش‌ جایز بوده‌ و برای‌ امتش‌ این‌ تعداد زن‌ ممنوع‌ می‌باشد.

باید بگوییم‌: خداوند سبحان‌ بعضی‌ چیزها را برای‌ پیامبرانش‌ اختصاص‌ داده‌ بود كه‌ برای‌ دیگران‌ وجود نداشت‌. و این‌ فقط‌ در بُعد راحتی‌ و آسایش‌ نبوده‌، بلكه‌ خیلی‌ وقت‌ها این‌ اختصاصات‌ از كارهای‌ مشكلی‌ بوده‌ كه‌ دیگران‌ از انجام‌ آن‌ معاف‌ بوده‌اند. به‌ عنوان‌ مثال‌ مسلمانان‌ می‌توانند شب‌ها راحت‌ بخوابند، اما رسول‌الله باید مقداری‌ از شب‌ را بخوابد و تهجد و ارتباط‌ برقرار كردن‌ با خداوند، برای‌ او واجب‌ بود و مسایل‌ دیگر از این‌ قبیل‌.

پس‌ افرادی‌ كه‌ به‌ مسایل‌ اختصاصی‌ پیامبر اعتراض‌ دارند باید جنبه‌های‌ دیگر آن‌ را نیز بنگرند و فقط‌ مسئله‌ی‌ ازدواج‌ آن‌ حضرت‌ را در نظر نگیرند.

**\* زنی‌ كه‌ پدر و مادرش‌ از مهاجرين‌ بودند**

از دیگر افتخارات‌ عایشه‌ صدیقه‌ ل این‌ است‌ كه‌ او نه‌ تنها خود از اهل‌ بهشت‌ است‌، بلكه‌ پدر و مادرش‌ نیز جزو بهشتی‌ها هستند.

هر دوی‌ آنها از مهاجرین‌ به‌ مدینه‌ هستند كه‌ به‌ خاطر حفظ‌ ایمان‌ و اسلامشان‌ در كنار رسول‌الله ، مجبور به‌ هجرت‌ شدند.

**\* دچار نشدن‌ به‌ شرک‌ و بت‌پرستی‌**

عایشه صدیقه‌ ل به‌ دلیل‌ اینكه‌ زمانی‌ دیده‌ به‌ جهان‌ گشود كه‌ پدر و مادرش‌ مسلمان‌ شده‌ بودند و نور توحید و ایمان‌ در خانه‌ی‌ آنها تابیدن‌ گرفته‌ بود، از بت‌پرستی‌ و شرک و معصیت‌ محفوظ‌ ماند و از همان‌ اوان‌ طفولیت‌، با نام‌ «الله» آشنا گردید. این‌ جزو افتخارات‌ عایشه ل به‌ شمار می‌آید كه‌ هیچ‌گاه‌ برای‌ غیرخدا سر تعظیم‌ را فرود نیاورد.

**\* آوردن‌ صورت‌ عايشه** ل**‌ توسط‌ جبرييل:‌**

از ديگر افتخارات‌ صديقه‌ی كبری‌، حميرای‌ رسول‌، عايشه صديقه‌ ل، این‌ است‌ كه‌ حضرت‌ جبرییل‌ همراه‌ خود صورت‌ و شكلی‌ از وی‌ را نزد رسول‌ اكرم‌ آورده‌ است‌.

رسول‌الله در حدیثی‌ فرموده‌ است‌: «ای‌ عایشه! دوبار جبرییل‌ نزد من‌ آمد و چیزی‌ به‌ همراه‌ داشت‌ كه‌ در پارچه‌ای‌ سبز رنگ‌ پیچیده‌ بود. وقتی‌ پارچه‌ را باز كردم‌، دیدم‌ شكل‌ و صورت‌ تو در آن‌ پیچیده‌ شده‌ است‌. به‌ من‌ گفتند: این‌ همسر تو در دنیا و آخرت‌ است».

**\* ديدن‌ جبرييل‌ امين‌ و حضور در خانه‌ وحی**

امتیاز دیگر حضرت‌ عایشه صدیقه‌ ل این‌ است‌ كه‌ در خانه‌ای‌ زندگی‌ می‌كرد كه‌ فرشتگان‌ آن‌ را احاطه‌ كرده‌ بودند و بارها و بارها وحی‌ در آنجا نازل‌ شد، در حالی‌ كه‌ عایشه ل ‌ در كنار رسول‌الله نشسته‌ بود.

طبق‌ گفته‌ خود عایشه صدیقه‌ ل یكبار نیز حضرت‌ جبرییل ‌ را در حال‌ آوردن‌ وحی‌ دیده‌ است‌ كه‌ به‌ شكل‌ یكی‌ از اصحاب‌ رسول‌الله آمده‌ بود([[30]](#footnote-30)).

**\* كاتب‌ و جمع‌كننده‌ قرآن‌**

حضرت‌ ام‌المؤمنین‌ عایشه ی‌ صدیقه‌ ل از جمله‌ی‌ كسانی‌ است‌ كه‌ به‌ دلیل‌ حافظه‌ی‌ قوی‌، بسیاری‌ از آیات‌ قرآن‌ را حفظ‌ كرده‌ بودند و بسیاری‌ از اوقات‌ نیز آن‌ را بازنویسی‌ می‌كردند.

می‌توان‌ گفت‌ كه‌ اكثر سوره‌های‌ طولانی‌ كه‌ در دل‌ شب‌های‌ تاریک نازل‌ می‌شد، در حجره‌ی‌ حضرت‌ عایشه ل بوده‌ است‌ و اولین‌ كسی‌ كه‌ آن‌ را از پیامبر می‌شنید، عایشه ی‌ صدیقه‌ است‌.

همین‌ امر سبب‌ شد تا بعدها كه‌ خلفای‌ راشدین‌ برای‌ جمع‌آوری‌ قرآن‌ عظیم‌الشأن‌ اقدام‌ نمودند، در كار جمع‌آوری‌ و تطبیق‌ قرآن‌ از نظرات‌ ایشان‌ استفاده‌ی‌ زیادی‌ نمودند.

حضرت‌ عایشه ل بعد از رحلت‌ رسول‌الله ، نسخه‌ای‌ از قرآن‌ را بازنویسی‌ كرد و آن‌ را نزد خود نگه‌ داشت‌ كه‌ به‌ آن‌ مصحف‌ عایشه می‌گفتند. در بعضی‌ جاها نیز در صورت‌ ضرورت‌ حاشیه‌هایی‌ را نوشته‌ بود.

در بخاری‌ آمده‌ است‌ كه‌ شخصی‌ از عراق‌ به‌ حرمین‌ آمد و به‌ خدمت‌ ام‌المؤمنین‌ رفت‌ و در مورد مصحف‌ مبارک سؤال‌ كرد و گفت‌: در عراق‌ برای‌ ترتیب‌ دادن‌ آیات‌ و نیز در قرائت‌، اختلافات‌ شدیدی‌ رخ‌ داده‌ است‌، لذا می‌خواهیم‌ از مصحف‌ شما استفاده‌ نماییم‌. حضرت‌ عایشه ل نیز با گشاده‌رویی‌ اشكالات‌ آنها را مشخص‌ نمود.

**\* دختر ابوبكر صدّيق**

امتیاز دیگر عایشه صدیقه‌ ل این‌ است‌ كه‌ او دختر یار و همراه‌ شبانه‌روزی‌ رسول‌الله ، اولین‌ جانشین‌ برحق‌ پیامبر، یار غار سفر هجرت‌، و اولین‌ شخصی‌ كه‌ به «صدّیق‌» ملقب‌ گردید، می‌باشد.

آری‌! او دختر همان‌ ابوبكری‌ است‌ كه‌ زمانی‌ از تاجران‌ بزرگ‌ مكه‌ به‌ شمار می‌آمد، اما به‌ خاطر دین‌ خدا همه‌ چیزش‌ را فدا كرد.

در غزوه‌ی‌ تبوک، رسول‌ اكرم‌ وقتی‌ او را دید كه‌ كوله‌باری‌ برای‌ كمک به‌ مسلمانان‌ آورده‌ بود، از او پرسید: ای‌ ابوبكر! چه‌ چیزی‌ در خانه‌ به‌ جای‌ گذاشته‌ای‌؟ فرمود: ‌ الله و رسولش‌ را.

او دختر همان‌ مردی‌ است‌ كه‌ در غار، پای‌ مباركش‌ را در سوراخ‌ مار گذاشت‌، تا آسیبی‌ به‌ رسول‌ الله نرسد.

**\* مجتهد و مفتی‌ عهد صحابه‌**

بعد از رسول‌الله اكثر صحابه‌ و مردم‌ آن‌ زمان‌ برای‌ حل‌ مسایل‌ خود به‌ او مراجعه‌ می‌كردند و او از بزرگان‌ اهل‌ حدیث‌ و فقه‌ به‌ شمار می‌آمد.

\* غروب‌ خورشيد نبوت‌ در حجره‌ی‌ عايشه ل

رسول‌اكرم‌ در روزهای‌ آخر حیات‌ مباركش‌، در حجره‌ی‌ عایشه ل به‌ سر می‌برد، و هنگام‌ پرواز كردن‌ روح‌ مطهرش‌، سر مبارک آن‌ حضرت‌ در آغوش‌ عایشه صدیقه‌ ل قرار داشت‌.

سیره‌نگاران‌ و محدثین‌ واقعه‌ را این‌گونه‌ نقل‌ كرده‌اند:

ماه‌ ربیع‌ الاول‌ بود، رسول‌ الله در مریضی‌ به‌ سر می‌برد، و هر روز بر شدت‌ مریضی‌اش‌ افزوده‌ می‌شد. به‌ دلیل‌ اینكه‌ اخلاق‌ كریمانه‌ای‌ داشت‌، صراحتاً نمی‌فرمود كه‌ دوست‌ دارد نزد كدام‌ یک از همسرانش‌ باشد، بلكه‌ می‌فرمود: فردا نوبت‌ كدام‌ خانه‌ است‌؟ همسران‌ نیز به‌ دلیل‌ محبّت‌ رسول‌ الله نسبت‌ به‌ عایشه ل گفتند: یا رسول‌الله! در هر خانه‌ای‌ كه‌ دوست‌ دارید، بمانید.

بالاخره‌ حضرت‌ علی‌ و حضرت‌ عباس‌ ، رسول‌الله را به‌ خانه‌ی‌ حضرت‌ عایشه ل منتقل‌ نمودند، تا آخرین‌ روزهای‌ حیاتش‌ را نزد محبوبه‌اش‌ بگذراند، و می‌رفت‌ كه‌ این‌ برگ‌ زرّین‌ بر دفتر افتخارات‌ عایشه ل افزوده‌ گردد.

رسول‌ اكرم‌ كاملاً ضعیف‌ شده‌، طوری‌ كه‌ برای‌ نماز نمی‌تواند به‌ مسجد برود. دستور می‌دهد دوست‌ و همراه‌ همیشگی‌اش‌، یعنی‌ ابوبكر صدیق‌ در جایگاهش‌ برای‌ مسلمانان‌ امامت‌ كند.

عایشه ل یک لحظه‌ نیز پیامبر را تنها نمی‌گذارد. می‌گوید: وقتی‌ به‌ او نگاه‌ كردم‌، دیدم‌ به‌ سوی‌ آسمان‌ می‌نگرد و می‌فرماید:

«فی‌ الرفیق‌ الأعلى‌، فی‌ الرفیق‌ الأعلى‌». «نزد بالاترین‌ رفیق‌، نزد بالاترین‌ رفیق»‌.

در این‌ هنگام «عبدالرحمن‌ بن‌ ابی‌بكر» برای‌ عیادت‌ آمد و مسواكی‌ در دست‌ داشت‌. رسول‌ اكرم‌ به‌ مسواک نگاه‌ می‌كرد، فهمیدم‌ قصد دارد مسواک بزند. من‌ مسواک را گرفتم‌ و با دندان‌های‌ خودم‌ آن‌ را خوب‌ نرم‌ كردم‌. سپس‌ به‌ رسول‌ اكرم‌ دادم‌، مانند گذشته‌ دندان‌هایش‌ را مسواک زد. بعد از آن‌ خواست‌ مسواک را به‌ من‌ بدهد، اما نتوانست‌ و مسواک از دستش‌ افتاد([[31]](#footnote-31)).

پس‌ اینجا امتیاز دیگری‌ نصیب‌ حضرت‌ عایشه ل گردید و آن‌، اینكه‌ در آخرین‌ لحظات‌ عمر مبارک مسواكی‌ را كه‌ او استعمال‌ كرده‌ بود، پیامبر به‌ دندان‌های‌ مبارک مالید و از آن‌ استفاده‌ كرد.

**\* اتاق‌ عايشه** ل**، مدفن‌ رسول‌الله**

جسد مبارک پیامبر اكرم‌ در همان‌ اتاقی‌ كه‌ روح‌ مباركش‌ از آن‌ جدا شد، دفن‌ گردید و این‌ بر افتخارات‌ حضرت‌ عایشه ل ‌ افزوده‌ شد كه‌ رسول‌الله تا هنگامه‌ی‌ قیامت‌ میهمان‌ حجره‌ی‌ عایشه ل‌ می‌باشد. و هر روز و هر شب‌، هر ساعت‌ و هر آن‌، هزاران‌ عاشق‌ شیفته‌ در مقابل‌ درب‌ حجره‌ی‌ آن‌ بانوی‌ بزرگوار با ادب‌ می‌ایستند و بر پیامبرشان‌ درود و سلام‌ می‌فرستند.

ویژگی‌های‌ عایشه ل ‌ در چند جمله‌:

خود حضرت‌ عایشه‌ ل میگوید: «من‌ به‌ چند دلیل‌ بر دیگر زنان‌ پیامبر برتری‌ دارم‌:

1. اینكه‌ پیامبر هیچ‌ زن‌ باكره‌ای‌ جز من‌ نگرفت‌.
2. هیچ‌ یک از زنان‌ او پدر و مادرشان‌ با وی‌ هجرت‌ نكردند.
3. خداوند خودش‌ برائت‌ مرا در تهمتی‌ كه‌ به‌ من‌ زدند از آمان‌ نازل‌ كرد.
4. جبرییل‌ صورت‌ مرا در حریری‌ از آسمان‌ برای‌ رسول‌ خدا آورد و به‌ او گفت‌ با من‌ ازدواج‌ كند.
5. من‌ و او از یک ظرف‌ غسل‌ می‌كردیم‌ و با هیچ‌ یک از زنان‌ دیگر خود این‌ كار را نمی‌كرد.
6. وقتی‌ كه‌ پیامبر در خانه‌ی‌ من‌ بود بر وی‌ وحی‌ نازل‌ می‌شد، اما در خانه‌های‌ دیگر چنین‌ اتفاقی‌ نمی‌افتاد.
7. وقتی‌ كه‌ خداوند روح‌ او را به‌ سوی‌ خود برد، سر مباركش‌ در دامان‌ من‌ بود.
8. در حجره‌ی‌ من‌ رحلت‌ فرموده‌ و در همانجا دفن‌ گردید» ([[32]](#footnote-32)).

**... سخن‌ آخر**

در پایان‌ لازم‌ می‌دانم، شبهه‌ای‌ را كه‌ عده‌ای‌ از خوانندگان‌ در پی‌ چاپ‌ اول‌ این‌ رساله‌ مطرح‌ نموده‌ بودند، پاسخ‌ گویم تا افراد مغرض‌، اذهان‌ عمومی‌ را به‌ سوی‌ تفرقه‌ و چنددسته‌گی‌ سوق‌ ندهند.

عده‌ای‌ از خوانندگان‌ عزیز از بعضی‌ جاهای‌ این‌ رساله‌ این‌ طور برداشت‌ كرده‌ بودند كه‌ ما مذهب‌ «تشیع‌» را رد كرده‌ایم‌ و این‌ رساله‌ در مقام‌ دفاع‌ از توهین‌ و اهانات‌ اهل‌ «تشیع‌» نگاشته‌ شده‌ است‌!.

بنده‌ بر خود لازم‌ دانستم‌ تا در اینجا توضیحی‌ مختصر را جهت‌ برطرف‌ نمودن‌ این‌ شبهه‌ ایراد نمایم‌.

عزیزان‌ توجه‌ داشته‌ باشند كه‌ یهود و نصارا از دشمنان‌ قسم‌ خورده‌ی‌ اسلام‌ هستند و پیوسته‌ در فكر و برنامه‌ریزی‌ برای‌ بدنام‌ كردن‌ اسلام‌ و مسلمانان‌ بوده‌اند. بهترین‌ وسیله‌ی‌ بدنام‌ كردن‌ اسلام‌ را اشكال‌ گرفتن‌ و خورده‌گیری‌ از شخص‌ رسول‌ اكرم‌ دانسته‌ و به‌ خاطر این‌ كار از هیچ‌ اقدامی‌ كوتاهی‌ نكرده‌اند.

در پی‌ همین‌ فكر پلید و شیطانی‌شان‌، به‌ واقعه‌ی‌ «افک» ـ كه‌ در این‌ مختصر روشن‌ شد كه‌ دروغی‌ محض‌ و بی‌بنیاد است‌ ـ دامن‌ زده‌اند و شبهه‌هایی‌ را در ذهن‌ جوانان‌ ایجاد می‌نمایند، تا با این‌ وسیله‌ مرهمی‌ بر زخم‌های‌ خود بنهند و كینه‌ و عداوت‌ خویش‌ را نسبت‌ به‌ پیامبر بزرگواراسلام‌ ، ابراز دارند.

برخی‌ از این‌ انسان‌های‌ مغرض‌ ـ كه‌ در ذیل‌ به‌ نام‌ بعضی‌ از آنها اشاره‌ می‌شود ـ با تغییر نوع‌ روایت‌ داستان‌ و ثبت‌ آن‌ در كتاب‌های‌ خویش‌، یک افسانه‌ی‌ طولانی‌ و پر سر و صدا از آن‌ ساخته‌اند و در هر جای‌ از كتاب‌های‌ خویش‌ شبهاتی‌ را در ذهن‌ خواننده‌، نسبت‌ به‌ حضرت‌ ام‌المؤمنین‌ عایشه ی‌ صدیقه‌ ل ایجاد می‌نمایند، و این‌ نیست‌ مگر به‌ سبب‌ بغض‌ و كینه‌توزی‌ كه‌ نسبت‌ به‌ اسلام‌ در دلشان‌ موج‌ می‌زند.

از جمله‌ی‌ این‌ نویسندگان‌ غربی‌؛ «ردویل‌» نویسنده‌ی‌ كتاب‌ «ترجمه‌ی‌ قرآن‌» می‌باشد كه‌ وقایع‌ تاریخی‌ را زیر پا گذاشته‌ و از روی‌ خیال‌پردازی‌ خود، عقیده‌ دارد كه‌ عایشه ل ‌، یک شبانه‌روز را با «صفوان‌» سپری‌ كرده‌ است‌.

یكی‌ دیگر از این‌ خائنان‌ تاریخ‌، آقای «وشنطون‌ ارفنج‌» می‌باشد كه‌ با روحی‌ مملو از حقد و حسد، از این‌ موضوع‌ سخن‌ گفته‌ و با وجود آنكه‌ حقیقت‌ قضیه‌ پیش‌ او روشن‌ بوده‌ است‌، باز هم‌ به‌ خود اجازه‌ نداده‌ كه‌ واقعیت‌ را برای‌ خوانندگان‌، بازگو نماید.

آنچه‌ باعث‌ تأسف‌ و تألم‌ است‌، و دلالت‌ بر فكر كوتاه‌ و عقل‌ نارسای‌ این‌ نویسندگان‌ و متفكران‌ غربی‌ می‌نماید، آن‌ است‌ كه‌ هنوز هم‌ گروهی‌ هستند كه‌ قضیه‌ی‌ «افک» را یک واقعیت‌ تصور می‌كنند و با كتمان‌ و پوشیدن‌ حق‌، به‌ پیروی‌ از هواهای‌ نفسانی‌ خویش‌ می‌پردازند و داستان‌ را به‌ شكل‌های‌ مختلفی‌ تغییر داده‌ و به‌ جوانان‌ كم‌اطلاع‌ تحویل‌ می‌دهند. و با این‌ كار می‌خواهند بگویند كه‌ پیامبر به‌ خاطر حفظ‌ آبروی‌ همسرش‌، این‌ آیات‌ را درست‌ كرده‌ است ([[33]](#footnote-33)).

خواننده‌ی‌ گرامی‌! آیا با وجود این‌ چنین‌ افكار پلیدی‌ در جامعه‌، باز هم‌ كسی‌ می‌تواند ما را از نوشتن‌ حقایق‌ باز دارد. و آیا جلوگیری‌ از برملاكردن‌ حقایق‌ برای‌ جوانان‌، جرم‌ و خیانت‌ نیست‌؟

كجای‌ این‌ قضیه‌ به «شیعه‌» و «تشیع‌» ربط‌ دارد، كه‌ گروهی‌ مغرض‌ می‌خواهند با این‌گونه‌ شایعات‌ در جامعه‌ تفرقه‌ ایجاد نمایند!.

آیا «شیعه‌» و «سنی‌» هر دو مسلمان‌ نیستند؟ مگر ممكن‌ است‌ كسی «شیعه‌ی‌ علی‌» باشد، خود را مُحب‌ و دوستدار حضرت‌ علی‌ بداند، و باز با ام‌المؤمنین‌، عایشه ‌ی‌ صدیقه‌ ل عداوت‌ و دشمنی‌ داشته‌ باشد؟! هرگز چنین‌ نیست‌. و اگر چنین‌ فردی‌ پیدا شود كه‌ خود را مسلمان‌ بداند، اما باز در مورد مادر مؤمنان‌، عایشه ‌ی‌ صدیقه‌ ل دچار شک و شبهه‌ باشد، و در دل‌ نسبت‌ به‌ ایشان‌ كینه‌ و بغض‌ بپروراند، به‌ جرأت‌ می‌توان‌ گفت‌ كه‌ چنین‌ شخصی‌ نه‌ «شیعه‌» است‌ و نه‌ «سنی‌»، بلكه‌ بدون‌ تردید او یک گمراه‌ زندیق‌ است‌ و بس‌.

اگر افرادی‌ نیز این‌ شبهه‌ را وارد نمایند كه‌ چرا حضرت‌ عایشه ل با حضرت‌ علی‌ وارد جنگ‌ شد؟ ما باید در این‌ مورد نیز راهنمایی‌ خداوند متعال‌ را قبول‌ نمائیم‌ كه‌ (تلک أمة قد خلت‌ لها ما كسبت‌ و لكم‌ ما كسبتم‌) پس‌ حساب‌ آنها با خداوند متعال‌ است‌ و طبق‌ مژده‌های‌ رسول‌الله هر دو گروه‌ بخشیده‌ شده‌ و در بهشت‌ هستند. پس‌ چه‌ فایده‌ای‌ دارد كه‌ ما خود را در دریای‌ خونی‌ غرق‌ نماییم‌ كه‌ خداوند در مورد آن‌ از ما هیچ‌ سؤالی‌ نمی‌كند.

عقیده‌ی‌ فرد مسلمان‌ در مورد آن‌ جنگ‌ها باید این‌ طور باشد كه‌ هر دو گروه‌ بهشتی‌ هستند و این‌ خطای‌ اجتهادی‌ بوده‌ كه‌ رخ‌ داده‌ است‌ و هیچ‌ یک از دو طرف‌ را نباید فحش‌ و ناسزا گفت‌([[34]](#footnote-34)).

با امید به‌ اینكه‌ خداوند متعال‌ این‌ كار كوچک را در بارگاه‌ خود بپذیرد و سپری‌ شود برای‌ این‌ «مسكین‌» در مقابل‌ آتش‌ جهنّم‌.

﴿رَبَّنَا تَقَبَّلۡ مِنَّآۖ إِنَّكَ أَنتَ ٱلسَّمِيعُ ٱلۡعَلِيمُ﴾

**محمد ایوب‌ گنجی‌**

**دارالعلوم‌ زاهدان‌.**

**ربیع‌الاول‌ 1423** ﻫ**..ق‌**

**بازبینی‌ و ویرایش‌ جدید شعبان‌ المعظم‌ 1426 قمری‌**

مسجد قُبای‌ سنندج ‌aiob @ kurdit.net

**منابع‌ و مآخذ**

 ـ قرآن‌ كریم‌: با ترجمه‌ دكتر مصطفی‌ خرّمدل‌.

ـ صحیح‌ بخاری‌: امام‌ محمد بن‌ اسماعیل‌ بخاری‌، دارالارقم‌ بیروت‌.

ـ صحیح‌ مسلم‌: امام‌ ابوالحسین‌ مسلم‌ نیشابوری‌، دار احیاء التراث‌.

ـ سنن‌ ترمذی‌: امام‌ محمد بن‌ عیسی‌ ترمذی‌، دارالفكر.

ـ مُسند احمد: امام‌ احمد بن‌ حنبل‌، درالفكر.

ـ مشكاة المصابیح‌: علامه‌ خطیب‌ تبریزی‌، دارالكتب‌ العلمیة.

ـ اشعة اللمعات‌: شیخ‌ عبدالحق‌ محدث‌ دهلوی‌، المكتبة الحنفیة

ـ البدایة و النهایة: حافظ‌ ابوالفداء اسماعیل‌ بن‌ كثیر،دارالتقوی‌

ـ الاصابة فی‌ تمییز الصحابة: شیخ‌ ابن‌ حجر عسقلانی‌، دارالكتب‌ العربی‌.

ـ الطبقات‌ الكبری‌: ابن‌ سعد، دارالفكر.

ـ أسد الغابة في معرفة الصحابة: عزّالدین‌ ابن‌ اثیر جزری‌، درالفكر.

ـ تاریخ‌ الاسلام‌: امام‌ شمس‌الدین‌ ذهبی‌، دارالكتب‌ العربی‌

ـ حیاة الصحابة: شیخ‌ یوسف‌ كاندهلوی‌، داراحیاء التراث‌ العربی‌.

ـ سیر أعلام‌ النبلاء: امام‌ شمس‌الدین‌ ذهبی‌، مؤسسة الرسالة.

ـ نساء مبشّرات‌ بالجنّة: احمد خلیل‌ جمعه‌، دار ابن‌كثیر.

ـ نساء حول‌ الرسول‌: محمد علی‌ قطب‌، المكتبة العصریة.

ـ نساء حول‌ الرسول‌: محمد برهان‌، دارالجیل‌

ـ نساء حول‌ الرسول‌: محمود مهدی‌ الاستانبولی‌ و ابوالنصرالشبلی‌،

ـ نساء اهل‌ البیت‌ فی‌ ضوء القرآن‌ و الحدیث‌: احمد خلیل‌ جمعه‌.

ـ نبی‌ رحمت‌: سید ابوالحسن‌ ندوی‌، ترجمه‌ مولانامحمدقاسم‌قاسمی‌.

ـ صحابیات‌ حول‌ الرسول‌: ابوعمار محمود المصری‌، دارالتقوی‌.

ـ رجال‌ و نساء أنزل‌ الله فیهم‌ قرآناً: دكتر عبدالرحمن‌ عمیزه‌.

ـ سیرت‌ مصطفی‌: علامه‌ كاندهلوی‌، ترجمه‌ محمدامین‌ حسین‌بر

ـ تفسیر نمونه‌: جمعی‌ از نویسندگان‌ شیعه‌

ـ تفسیر المیزان‌: آیت‌ الله طباطبایی‌

ـ تفسیر صفی‌ علیشاه‌: شیخ‌ صفی‌علیشاه‌.

ـ عایشه ل ‌ در حیات‌ محمد : سپهروز مولودی‌ .

ـ عائشة المبرئة: شیخ‌ احمد ابوالعز المصری‌.

ـ بانوان‌ نمونه‌ عصر پیامبر و صحابه‌: مولانا سعید انصاری‌ ندوی‌ و مولانا عبدالسلام‌ ندوی‌، ترجمه‌ مولوی‌ نذیر احمد سلامی‌.

1. - نسل‌ پیروز، دكتر یوسف‌ قرضاوی‌، ترجمه ابراهیم‌ ساعدی‌، ص‌ 37. [↑](#footnote-ref-1)
2. - نساء أهل البیت: ص‌ 111. [↑](#footnote-ref-2)
3. - عائشة المبرَّئة، ص‌ 14. [↑](#footnote-ref-3)
4. - أم‌المؤمنین‌ عائشة المبرئة، ص‌ 16. [↑](#footnote-ref-4)
5. - منبع‌ سابق‌. [↑](#footnote-ref-5)
6. - رواه‌ ترمذی‌. [↑](#footnote-ref-6)
7. - اشاره‌ به‌ حدیث‌ رسول‌ اكرم‌ كه‌ فرمود: نصف‌ دینتان‌ را از این‌ حمیرا بگیرید. [↑](#footnote-ref-7)
8. - نساء أهل البیت، ص‌ 120. [↑](#footnote-ref-8)
9. - أم‌المؤمنین‌ عائشة المبرّئة، ص‌21. [↑](#footnote-ref-9)
10. - عایشة المبرّئة، ص‌ 22. [↑](#footnote-ref-10)
11. - منبع‌ سابق‌، ص‌ 23. [↑](#footnote-ref-11)
12. - افک‌؛ در لغت‌ به‌ معنای‌ دروغ‌ بزرگ‌ و شاخدار، تهمت‌ و بهتان‌ است‌، اما هرگاه‌ در كتب‌ سیره‌ و حدیث‌ كلمه‌ی‌ «افک» می‌آید، حتماً مسئله‌ی‌ حضرت‌ عایشه ل‌ مطرح‌ می‌شود و این‌ واژه‌ برای‌ داستان‌ تهمتی‌ كه‌ منافقان‌ بر ام‌المؤمنین‌ عایشه‌ی‌ صدیقه‌ ل بستند، اختصاص‌ یافته‌ است‌. [↑](#footnote-ref-12)
13. - البدایة والنهایة، ج‌ 4، رجال‌ ونساء أنزل‌ الله فیهم‌ القرآن‌، ج‌ 9. تفاسیر در ذیل‌ آیات‌ 11ـ 16 سوره‌ نور. [↑](#footnote-ref-13)
14. - سنن‌ ترمذی‌. [↑](#footnote-ref-14)
15. - عایشه ل ‌ در حیات‌ محمد، ص‌ 122. [↑](#footnote-ref-15)
16. - تفسیر جامع‌ البیان‌، امام‌ طبری‌، ذیل‌ آیات‌ سوره‌ نور. [↑](#footnote-ref-16)
17. - آیات‌ 11 الی‌ 26 سوره‌ نور. [↑](#footnote-ref-17)
18. () روائع‌ البیان‌، ج‌2، ص‌ 4. [↑](#footnote-ref-18)
19. - ترجمه‌ اكثر آیات‌ از تفسیر نور، دكتر مصطفی‌ خرم‌دل‌. [↑](#footnote-ref-19)
20. () اشعار از شیخ‌ صفی‌علیشاه‌ ـ رحمه الله ـ، تفسیر قرآن‌ با نظم‌، انتشارات‌ صفی‌علیشاه‌. [↑](#footnote-ref-20)
21. - البته‌ با تفسیر نور دكتر مصطفی‌ خرمدل‌ اشتباه‌ نشود، آقای‌ قرائتی‌ نیز به‌ علت‌ علاقه‌ی‌ شدیدش‌ به‌ اهل‌ سنّت‌! نام‌ تفسیرش‌ را نور گذاشته‌ است‌!. [↑](#footnote-ref-21)
22. - تفسیر نور، (محسن‌ قرائتی‌)، ج‌8، ص‌ 153-152. [↑](#footnote-ref-22)
23. - این‌ رساله‌ فقط‌ مختصری‌ از زندگانی‌ بانوی‌ بزرگوار اسلام‌، مادر مؤمنان‌، عایشه‌ی‌ صدیقه‌ ل بود. چنانچه‌ عزیزانی‌ می‌خواهند در این‌ زمینه‌ كتاب‌ مفصل‌تری‌ را مطالعه‌ نمایند در فارسی‌ به‌ كتاب‌ «عایشه ل‌ در حیات‌ محمد » نوشته‌ی‌ سپهروز مولودی‌، و در اردو به‌ كتاب‌ «عایشه ل» نوشته‌ی‌ علامه‌ سید سلیمان‌ ندوی‌ و در عربی‌ به‌ «نساء أهل‌ الجنة» مراجعه‌ نمایند. [↑](#footnote-ref-23)
24. - ملكه‌ی‌ عفّت‌، ص‌ 56. [↑](#footnote-ref-24)
25. - بانوان‌ نمونه‌ اسلام‌. [↑](#footnote-ref-25)
26. - عایشه ل در حیات‌ محمد ، ص‌ 118. [↑](#footnote-ref-26)
27. - امهات‌ المؤمنین‌ و بنات‌ الرسول‌، ص‌ 35. ابن كثیر، و ابن قیم و آلبانی باین نظر اند که این حدیث موضوع است. [↑](#footnote-ref-27)
28. - عایشه ل ‌ در حیات‌ محمد ، ص‌ 152. [↑](#footnote-ref-28)
29. - نساء أهل البیت. [↑](#footnote-ref-29)
30. - عایشه ل ‌ در حیات‌ محمد، ص‌ 91. [↑](#footnote-ref-30)
31. - نبی‌َّ رحمت‌. [↑](#footnote-ref-31)
32. - عایشه ل ‌ در حیات‌ محمد، ص‌ 90. [↑](#footnote-ref-32)
33. - عائشة المبرّئة، ص‌ 60. [↑](#footnote-ref-33)
34. - جهت‌ اطلاع‌ بیشتر در مورد واقعه‌ی‌ جنگ «جمل‌» و جنگ «صفین‌» به‌ رساله‌ی «حقایقی‌ از جمل‌ و صفین‌» گردآوری‌، نگارنده‌ مراجعه‌ شود. [↑](#footnote-ref-34)